



مرکز مدیریت حوزه های علمیه

رساله علمی سطح سه

عنوان رساله:

حکم مصادیق جدید بخت آزمایی و حیل شرعی آن از منظر فقه امامیه

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین سید احمد میر خلیلی

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین محمود یوسفوند

محقق:

محمد یحیی شریف طبع

سال تدوین:

۱۳۹۸

کتابخانه

تقدیم به:

با کمال خضوع و خرسندی از توفیق خداوند، این نوشته را تقدیم می‌کنم به آن وجود مقدس حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف که به برکت وجود او تمام ارزاق مادی و معنوی بر خلق سرازیر می‌شود؛ امیدوارم که به قدر بضاعت ناچیز خود توانسته باشیم مایه رضایتش را که رضایت خداوند در آن است، به دست آورده باشیم و از آن کریم عنایتی در جهت دوام توفیق و عاقبت خیر خواستارم.

سپاس:

خاضعانه پیشانی سپاس به درگاه کردگار کریم میسایم و خاشعانه برالطاف بی پایانش شاکرم که مرا از دیار نیستی به سرای هستی رهنمون ساخت و اسباب حیات مادی و معنوی را کریمانه عنایت فرمود. از میان آن همه نعمت بی حد و حساب که تمام قوای دراکه، از فهم آن عاجزند، چه رسد به اینکه شکرش به جای آورده شود، نعمت هدایت بر صراط مستقیم انبیاء الهی و ائمه‌ی هداة معصومین علیهم السلام و زندگی در پرتو تعالیم ثقلین را که بالاترین نعمت خداوندی است، صمیمانه شاکرم. در همین جا از همه‌ی آنانیکه در این مسیر یاری رسان شدند تا حقیقت این صراط را بیشتر بشناسم تشکر می‌کنم. به‌طور ویژه از دو سرور ارجمند و استاد بزرگوار، آقایان جناب حجة الاسلام والمسلمین سید احمد میرخلیلی و حجة الاسلام والمسلمین محمود یوسفوند که بی‌شائبه هرگونه همکاری را با بنده حقیر انجام دادند تا این تحقیق به سرانجام رسد. همچنین از همسر گران‌قدرم که ایثار و از خودگذشتی فراوانی داشته‌اند کمال تشکر را دارم.

و الحمد لله

چکیده:

بخت آزمایی مثل سایر عقودی که در جامعه انجام می شود، مصادیق جدیدی پیدا کرده است. در قالب های مختلفی صورت می گیرد و جایزه آن بر شانس استوار است. برای این که انسان، ناخواسته مبتلا به بخت آزمایی نشود، مصادیق آن مورد تحلیل قرار گرفته است. با استفاده از منابع شیعه که شامل قرآن، سنت و عقل می باشد به روش توصیفی تحلیلی و ابزار گرد آوری اطلاعات بر پایه مطالعه کتابخانه ای این نتیجه به دست می آید که بخت آزمایی از لحاظ موضوع شناسی، یکی از مصادیق قمار می باشد. دو رکن اصلی مفهوم آن، لعب و رهان است. اگر این دو در کنار هم باشند قمار بر آن صدق می کند. بر اساس آیات قرآن و روایات و تقریب هایی از دلیل عقل حرمت تکلیفی و وضعی دارد. سایت های بخت آزمایی نظیر لاتاری های فروش ویزای امریکا معاملات آن حرام و باطل است. سیستم های خدمات ارزش افزوده اگر به گونه ای باشد که لعب بر آن صدق کند و هزینه ای را که از مشتری دریافت می کند نسبت به منفعت و اطلاعاتی که در اختیار او قرار می دهد عقلایی نباشد، پول جا به جا شده اکل مال به باطل خواهد بود. جوایز حساب های قرض الحسنه بانک ها و محصولات فروشگاه ها اگر بین دو طرف معامله هیچ گونه شرطی قرار نگرفته نباشد، قرار داد صحیح و اخذ جایزه مشکل شرعی ندارد. مسابقه تلویزیونی برنده باش، مفهوم بخت آزمایی بر آن صادق است لذا قمار شناخته می شود. مدل مشروعیت بخت آزمایی با توجه به قصد متعاملین به نیت خیر خواهی، قصد متعاملین به نیت صدقه یا هبه غیر معوض، پرداخت جایزه از طرف شخص ثالث بررسی شده است. تنها راه کار ادعای مشروعیت مصادیق بخت آزمایی که در جامعه قابل اجرا باشد، مدلی هست که بر اساس تغییر ماهیت بخت آزمایی و پرداخت حق ورود از شرکت کنندگان است. البته نحوه گرفتن حق ورود باید نسبت به نحوه قرارداد، عقلایی باشد.

کلیدواژه ها: بخت آزمایی ، حیل شرعی ، مصادیق بخت آزمایی. برد و باخت

فهرست

۱	مقدمه
۱	بیان مسئله
۱	سوال اصلی
۱	سوالات فرعی
۲	فرضیه تحقیق
۲	اهداف و فواید تحقیق
۲	پیشینه ی تحقیق
۴	روش تحقیق
۴	کاربرد نتایج تحقیق
۴	ضرورت این انتخاب
۵	فصل اول: مفاهیم و مباحث مقدماتی
۶	بخش اول: مفاهیم
۶	گفتار اول: بخت آزمایی
۶	الف: بخت آزمایی در لغت
۷	ب: بخت آزمایی در اصطلاح
۸	گفتار دوم: قمار
۸	الف: قمار در لغت
۹	ب: قمار در اصطلاح
۱۲	گفتار سوم: میسر
۱۲	الف: میسر در لغت
۱۳۳	ب: میسر در اصطلاح
۱۳۳	گفتار چهارم: ازلام
۱۳	الف: ازلام در لغت

- ب: ازلام در اصطلاح ۱۴
- گفتار پنجم: رهان ۱۴
- الف: رهان در لغت ۱۴
- ب: رهان در اصطلاح ۱۵
- گفتار ششم: حيله ۱۷
- الف: حيله در لغت ۱۷
- ب: حيله در اصطلاح ۱۸
- بخش دوم: مباحث مقدماتی ۱۹**
- گفتار اول: سير تطور تاريخی بخت آزمایی ۱۹
- گفتار دوم: ماهیت فقهی بخت آزمایی ۲۷
- گفتار سوم: نسبت بخت آزمایی با قرعه کشی ۳۰
- گفتار چهارم: اصل اولی در بخت آزمایی ۳۱
- فصل دوم: حکم بخت آزمایی ۳۳
- بخش اول: ادله نقلی ۳۴**
- گفتار اول: کتاب ۳۴
- الف: عموم قرآنی ۳۴
- ب: آیات اختصاصی ۴۲
- گفتار دوم: روایات ۴۸
- بخش دوم: تقریبات دلیل عقلی ۶۳**
- گفتار اول: رابطه بخت آزمایی با جنایات ۶۸
- گفتار دوم: ضرر اقتصادی در فرد و نظام اقتصادی جامعه ۶۹
- گفتار سوم: ضررهای اجتماعی بخت آزمایی ۷۱
- گفتار چهارم: بخت آزمایی بزرگترین عامل هیجان ۷۲

- فصل سوم: مصادیق جدید بخت آزمایی و حیل شرعی آن ۷۷
- بخش اول: مصادیق جدید بخت آزمایی ۷۸
- گفتار اول: بخت آزمایی های اینترنتی ۷۸
- گفتار دوم: سیستم های خدمات ارزش افزوده ۷۹
- گفتار سوم: جوایز حساب های قرض الحسنه ۸۱
- گفتار چهارم : مسابقه تلوزیونی برنده باش ۸۴
- بخش دوم: حيله های شرعی مصادیق بخت آزمایی ۸۷
- گفتار اول: قصد متعاملین به نیت خیر خواهی ۸۷
- گفتار دوم: قصد متعاملین به نیت صدقه یا هبه غیر معوض ۸۸
- گفتار سوم: پرداخت جایزه از طرف شخص ثالث ۹۱
- گفتار چهارم: مدلی بر اساس تغییر ماهیت بخت آزمایی ۹۲
- خلاصه و نتیجه گیری ۹۴
- منابع و مأخذ ۹۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و به نستعین و هو خیر ناصر و معین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین.
 و بعد فقد قال الله الحکیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ
 عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده، ۹۰)

ای کسانی که ایمان آوردهاید ، شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطانند .
 پس ، از آنها دوری گزینید ، باشد که رستگار شوید .

مقدمه

بیان مسئله

بخت آزمایی مثل سایر عقودی که در جامعه انجام می شود، مصادیق جدیدی پیدا کرده است و دچار پیچیدگی های خاصی شده است و حتی در کشور خودمان در قالب های برنامه های پیامکی (پیش بینی مسابقات فوتبال در برنامه ۹۰)، مسابقات تلویزیونی (برنده باش)، مسابقات اینترنتی که به طور تصادفی تبلیغش بر گوشی های همراه می آید که با شکل های مختلفی انجام می گیرد و جایزه آن بر شانس و تصادف استوار است. بر این اساس ادله قمار را باز پژوهی می کنیم تا معیار و ضابطه بخت آزمایی را بدست بیاوریم و آنگاه به راحتی بتوانیم بر مصادیق جدید تطبیق دهیم و بفهمیم کدام یک از مصادیق مسابقات و قرعه کشی ها، از نظر موضوع، بخت آزمایی شناخته می شوند و حکمش مشخص شود. بعضی موارد هم شاید به ظاهر بخت آزمایی باشند همچنین در موارد مشکوک بدانیم چه اصل عملی باید جاری کرد. در ضمن بررسی کنیم آیا راه کار شرعی برای برون رفت از حرمت بخت آزمایی وجود دارد یا خیر؟ بعضی روش قصد متعاملین به نیت خیرخواهی و یا پرداخت جایزه، از طرف شخص ثالث و روش های دیگری پیشنهاد نموده اند که بعد از واکاوی ادله حکم بخت آزمایی و واقعیت های جامعه امروزی بدان می رسیم که راه کارها فایده ای دارند یا خیر. این تحقیق به صدا و سیما در اجرای مسابقات جهت و ضابطه می دهد که خواسته یا ناخواسته وارد به عمل حرامی نشود، همچنین متشرعین دقت بیشتری نسبت به امر مذکور خواهند داشت تا ناخواسته بخت آزمایی انجام ندهند.

سوال اصلی

حکم مصادیق جدید بخت آزمایی و حیل شرعی آن از منظر فقه امامیه چیست؟

سوالات فرعی

۱- ادله حرمت بخت آزمایی چیست؟

۲- مصادیق بخت آزمایی چیست؟

۳- انواع حیل شرعی برای مصادیق بخت آزمایی چیست؟

فرضیه تحقیق

- ۱- بخت آزمایی یکی از مصادیق قمار محسوب می شود و حرمت تکلیفی و وضعی دارد. و مواردی که این ضابطه را نداشته باشند مشکل شرعی ندارد .
- ۲- مصادیق جدید بخت آزمایی با داشتن ضابطه (لعب و رهان) حرام و باطل است. تنها حيله شرعی برای تصحیح بخت آزمایی این است که ماهیت آن به طور کامل تغییر کند.

اهداف و فواید تحقیق

- ۱- آشنایی بیشتر با مصادیق جدید بخت آزمایی
- ۲- به دنبال راه حل برای دچار نشدن مسابقات در دام بخت آزمایی
- ۳- معرفی نمودن بخت آزمایی به عنوان یکی از مصادیق قمار

پیشینه ی تحقیق

در زمینه بخت آزمایی، تحقیقاتی وجود دارد از جمله:

الف: کتاب

- ۱- محقق داماد، سید مصطفی، تحصیل نا مشروع مال در حقوق اسلامی، مرکز نشر اسلامی، ۱۳۹۳، چاپ اول
- ایشان بحث خوبی در مورد اکل مال به باطل دارند لکن فصل چهارم که در مورد قمار است در مورد بخت آزمایی بحث فراگیری ندارند
- ۲- مدرس طباطبایی یزدی، سید محمدرضا، بررسی گسترده ی فقهی: قمار، قیادت، قیافه، کهانت و ... / تقریرات دروس خارج فقه، دارالتفسیر، ۱۳۹۲، چاپ اول

ایشان ادله حرمت قمار را به خوبی بحث کرده اند لکن به مصادیق جدید بخت آزمایی اشاره ای ننموده اند.

ب: پایان نامه

- ۱- رزاقی، صادق، شرط بندی و احکام آن در فقه اسلامی به راهنمایی دکتر ابوترابی شهررضایی، حوزه علمیه قم ۱۳۹۳؛
ایشان ادله قمار را به خوبی تحلیل کرده اند لکن در فصل مصادیق نو پدید قمار به سه مورد درباره بخت آزمایی کفایت کرده و توضیح مبسوطی در مورد آن نداده است و به طورمجزا در مورد بخت آزمایی بحث نکرده اند
- ۲- منصور آباد، حجت اله کاظمی، بررسی وضعیت و مبانی فقهی حقوقی قمار و گروبنندی به راهنمایی دکتر سید علی اصغر موسوی رکنی، دانشگاه قم، ۱۳۹۱
ایشان تتبع داشته اند و اقوال زیادی از فقها و حقوقدانان ذکر نموده اند و تحلیل ادله هم به تقریبا به خوبی انجام شده است ولی در مورد بخت آزمایی فقط یک اشاره مختصری دارند.

ج: مقاله

- ۱- حایری، محمود، اسلامی، ساجده، مبانی فقهی جوایز قرض الحسنه بانک ها، نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۶
ایشان به دنبال این است که بگوید جوایز قرض الحسنه بانک ها حلال است و مشکلی ندارد اما درمیان مبحث، ادله را به درستی تحلیل نکرده است به طور مثال در تعریف قمار می گوید باید هر دو قید بازی با آلات قمار و شرط بندی در آن با هم وجود داشته باشد و برای اثبات مدعا قول لغوی را درست تحلیل نمی کند و اطلاعات روایات را به صرف شک نمی پذیرد. در مجموع اصول فقه در مقاله مذکور از استحکام برخوردار نیست.
- ۲- قاسمی نژاد، امیر، اشکالات شرعی پیش بینی پیامکی، ماه نامه حقوقی و حقوق شناسی دادنامه، ۱۳۸۹
ایشان فقط به یک مورد از مصادیق بخت آزمایی اشاره کردند و ادله را بررسی ننموده اند و به ذکر فتاوی مراجع کفایت کردند و حتی اختلاف بین فتاوا را نیز بررسی نکرده اند.

روش تحقیق

روش تحقیق، به صورت توصیفی تحلیلی می باشد و ابزار گرد آوری اطلاعات آن بر پایه مطالعه کتابخانه ای از ادله اربعه فقه شیعه می باشد.

کاربرد نتایج تحقیق

بعد از بررسی حیل شرعی، امکان دارد مدلی را به نهادهای خیر خواهانه مثل بهزیستی و کمیته امداد معرفی نمود تا بتوانند برای فعالیت های خود از آن استفاده کنند. اگر مدلی آثار مطلوب اجتماعی دارد نباید محدود شود و مانع از وسعت آن شد.

ضرورت این انتخاب

تا به امروز بحث مبسوطی در مورد بخت آزمایی و مصادیق جدیدش صورت نگرفته است و با پیچیدگی قراردادهای و انواع مسابقات ممکن است انسان ناخواسته مبتلا به قمار شود همچنین به طور دقیق باید حیل شرعی پیرامون این موضوع را بررسی کرد تا ببینیم می توان راهی برای مکلف گشود تا فعل حرامی را انجام ندهد.

فصل اول:

مفاهیم و مباحث مقدماتی

بخش اول: مفاهیم

این بخش، شامل شش گفتار می باشد. مفهوم بخت آزمایی در لغت و اصطلاح روشن می شود. مفاهیم دیگری نظیر قمار، میسر، ازلام و رهان که در تبیین ماهیت بخت آزمایی نقش دارند مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین حیلۀ شرعی از نظر لغت و اصطلاح تبیین گردیده است.

گفتار اول: بخت آزمایی

در این گفتار، مفهوم بخت آزمایی در لغت و اصطلاح فقه و حقوق مورد بررسی قرار گرفته است.

الف: بخت آزمایی در لغت

در زبان عربی به آن یانصیب گفته می شود. و در دو معنا به صورت مشترک لفظی استفاده شده است. یکی به معنای سود و بهره ای از هر چیزی^۱، و دیگری به معنای قدر و قسمت^۲. جمع آن انصباء و انصبه^۳ می باشد.

گاهی اوقات کلمه (یا) قبل از نصیب قرار می گیرد و آن را تبدیل به (یانصیب) می گرداند که نتیجه از ندای بایع یا پخش کننده ورق های بخت آزمایی بین مردم است که آن ها را دعوت به خرید یا بیان نتیجه قرعه کشی می کند.^۴ به نظر می رسد حرف ندا (یا) بر اثر کثرت استعمال در نصیب، تبدیل به یک کلمه واحد (یا نصیب) شده است و معنای جدیدی به خود گرفته که همان معنای اصطلاحی که به آن اشاره خواهد شد. بعضی از لغویین^۵ واژه یانصیب را همان معنای اصطلاحی فقه و حقوق را بیان کرده اند.

۱ جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۲۲۵. فیروز آبادی، قاموس المحيط، ج ۱، ص ۱۷۷.

۲ فتح الله، معجم الفاظ الفقه الجعفری ص ۴۲۶.

۳ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۷۶۱.

۴ ترکی، حکم اوراق یانصیب عند فقها الامامیه المعاصرین، نشریه شوون اسلامیه ص ۶۶.

۵ مسعود، الرائد، ص ۱۶۳۲.

بخت آزمایی در زبان فارسی، یعنی طالع خویش به آزمون در آوردن است.^۱ یعنی کاری که به صورت تصادفی و شانسی انجام شود و معلوم نیست که به نتیجه برسد یا خیر و حتی احتمال رسیدن به نتیجه مطلوب بسیار پایین است. لذا تعبیر به طالع یا بخت و اقبال می کنند.

ب: بخت آزمایی در اصطلاح

در اصطلاح فقه، برگه هایی که شرکتی به مبلغ معینی می فروشد و متعهد می شود که در بین مشتریان قرعه کشی نماید و هرکس اسمش در قرعه کشی انتخاب شد مبلغی را به عنوان جایزه به او بدهند.^۲

در اصطلاح حقوق، بخت آزمایی یا لوتری، قراردادی است که به عموم پیشنهاد می شود بدین مضمون که: از بین خریداران بلیط یا پرداخت کنندگان، مبلغ معینی به اشخاصی که بر مبنای قرعه یا نظام ویژه دیگر برنده می شوند، پول یا مال دیگر داده خواهد شد. خرید بلیط یا پرداخت پول از طرف هر کسی، اعلان قبول پیشنهاد و شرکت در بخت آزمایی است. در این گونه پیمانها، تنها تصادف و اقبال، برنده را معین می کند نه مهارت و تجربه و تخصص شرکت کننده؛ زیرا نقش شرکت کننده تنها در قبول پیشنهاد خلاصه می شود.^۳

آنچه به نظر می رسد اصطلاح بخت آزمایی، بلیت هایی به شکل های مختلف کاغذی و یا مجازی با شماره و کدهای مشخص و به قیمتی معین فروخته می شوند به طوری که برنده اصلی بخت آزمایی کسی است که آن شماره و یا کد روی بلیط را دارا باشد و در نتیجه صاحب جایزه بزرگ می شود.

۱ دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۸، ص ۶۹۵.

۲ سیستانی، المسائل المتنبه، ص ۵۸۶ بحرانی، فقه المصارف و النقود، ص ۵۳۱، حلی، بحوث فقهیه، ص ۵۱.

۳ طاهری، حقوق مدنی، ج ۴، ص ۳۹۰.

گفتار دوم: قمار

در این گفتار قمار در لغت و اصطلاح فقه مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین نظرات مختلف فقه‌ها در معنای قمار تحلیل و ارزیابی شده‌اند.

الف: قمار در لغت

در زبان عربی، قمار مصدر ثلاثی مزید: قَامَرَ، يَقَامِرُ، مَقَامَرَهُ و قَمَارًا، به معنی چیره شدن و برتری جویی نسبت به یکدیگر است.^۱ البته به هر نوع چیره شدنی قمار نمی‌گویند بلکه باید در غالب بازی کردن بین دو نفر یا بیشتر به همراه رهان^۲ باشد.^۳ یعنی وجود رهن را در مفهوم قمار شرط می‌دانند، هر چند که بعضی از لغویین کلامشان را مطلق گذاشته‌اند و اشاره‌ای به رهان در بازی نکرده‌اند.^۴ به نظر می‌رسد عده‌ای مانند جوهری، فیومی و خلیل که کلامشان مطلق است، منظورشان همان لعب همراه رهان است و الا صرف لعب را که قمار نمی‌گویند. اگر کسی هم معنا برایش مجمل شود باید اکتفا به قدر متیقن کند که آن هم لعب به همراه رهان است. البته بعضی دیگر قید سومی هم اضافه نمودند و آن ابزار خاص قمار است. یعنی بازی که با ابزار خاص قمار به همراه لعان باشد به این قمار می‌گویند.^۵ اما به نظر می‌رسد این یک معنای نادر و شاذی باشد، علاوه بر آن، کتاب مجمع البحرین، به خاطر تأخر زمانی، از منابع دسته اول لغت محسوب نمی‌شود و اگر معنایی را فقط او ذکر کرده باشد به راحتی نمی‌توان آن را پذیرفت.

۱ جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۷۹۹. فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۱۵.

۲ رهان در واقع آن امتیازی است که هر یک از طرفین باید در صورت باختن به دیگری بپردازد اعم از اینکه تعهد به پرداخت مال یا انجام فعلی باشد.

۳ ابن منظور، لسان العرب؛ ج ۵، ص ۱۱۵. فیروزآبادی، القاموس المحيط؛ ج ۲، ص ۲۰۷. زمخشری، اساس البلاغه، ص ۵۲۲. طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۶۳.

۴ فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۱۶۱. جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۷۹۹. فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۱۵.

۵ طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۶۳.

در زبان فارسی، هر بازی که به طور غالب شرط شود که برنده چیزی از بازنده بگیرد، خواه با ورق باشد یا غیر آن.^۱

بررسی کتب لغویین ما را به این نتیجه می‌رساند که «قمار» لعبی را می‌گویند که قوامش حداقل به دو طرف است و در آن وجود رهان شرط می‌باشد. به بیان ساده تر، هر گاه دو نفر با هم قرار گذاشتند تا فلان مسابقه و بازی را انجام بدهند و هر کدام که بر دیگری غالب شد از شخص مغلوب، عین یا منفعتی را دریافت می‌کند.

ب: قمار در اصطلاح

در میان فقها در خصوص معنای قمار اختلاف است که آیا در تحقق مفهوم قمار، تنها لعب و وجود برد و باخت کافی است و یا اینکه علاوه بر آن، باید بازی با آلات قمار باشد تا قمار صدق کند. این بحث از مباحث اساسی در موضوع مورد تحقیق ما است؛ چرا که دیدگاههای مختلف در این بحث، می‌تواند در مباحث آتی تاثیر گذار باشد. دیدگاه فقها در این مورد را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد.

صرف مغالبه

قمار صرف مغالبه (ولو بدون برد و باخت و لو فقط برای پیروزی خواهی بر دیگری) می‌باشد. بر طبق این نظر که مرحوم سید خوانساری فقط در کتابش نقل می‌کند و قائلش را نمی‌فرماید،^۲ نه برد و باخت در تحقق قمار شرط است و نه آلات قمار، بلکه صرف مسابقه دادن و قصد پیروزی بر دیگری، برای تحقق آن کافی است.

۱ دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۳۲، ص ۴۶۶.

۲ خوانساری، جامع المدارک، ج ۳، ص ۳۰.

بازی با آلات قمار هر چند بدون برد و باخت

بازی با آلات قمار، قمار است و لو اینکه برد و باخت نباشد.^۱ استدلالشان بر این است که ادعای متوقف بودن صدق قمار و رهان به بذل عوض، صحتش معلوم نیست، چرا که قمار و رهان، مخصوصاً دومی، بر لعب با آلات بدون عوض هم در عرف و عادت مردم صدق می‌کند.^۲ زیرا ظاهر أدله این است که لعب به آلات قمار و لو بدون رهان حرام است و أدله اطلاق دارد: اجتنبوا المیسر که در روایات به کل ما قومر علیه تفسیر شد^۳ شامل مطلق لعب می‌شود زیرا اثر ظاهر از آلات قمار لعب با آن است چه با برد و باخت و چه بدون برد و باخت مالی. خصوصاً در مورد روایاتی مثل موثقه سکونی به لعب تصریح شده که لعب به نرد و شطرنج حرام است. و لعب اطلاق دارد چه لعب مع الرهان چه لعب بدون رهان.^۴

ظاهر نهی در روایات^۵ این است که به اثر ظاهر تعلق می‌گیرد. اثر ظاهر در آلات قمار لعب به آن است. اگر الان مولی به عبدش بگوید از آلات قمار اجتناب کن بعد عبد هر شب با دوستانش برای تفریح با آلات قمار بدون رهان بازی کند آیا عقلاء این عبد را معذور می‌دانند؟ خیر عقلاء می‌گویند اطلاق دارد.^۶

بازی با آلات قمار همراه با برد و باخت

بازی با آلات قمار به همراه برد و باخت را قمار می‌گویند.^۷ این معنا قدر متیقن از معنای قمار می‌باشد و همه قیود (لعب، ابزار قمار، رهان) در آن اخذ شده است. استدلالشان فهم عرف از قمار و بیان بعضی از لغویین نظیر مجمع البحرین می‌باشد. طبق این نظر قمار بر بازی با آلات

۱ طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۱۰، ص ۲۳۹. اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۸، ص ۴۱. شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۳ ص ۱۲۲.

۲ طباطبایی، همان.

۳ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجاره، أبواب ما یکتسب به، باب ۱۰۴، ح ۱، ص ۳۲۴؛ کلینی، الکافی، ج ۶،

۴ شاهرودی، محاضرات فی الفقه الجعفری، ج ۱، ص ۴۲۶، تقریرات درس آیت الله خویی.

۵ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجاره، أبواب ما یکتسب به، باب ۳۵، ح ۴-۵-۶، ص ۱۶۵؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲۴-۱۲۲.

۶ درس خارج فقه آیت الله شهیدی ۹۵/۱۲/۱۸.

۷ نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۱۰۹. عاملی، مفتاح الکرامه، ج ۱۲، ص ۱۸۵. خوانساری، جامع المدارک، ج ۳، ص ۲۷.

قمار بدون رهن صدق نمی کند.^۱

بازی به همراه برد و باخت

هر لعبی که در آن صرف برد و باخت شرط شود، حال چه با آلات قمار باشد یا نباشد به آن قمار می گویند.^۲ دلیل ایشان بر این مطلب اطلاق کلمه قمار در مورد برد و باخت است و لو بدون آلات قمار باشد، همچنین از کلمات اهل عرف و لغت استفاده می شود که قمار و میسر برای بازی با هر چیزی به همراه عوض وضع شده و در فارسی به آن (برد و باخت) می گویند.^۳ آنچه به نظر می رسد دیدگاه اول فقط صرف ادعا است و دلیلی به عنوان پشتوانه ندارد. دیدگاه دوم نیز صحیح نیست چرا در بحث لغوی ذکر شد واژه (قمار) بدون رهن و عوض صدقش بسیار بعید است و اکثر اهل لغت، وجود عوض را شرط دانستند. پس این قول که می گوید بازی با آلات قمار برای صدق قمار کافی است، از نظر صدق لغوی، نمی تواند درست باشد. و نسبت به روایات بیان می شود که لعب چنین اطلاقی ندارد. دیدگاه سوم هر چند که قدر متیقن از مفهوم قمار محسوب می شود لکن معنای کاملی نیست زیرا اولاً دخیل بودن ابزار قمار در مفهوم قمار لغت نامه ای جز مجمع البحرین مطرح نکرده است که نقد آن در سابق بیان شد.^۴ ثانیاً عرف به کسی که بازی به همراه رهن انجام می دهد را قمار می گوید و نیازی به این که حتماً با ابزار قمار باشد نیست. لذا دیدگاه چهارم که نظر شیخ انصاری ره می باشد صحیح است و قید لعب و رهن کفایت می کند، قول لغویین نیز ما را به این اطمینان می رساند. آن چه به نظر می رسد باخت آزمایی هم موضوعاً قمار می باشد و در مفهوم آن لعب و رهن نهفته است.

مرحوم تبریزی در اینجا اشکالی دارند به این بیان که در مفهوم قمار قید لعب مدخلیت دارد ولی اطلاق لعب به سیستم های باخت آزمایی دشوار است.^۵ ما در مفهوم شناسی، کبرای مسئله را

۱ خمینی، مکاسب محرمة، ج ۲، ص ۷.

۲ نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۴ ص ۱۰۴. انصاری، مکاسب، ج ۱، ص ۳۷۷.

۳ خوبی، مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۳۷۲.

۴ ص ۸.

۵ تبریزی، ارشاد الطالب الی تعلیق المکاسب، ج ۱، ص ۲۲۴.

قبول می کنیم و می گوئیم که لعب به عنوان جنس مفهوم قمار می باشد لذا شرط بندی در امور جدی و عقلانی از باب عنوان قمار نمی تواند حرام باشد و مثلاً اگر چند نفر در مسابقه قرائت قرآن با هم شرط بندی کنند به آن قمار نمی گویند. ولی از حیث صغروی به حرف ایشان اشکال داریم زیرا معتقدیم عرفاً به خرید بلیت های بخت آزمایی اطلاق لعب می شود.

لعب یعنی سرگرمی و عرفاً شرکت در مسابقات بخت آزمایی نوعی سرگرمی است. اینکه یک میلیون نفر بلیت هایی به مبلغ یک دلار خریداری می کنند تا آخر شب یکی از آنها برنده شود آیا این سرگرمی نیست؟! سرگرمی که حتماً نباید به شکل فوتبال یا پاسور باشد. عرفاً، خود این را نوعی سرگرمی مهیج و لعب به شمار می آورد لذا حرف مرحوم تبریزی را تمام نمی دانیم.

گفتار سوم: میسر

در این گفتار مفهوم میسر از جهت لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار گرفته است.

الف: میسر در لغت

اکثر لغویین^۱ «میسر» را به نوع خاصی از قمار که به وسیلهی اقداح و ازلام است معنی کرده اند و بعضی^۲ علاوه بر آن به آلات قمار مثل «جزور»؛ یعنی آن شتری که در بازی قمار به وسیلهی اقداح و ازلام تقسیم می شود معنی کرده اند و بعضی^۳ دیگر به مطلق قمار معنی کرده اند.^۴ قمار باز را یاسر می گویند و قمار را از آن جهت میسر می نامند زیرا به وسیله آن، مال دیگران، آسان و بی زحمت به چنگ می آید.^۵

۱ جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۸۵۷؛ زمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۴۲۲؛ ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث،

ج ۵، ص ۲۹۶؛ ابن منظور، لسان العرب ج ۵، ص ۲۹۸؛ فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۸۰.

۲ فراهیدی، العین ج ۷، ص ۲۹۵؛ الصحاح، المحيط فی اللغة ج ۸، ص ۳۷۰؛ هم چنین معنای دومی که لسان العرب ذکر می کند.

۳ ابن فارس، معجم مقایس اللغة ج ۶، ص ۱۵۵؛ ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث، ج ۵، ص ۲۹۶.

۴ حمیری، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، ج ۱۱، ص ۷۳۵۴؛ زمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۴۲۲؛

ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث، ج ۵، ص ۲۹۶.

۵ قرشی، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۲۶۳. زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۲۶۱.

ب: میسر در اصطلاح

فقها دو تعریف از آن بیان نموده اند. یکی به معنای مطلق قمار است به طوری که معنای جامعی باشد و همه انواع آن را شامل شود،^۱ و دیگری نیز به معنای ابزار قمار است نه خود قمار.^۲ تحلیل درست بودن هر یک را در ادله روایی حرمت قمار بحث خواهیم نمود.

گفتار چهارم: ازلام

در این گفتار مفهوم ازلام در لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار گرفته است.

الف: ازلام در لغت

ازلام به سه معنی تفسیر شده است. معنای اول تَفَال و قرعه کشی به سهام می‌باشد. در دوره جاهلیت مرسوم بود که وقتی می‌خواستند کاری انجام دهند در دو چیز می‌نوشتند. یکی از آنها را مثلاً نشانه ی ترک و دیگری را نشانه ی فعل قرار داده و همه را در یکجا قرار می‌گذاشتند. سپس دست برده تا ببیند که بر اساس آن کدام بیرون می‌آید. این عمل شبیه استخاره‌ای است که در حال حاضر انجام می‌گیرد. این معنا از ازلام نزدیک به معنای تَفَال است که برای رفع تحیر و نزدیک به قرعه و استخاره می‌باشد.^۳

معنای دوم این است که ازلام یک نوع خاصی از استقسام می‌باشد که نزد عرب جاهلی معمول بود که از آن به «میسر» هم تعبیر کرده‌اند.^۴ بیشتر شبیه یک سرگرمی بود که نتیجه اش با قرعه کشی معلوم می‌شد.

معنای سوم این است که موضوع له ازلام معنایی اعم از دو معنای سابق باشد. علامه طباطبایی، در اشاره به بعضی از مفسرین - به خصوص مفسرین عامه - که «ازلام» را حمل بر معنای

۱ فاضل مقداد، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۲، ص ۱۸. ابن ادریس، سرائر، ج ۳، ص ۴۷۲. شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱، ص ۱۰۵. کاشف الغطا، انوار الفقاهه، ص ۶۰. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۴۴. خمینی، مکاسب محرمة، ج ۲، ص ۱۰.
 ۲ انصاری، مکاسب، ج ۱، ص ۹۸. صدر، بحوث فی شرح عروه الوثقی، ج ۳، ص ۳۲۷.
 ۳ فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۳۷۰. ازهری، تهذیب اللغه، ج ۱۳، ص ۱۴۹.
 ۴ جوهری، الصحاح، ج ۵، ص ۱۹۴۳.

استخاره کرده‌اند می‌فرمایند: اولاً اُزلام در روایات معتبر ما - که بعداً خواهد آمد - به‌عنوان قمار به شمار آمده است و ثانیاً اگر هم این نباشد این دو معنا مشترک لفظی هستند و ما قرینه معینه‌ای نداریم و لذا نمی‌شود حمل بر معنای استخاره کرد.^۱

ب: اُزلام در اصطلاح

در فقه به همان معنای لغوی به کار رفته است و معنای خاصی ندارد.^۲

گفتار پنجم: رهان

در این گفتار مفهوم رهان در لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار گرفته است.

الف: رهان در لغت

ریشه کلمه «رهان» از نظر لغوی «رهن» می‌باشد که هم به‌طور لازم و هم متعدی استعمال می‌شود و اگر به‌صورت لازم، به کار رود به معنای «ثبوت و دوام» است و اگر به‌صورت متعدی، به معنای گرو گذاشتن است.

صاحب کتاب مقایس اللغه می‌گوید: راء و هاء و نون اصل است که دلالت بر ثبات چیزی، حال به حق گرفته شود یا به نا حق و شیء مرهون به چیزی گفته می‌شود که ثابت و دائم باشد و «رهن» به چیزی گفته می‌شود که به‌عنوان گرو برای بدهکاری در نزد کسی می‌گذارد، و «رهن» مانند آن است ولی اختصاص به چیزی دارد که در مسابقات قرار داده می‌شود و اصل هر دوی آنها مصدر است.^۳ رهن مصدر ثلاثی مجرد رهان و مصدر باب مفاعله. همین دیدگاه را صاحب مجمع البحرین و مفردات اظهار می‌دارد.^۴

۱ طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۱۱۹.

۲ جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱۰، ص ۳۱۷.

۳ ابن فارس، معجم مقایس اللغه، ج ۴، ص ۱۱۳.

۴ طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۲۵۸؛ اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۶۷.

صاحب کتاب العین می‌گوید: رهان آن است که افراد با یکدیگر مسابقه ی اسب دوانی و غیره بدهند.^۱

صاحب کتاب الافصاح می‌گوید: رهان همان مخاطره است یعنی مسابقاتی که در آن برد و باخت باشد. بعضی از اهل لغت کلمه رهان را به معنای قمار دانستند.^۲

آن چه به نظر می‌رسد، کلمه رهان از نظر اهل لغت از ریشه ی رهن به معنای ثبوت منشعب می‌گردد. به عنوان مصدر باب مفاعله به معنای مسابقه دادن در جایی که برد و باخت باشد به کار می‌رود و از نظر بعضی از آنها به معنای قمار بازی نیز استفاده می‌شود. در قرآن کریم نیز به معنای گرو به کار رفته است، آنجا که می‌فرماید: «فرهان مقبوضه»^۳

آزهری می‌گوید: «مضال» در تیراندازی و «رهان» در اسب دوانی و «سباق» برای هر دوی آنهاست.^۴

و در بعضی از فرهنگ های فارسی «رهان» را به شرط بندی نیز معنا کردند.^۵

ب: رهان در اصطلاح

فقهاء کلمه «رهان» را در مواردی استعمال نمودند که بعضی از آنها از قرار ذیل می‌باشد:

۱- مسابقه اسب دوانی: مرحوم شیخ طوسی در کتاب مبسوط می‌گوید: برای هر کدام از اسب دوانی و تیر اندازی اسم مخصوص خود است و آن، «مناضله» در تیراندازی و «رهان» برای اسب دوانی است.^۶ همین طور مرحوم ابن ادریس می‌گوید: همه احکام رهان (اسب

۱ فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۴۴.

۲ موسی، صعیدی، افصاح فی فقه اللغة، ج ۲، ص ۱۳۱۷.

۳ بقره، ۲۸۳.

۴ ازهری، تهذیب اللغة، ج ۸، ص ۱۴۰.

۵ عمید، فرهنگ عمید، ماده رهن.

۶ شیخ طوسی، المبسوط، ج ۶، ص ۲۹۶.

دوانی) در نضال (تیر اندازی) جاری است.^۱ از این عبارت فهمیده می شود که در نظر ایشان نیز کلمه رهان مخصوص اسب دوانی و کلمه نضال ویژه تیر اندازی است.

۲- هر مسابقه دادنی به همراه عوض: از کسانی که رهان را در این معنا بکار بردند، می توان مرحوم بحرانی را نام برد که می گوید: رهان، مسابقه با اسب و مانند آن است.^۲ مرحوم محقق در شرایع می گوید: «إن اتَّخَذَهَا لِلْفَرْجَةِ وَ التَّطْيِيرِ فَهُوَ مَكْرُوهٌ وَ الرِّهَانُ عَلَيْهَا قِمَارٌ» نگهداشتن کبوتر برای تفریح و فال زدن مکروه است، و مسابقه با آن به همراه عوض قمار است.^۳ مرحوم شهید ثانی در مسالک می گوید: «سَبَقٌ» به فتح باء همان عوض است که به برنده در مسابقه داده می شود... و به آن عوض «رهن» هم گفته می شود. از همین کلمه ی رهن، «رهان» برای مسابقه به همراه عوض، به کار می رود.^۴

مرحوم سبزواری می گوید: مسابقه با عوض بر کبوتر حرام است، چرا که چنین مسابقه ای مخصوص شتر و اسب و ... می باشد.^۵ برای چنین مسابقاتی کلمه «رهان» را به کار می برد. ۳- مسابقه ای که در آن عوض بوده و آن عوض در معرض خطر است. صاحب کتاب مستند الشیعه می گوید:

صدق کلمه ی «رهان» بر مسابقه ای که در آن عوض نباشد معلوم نیست.^۶ همین طور ایشان اضافه می کند که: ظاهر کلمات اهل لغت این است «رهان» در جایی به کار می رود که در آن «عوض» بوده و آن در معرض خطر باشد.^۷ یعنی پای برد و باخت در آن در میان باشد.

۱ ابن ادریس، سرائر، ج ۳، ص ۱۴۸.

۲ بحرانی، حدائق الناظره فی الاحکام العترة الطاهرة، ج ۲۲، ص ۳۵۵.

۳ محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحرام و الحلال، ج ۴، ص ۱۱۸.

۴ شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۶، ص ۷۳: أما السبق بالتحریک فهو عوض المبدول للسابق... و الرهن و منه أخذ الرهان لهذه المعاملة.

۵ سبزواری، کفایة الاحکام، ج ۲، ص ۷۵۴.

۶ نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۵۷: فلعدم معلومیة صدق الرهان علی ما لا عوض له فیه.

۷ همان: و ظاهر هذه الکلمات ان الرهان یکون فی موضع یکون فیه عوض فی معرض الخطر.

۴- عوض در مسابقه: صاحب جواهر، در خصوص مسابقه هایی که خارج از موارد منصوص الجواز (که در روایات جایز دانسته شد) است می فرماید: ظاهراً مسابقه دادن بدون عوض حرام نیست... بلکه با اشتراط عوض هم حرام نیست.^۱ همچنین از عوض به «رهان» تعبیر می کند. آنچه از مجموع سخنان فقها در مورد رهان به نظر می رسد، دو نکته است:

۱- برای کلمه «رهان» در اصطلاح فقها معنای خاصی لحاظ نشده بلکه همان معنای لغوی مورد نظر است.

۲- همان طوری که مرحوم نراقی تصریح فرمودند: بر مسابقاتی که در آن عوض و برد و باخت نباشد کلمه «رهان» صدق نمی کند و این مطلب می تواند در مباحث آینده این رساله تاثیرات زیادی داشته باشد.

گفتار ششم: حيله

در این گفتار مفهوم حيله در لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار گرفته است.

الف: حيله در لغت

«حيله» اسم مصدر از «احتیال» است که به صورت «حیل» و «حول» نیز به کار رفته است.^۲ «حیل» جمع «حيله» از ماده «حول» می باشد و ریشه اصلی این معنا، تغییر و دگرگونی است.^۳ حرکت دورانی داشتن، نیز معنا می دهد سال را به همین جهت «حول» می گویند؛ چون دوران دارد، و دوباره به جای اول بازمی گردد و همچنین تحوّل و تغییر در آن به وجود می آید و سال گذشته تبدیل به سال جدید می شود.^۴ راغب اصفهانی نیز اصل معنای «حول» را دگرگون شدن یک چیز و بریدن از غیر می داند. میگوید: «حيله به معنای آن چیزی است که انسان به

۱ نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۱۰۹: فالظاهر عدم حرمت مع عدم الرهان... بل و مع الرهان ایضاً.

۲ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۱۹۶.

۳ ابن درید، جمهره اللغه، ج ۱، ص ۱۷۰. زمخشری، اساس البلاغه، ص ۱۴۸. جوهری، الصحاح، ج ۴، ص ۱۶۷۹.

۴ ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۲، ص ۱۲۱.

وسيله آن به حالي پنهان راه پيدا کند؛ بيشترين کاربرد اين واژه در مواردی است که در آن ناپاکی وجود دارد.^۱

معنی ديگر حيله مهارت در تدبير امور است، برای رسيدن به مقصود است.^۲ يعنی انسان به دنبال چاره جویی برای رسيدن به هدفش باشد.

ب: حيله در اصطلاح

رسيدن به يك مطلوب شرعی و هدف مشروع، چه اين که راه رسيدن به آن، امر حلالی باشد، يا راه مذکور خود غير مشروع باشد، چنين چیزی حيله است.^۳ به نظر می رسد طبق اين تعريف، حيله هم جنبه مثبت دارد و هم جنبه منفی. ولی حيله شرعی که فقها آن را قبول دارند راه حل مشروع مباح، برای فرار از يك مخمصه شرعی است. در حيله شرعی تغيير حکم صورت نمی گيرد، بلکه در واقع موضوع حکم شرعی تغيير می يابد. به بيان ديگر تغيير حکم برای مکلف، ناشی از تبدل موضوع است.^۴

۱ اصفهانی، المفردات فی غريب القرآن، ص ۱۳۷.

۲ زبیدی، تاج العروس، ج ۱۴، ص ۱۸۰. فیومی، مصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۵۷. فیروز آبادی، قاموس المحيط، ج ۳، ص ۴۹۷.

۳ مکارم شیرازی، حيله های شرعی و چاره جوئی های صحیح، ص ۱۷. بحرانی، الحدائق الناظره فی احکام العترته الطاهره، ج ۲۵، ص ۳۷۶.

۴ بهبهانی، الرسائل الفقهيہ، ص ۲۴۹.

بخش دوم: مباحث مقدماتی

در این بخش در چهار گفتار، سیر تطور تاریخی بخت آزمایی، ماهیت آن که به چه نحو از عقود صورت می گیرد، نسبتش با قرعه کشی و اصل اولی در بخت آزمایی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

گفتار اول: سیر تطور تاریخی بخت آزمایی

از آنجا که بخت آزمایی نیز نوعی از قمار می باشد لذا در ابتدا تاریخچه قمار را بیان می کنیم. باستان شناسان اولین نشانه های ابزارآلات قمار را که از استخوان قوزک پای گوسفند یا سنگ ساخته شده بود در داخل غارهایی با قدمت ۴۰ هزار سال کشف کردند که مربوط به دوران ماقبل از پیدایش خط هستند. در دوران تمدن های بزرگ تاریخ نیز مربع های مخصوص قمار با سابقه ۴۳۰۰ سال در چین باستان، تاسهایی با قدمت ۴۱۰۰ سال در میان وسائل سربازان یونان و تاسی از عاج فیل با پیشینه ۴۵۰۰ سال در اهرام مصر کشف شده اند که همگی نشان از سابقه دیرین این سرگرمی در طول تاریخ دارد.^۱ در بین عرب ها پیش از اسلام نیز قمار و میسر بسیار رواج داشت. از رسوم عرب جاهلی در سال های قحطی این بود که شترانی را ذبح و گوشت آن ها را میان مستمندان توزیع می کردند و پرداخت بهای شتران با اجرای عملیاتی مشتمل بر برد و باخت «میسر» بر عهده بازندگان بود.^۲

یکی از افتخارات عرب جاهلی شرکت او در میسر بود و اگر ثروتمندی در میسر شرکت نمی کرد، او را نکوهش کرده «بَرَمَ» می نامیدند. به ظاهر، ذیل آیه ۲۱۹ سوره بقره «وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ» به انفاق قسمت های اضافی گوشت اشاره دارد. در اشعار فراوانی، استقسام به

^۱ Roll the Bones: The History of Gambling By David G. Schwartz (2006/2007). New York,

^۲ قرطبی، الجامع للاحكام القرآن، ج ۶، ص ۴۰.

ازلام در معنای میسر آمده است یا آیسار مدح شده‌اند و الفاظ و اصطلاحات فراوانی برای اعمال آن وضع شده است.

در مراسم میسر و استقسام به ازلام، از ۱۰ عدد تیر استفاده می‌شد که سه عدد آن به نام «سفیح»، «منیح» و «مضعف» پوچ بود و ۷ عدد دیگر هر یک به تناسب سهم خود نامی خاص داشت:

«فَدُّ» ۱ سهم	«توأم» ۲ سهم	«ضریب» ۳ سهم	«حِلْس» ۴ سهم
«نافس» ۵ سهم	«مُسْتَبِل» ۶ سهم	«معلی» ۷ سهم	

مجموع آن تیرها ۲۸ سهم می‌شد. همچنین نام تیرها و مقدار سهم آن‌ها را روی تیرها نوشته بودند. اندازه این ازلام با هم مساوی بود. در این مراسم که به طور معمول در شب انجام می‌شد، آنان پس از تقسیم گوشت و انتخاب سهام، شخصی را که از طبقه فرودست بود و هیچ وقت گوشت خریدنی نخورده بود و «حُرْضه» اش می‌نامیدند، می‌آوردند و پارچه سفیدی در برابر او می‌گسترده و ازلام را در جعبه مخصوص به خود که «ربابه» نام داشت، قرار می‌دادند و آن را روی پارچه سفید می‌گذاشتند.

دور دست راست حُرْضه، پارچه‌ای ضخیم می‌پیچیدند تا نتواند با لمس تیرها، سهام آن را تشخیص دهد و از این راه تیری خاص را برگزیند؛ سپس شخصی که او را «رقیب» نام داده بودند، پشت سر حُرْضه می‌ایستاد. حُرْضه روی خود را از ازلام برمی‌گرداند و با دست چپ خود، آن‌ها را درون جعبه به هم می‌زد.

هر تیری که برمی‌آمد (از جعبه برمی‌جهید)، با دست راست آن را گرفته، بی آن‌که بدان نگاه کند، آن را به رقیب که پشت سر وی ایستاده بود می‌داد. رقیب نوشته روی آن را می‌خواند. اگر پوچ بود، آن را به تیردان بازمی‌گرداند و اگر سهام‌دار بود، به همان مقدار از گوشت به صاحب آن

می‌دادند. این کار ادامه می‌یافت تا برندگان مشخص شوند و مقدار گوشت باقی مانده از مقدار سهام تیرها کم‌تر شود. گوشت را برندگان می‌بردند و بهای آن را بازندگان می‌پرداختند. برنده به اندازه سهمی که برگزیده بود، گوشت می‌برد و بازنده به اندازه سهم خود، بهای گوشت را می‌پرداخت.^۱ گاهی بازندگانی که بسیار می‌باختند با برندگان نزاع می‌کردند و کار به جنگ می‌کشید و خون‌ها ریخته می‌شد.^۲

در تمدن روم نیز نوشته‌های تاریخی حکایت از آن دارند که رومیان باستان به شکل جنون آمیزی شیفته قماربازی بودند و حتی در برخی منابع غیر اسلامی آمده که سربازان رومی هنگامی که به خیال خویش مسیح را به صلیب کشیده بودند، بر سر تقسیم لباس‌ها و وسائل شخصی او دست به قمار زدند.^۳ در همین منابع آمده است که علاقه مفرط رومی‌ها به قمار به حدی بود که اولین کازینوی تاریخ را در دیار خود بنا نهادند تا در تفریحگاه‌ها نیز به این بازی مشغول شوند.^۴ از سوی دیگر بومیان و سرخ‌پوستان آمریکایی بر اساس اعتقادات مذهبی خود قائل بودند که خدایان خود به قمار می‌پردازند و این بازی از سوی آنان برای زمینیان به ارمغان آمده است.^۵

پس از رنسانس، در قرن ۱۶ میلادی قمارخانه‌ها و کازینوهای بزرگی در اروپا ساخته شد و آلمانی‌ها به عنوان قماربازترین ملت، در عشق به قمار تا جایی پیش رفتند که حتی بر سر آزادی خویش نیز قمار می‌کردند و پس از باخت، خود را به بردگی حریف در می‌آوردند.^۶ در همین دوران اولین اوراق لاتری در اروپا منتشر شد که به عنوان منبع درآمد خاندان سلطنتی مورد استفاده قرار گرفت. در دوران استعمار آمریکا، مستعمران با فروش این اوراق اقدام به ساخت

۱ ابن حبیب، المحبر، ص ۳۳۲-۳۳۵؛ ابن یعقوب، تاریخ الیعقوبی، ج ۱، ص ۲۵۹-۲۶۱.

۲ ابی محمد، المیسر والقдах، ص ۳۶؛ ابن حبیب، همان؛ ابن یعقوب، ج ۱، همان.

۳ MSN Encarta Encyclopedia, History of Gambling, encarta.msn.com

۴ MSN Encarta Encyclopedia, History of Gambling, encarta.msn.com

۵ www.gypsyware.com/gamblinghistory

۶ وجدی، دائرة المعارف القرن الرابع عشر، ج ۷، ص ۲۳۰

جاده و پل کردند و پس از استقلال نیز کنگره هزینه های تأسیس آمریکا را از این طریق تأمین کرد.^۱ گرایش به قمار بازی و رویکرد متفاوت کشورها در قبال این مسأله موجب شد تا در قرن ۱۹ بندر معروف مونت کارلو در کشور موناکو، با قانونی کردن انواع قماربازی به عنوان مرکز قماربازی اروپا شناخته شود. از سوی دیگر در ایالات متحده به تناسب تحولات اقتصادی و اجتماعی این کشور، دوره های مختلفی درباره برخورد با قماربازی وجود داشته است و در برخی دوره ها مخالفت های شدیدی با آزادی این پدیده وجود داشت؛ تا این که در سال ۱۹۳۱ ایالت نیوادا رسماً انواع قمار را آزاد اعلام کرد و شهر لاس وگاس به عنوان پایتخت و بهشت قماربازان جهان تبدیل شد.^۲ براساس آخرین آمار در ایالات متحده در سال ۲۰۰۵ میلادی بیش از ۸۴ میلیارد دلار^۳ از طریق قماربازی داد و ستد شده است و همین امر موجب شده تا در سال ۲۰۰۶ میلادی بیش از ۵ میلیارد دلار بابت مالیات بر قمار عاید دولت این کشور شود.^۴

قدیمی ترین برخوردی که با جرم قمار وجود دارد، در تعالیم آیین یهود به چشم می خورد. بر اساس مقررات تلمود (مجموعه آراء فقهای یهود)، قماربازی گناه دانسته شده^۵ و شهادت قماربازان در دادرسی های قانونی و شرعی پذیرفته نمی شود؛ با این حال در حال حاضر در ایام عید حانوکا^۶ یهودیان هشت روز را به نوع خاصی از بازی قمار اختصاص می دهند و در این چند روز اشکال شرعی بر این کار وارد نیست.^۷ کلیسای کاتولیک نیز در قرون وسطی-علیرغم تعلیمات مسیحیت- مردم را به قماربازی در روزهای مخصوصی - همچون اعیاد- تشویق میکرد و توجیه میکرد که مردم باید در اعیاد دینی در خانه هایشان خوش بگذرانند! بر همین مبنا

^۱MSN Encarta Encyclopedia, History of Gambling, encarta.msn.com

^۲MSN Encarta Encyclopedia, History of Gambling, encarta.msn.com

^۳ Industry information: facts sheets: General Info: Casino Employment, American Gaming Association www.americangaming.org

^۴ Industry information: facts sheets: General Info: Casino Employment, American Gaming

Association www.americangaming.org

^۵ Encyclopedia Jewish

^۶Hanukkah

^۷Barlow, 2007

مقامات کلیسا نیز به شدت به قمار کردن علاقه نشان دادند. از همین روست که در حال حاضر کلیسای کاتولیک موضع مبهمی را در قبال دایر کردن قمارخانه ها اتخاذ کرده است. تنها شورای کلیسای ایالت ماساچوست درباره قمار موضعگیری صریحی اتخاذ کرده و با استناد به آثار مخرب آن بر روی جوانان و اتلاف سرمایه هایی که میتوانند در تولید و بازرگانی به کار گرفته شوند، قمار را گناه دانسته است.^۱ در حوزه قوانین عرفی، موج غیرقانونی اعلام کردن قمار در قرن نوزده میلادی بسیاری از مناطق اروپا و آمریکا را شامل گردید و در سال ۱۸۵۰ میلادی، در کشورهای آلمان، انگلستان و آمریکا، برخی از انواع قمار غیرقانونی اعلام شد. این موج تا سال ۱۹۳۱ ادامه داشت اما در این سال ایالت نوادا با قانونی سازی قمار، خود را به پایتخت قماربازان جهان تبدیل کرد. پس از آن در سال ۱۹۷۸ ایالت نیوجرسی نیز به نوادا ملحق شد و کم کم به ایالت هایی که برخی از انواع قمار را مجاز می دانستند، افزوده شد.^۲ بر این اساس هم اکنون در ۳۶ ایالت دایر کردن کازینو مجاز اعلام شده، ولی همچنان در ۸ ایالت، حتی فروش بلیت بخت آزمایی^۳ نیز -در غیر امور خیریه - ممنوع است.^۴ همچنین دیوان عالی آمریکا در سال ۱۹۵۵ میلادی اعلام کرده است که قمار بازی از جمله حقوق اساسی شهروندان به شمار نمی رود و ایالتها میتوانند به صلاحدید خود در زمینه جرم انگاری آن تصمیم بگیرند.^۵

بر اساس آنچه دکترین حقوقی در ایالات متحده بیان می دارد، اصولاً شرط بندی که بر اساس مهارت^۶ صورت گیرد در ذیل عنوان قمار قرار نمی گیرد و برای تحقق قمار باید عنصر شانس^۷ نقش اصلی ایفاء نماید. نمونه قانون مبارزه با قمار و بخت آزمایی مصوب ۱۹۵۲^۸

^۱ http://archiv.boston.com/news/local/articles/2007/12/01/gambling_had_role_in_religious_history

^۲ Blakey, G. Robert (1984), Legal Regulation of Gambling since 1950, The ANNALS of Academy Political and Social Science(AAPSS), the American Vol. 474, No. 1, p.1222

^۳ Lottery

^۴ MSN Encarta Encyclopedia, History of Gambling, encarta.msn.com

^۵ United States, Lewis v.1955

^۶ Skill

^۷ Chance

^۸ Model Anti-Gambling Act Model 1952

در مواد تفصیلی متعددی با ارائه معیارهای مشابه این، کوشیده ایالت های مختلف آمریکا را به سمت جرم انگاری این پدیده هدایت نماید. به علاوه، طی سال های اخیر همزمان با فراگیر شدن تجارت اینترنتی در کشورهای جهان، موضوع قمارهای اینترنتی و نحوه مبارزه با آن، از دغدغه های جدید کشورهای مختلف جهان است^۱ و در این زمینه بسیاری از کشورهای اروپایی - همچون فرانسه^۲ - و نه ایالت آمریکا قانون ویژه ای را برای مبارزه با این پدیده به تصویب رسانده اند. این ممنوعیت تا بعد از جنگ جهانی دوم ادامه داشت تا اینکه اوائل ۱۹۶۰ میلادی دولت ها در سطح وسیع شروع به فروش بلیت های بخت آزمایی کردند.^۳ نکته قابل توجه این است که به طول معمول این بلیت ها انحصاراً توسط خود دولت فروخته می شوند و در مواردی که شرکت های خصوصی اقدام به فروش این بلیت ها بکنند دولت مالیات های سنگینی برای آنها وضع می کند که به طور میانگین بین ۶۶ تا ۶۹ درصد می باشد.^۴ در بعضی از کشورها این تجارت توسط بنگاه های خصوصی و در بعضی از کشورها منحصراً توسط دولت اجراء می شود. با این وجود انواع مختلف لاتاری از لحاظ محتوی در کشورهای مختلف یکسان هستند.

با توجه ممنوعیت قمار در ایران، انواع بخت آزمایی که تاکنون در ایران صورت گرفته به قرار زیر است:

۱. بلیت اعانه ملی

سابق قوطیهای سربسته محتوی چیزهای مختلف، سر گذرها می گذاشتند و به نام آزمایش شانس به اغفال و فریب عده ای می پرداختند، افراد به طمع اینکه اشیای گرانبها یا پول در این قوطیها نهاده اند آنها بر می داشتند، اگر پوچ نمی شدند چیز بی ارزشی دیگر دل آنها را خوش می کرد. بعداً سبک عوض شد، شماره و اعدادی بر روی کاغذهای جداگانه می نوشتند و آنها را در

۱ The Columbia Encyclopedia, 2001

۲Loi Portant Prohibition des Loteries, 21 mai 1836, consolidée au 7 mars 2007, et Aussi voir: Loi Relative aux Jeux de Hasard, 12 juillet 1983, consolidée au 7 mars 2007

۳ <https://en.wikipedia.org/wiki/Lottery>

۴ <http://www.ncsl.org/research/financial-services-and-commerce/casino-tax-and-expenditures-2013.aspx>

کیسه ای پنهان می کردند و افراد شماره ای را از داخل کیسه بیرون می آوردند تا چنانچه با شماره های معین تطبیق کند، برنده شوند. اغفالگران در این عملیات سودهای کلان می بردند ولی مشتریان مختصری داشتند بعد برای سودهای بیشتر ابتدا بلیت های بخت آزمایی چاپ کردند، سپس به وسیله رادیو و جراید با عکس و تشکیلات و با شعار «دو تومان به صد هزار تومان» شروع به تبلیغ کردند و در اثر آن همه تبلیغات هر هفته قرعه کشی می کردند و اگر راست می گفتند یک میلیونش را صرف جوایز و تبلیغات می کردند.

در عین حال عده زیادی از مسلمانان از خرید این بلیت ها اجتناب می کردند. لذا گردانندگان مؤسسه بخت آزمایی به فکر افتادند برنامه خود را با تغییراتی توسعه دهند و نیرنگی بکار بردند تا مسلمانان این بلیت ها را بخرند، آمدند اسم آن را به «اعانه ملی» تغییر دادند تا کمک به ملت باشد و صدق قمار نکد پولهایش صرف سازمان شیر و خورشید می شود و ... در صورتی که بلیتهای به اصطلاح «اعانه ملی» همان بلیت های بخت آزمایی بودند!

۲. بلیت ارمغان بهزیستی یا هدیه ارمغان سبز

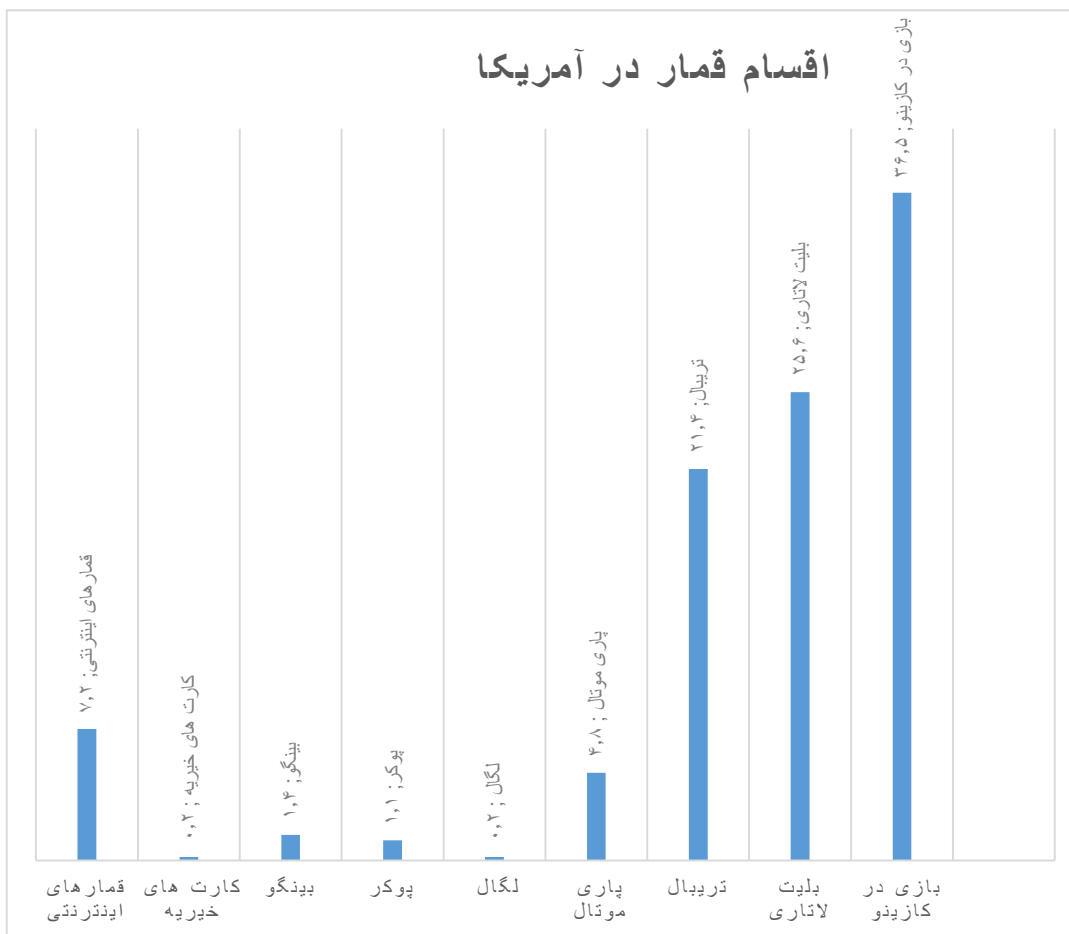
برگه ارمغان بهزیستی یعنی تکه کاغذ هائی که از طرف مؤسسه ارمغان بهزیستی چاپ شده و به مبلغ معین و با طرح سؤالاتی در آن به مردم فروخته می شود و هر کسی پاسخ آن را بدهد در قرعه کشی شرکت و درآمد برگه ها در جهت کمک به معلولین، سالمندان بی بضاعت، کودکان بی سرپرست و خانواده های نیازمند که خود هدیه و ره آوردی برای زندگی بهتر است، می شود. همانطور که ملاحظه می شود و از گفته های مسئول سازمان بهزیستی در روزنامه کیهان^۲ بدست می آید انتشار این برگه ها در جهت کار فرهنگی، آگاه سازی و پیشگیری از بروز آسیب ها و معلولیتها و پر کردن اوقات فراغت و داشتن یک مسابقه ملی برای بردن یکسری مفاهیم فرهنگی و اجتماعی در جامعه هست.

ابی آزار شیرازی، رساله نوین مسائل اقتصادی، ج ۲، ص ۲۶۲.

۲ روزنامه کیهان به گزارش از رزازی، شماره ۱۶۶۳۱، ص ۱۳۷۸.

اما در کشورهای غیر اسلامی همواره بخت آزمایی جزء پر طرفدارترین سرگرمی‌ها به حساب می‌آمده است. همانطور که در جدول ذیل مشاهده می‌کنید بخت آزمایی یکی از رایج‌ترین اقسام قمار در ایالات متحده می‌باشد.^۱

جدول شماره ۱:



^۱The economic winners and losers of legalized gambling By Melissa schetini Kearney 2005

گفتار دوم: ماهیت فقهی بخت آزمایی

همان طور که در قبل ذکر شد بخت آزمایی دو رکن اصلی به نام لعب و رهان دارد. چون در رهان، رضایت دو طرفین باید باشد پس مثل ربا، یک عقد است هر چند که مورد نهی شارع واقع شده باشد. قبل از آن که بررسی شود ماهیت فقهی بخت آزمایی در قالب عقود معاوضی (معوّض) یا مشارکتی است، تعریف این دو نوع عقد بیان می شود.

عقود معاوضی

در این نوع از عقود، به طور معمول دو طرف قرارداد روبروی هم قرار می گیرند و هرکدام در اندیشه سود خویش است. دو ملکیت یا تعهد با هم مبادله می شود و مالک هر کدام سعی دارد تا در برابر آنچه از دست می دهد مال و تعهد مبادل یا برتری به دست آورد. بدیهی است در چنین معامله ای تسامح راه ندارد. شارع نیز معامله ای را نافذ می شمرد که دو طرف به میزان و ارزش تعهدها آگاهی کامل داشته باشند و «غرر» در آن راه نیابد.^۱

عقود مشارکتی

از بین معامله ها به عقودی بر می خوریم که شرکت کنندگان در تراضی، به جای روبرو شدن، در کنار هم قرار می گیرند و برای رسیدن به هدف مشترکی متحد می شوند. بنای اینان بر مشارکت و همکاری است و به همین جهت نیز پاره ای از نویسندگان کتاب های حقوقی آن را «اتحاد» نامیده اند.^۲ در این اتحادهای هدف به طور معمول سود جویی است ولی سود احتمالی و نا معلوم که در آینده به دست می آید و حاصل کار و سرمایه اطراف عقد است. در جوهر این اتحاد نوعی معاوضه به چشم می خورد، لیکن یا مقدمه مشارکت است یا یکی از دو عوض احتمالی است. برای مثال در مزارعه منفعت زمین یا بخشی از محصول مبادله می شود که میزان آن را تنها

۱ انصاری، مکاسب، ج ۳، ص ۱۲-۷، همان، ج ۴، ص ۲۴۸.

۲ کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ص ۱۳۳.

می‌توان تخمین زد. این قالب، مجموعه‌ای از شرکت‌های پیش‌بینی شده در فقه اسلامی مانند مضاربه، مزارعه، مساقات و شرکت را در بر می‌گیرد.^۱

تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا بخت‌آزمایی از عقود معاوضی است یا مشارکتی و اینکه اصولاً ماهیتی خارج از معاوضی و مشارکتی دارد کاملاً مبتنی بر تبیین طرفین عقد می‌باشد. در قمار ساده که دو نفر یا دو گروه در برابر هم قرار می‌گیرند تعریف عقد معاوضی به درستی صدق می‌کند. مثلاً اگر در عقد قمار، طرفین قرار بگذارند که هر کس طبق قواعد بازی از دیگری برد، مبلغ معینی را از شخص بازنده دریافت کند، این یک عقد معاوضی خواهد بود زیرا دو طرف قرارداد روبروی هم قرار می‌گیرند و هرکدام در اندیشه سود خویشتن است. دو ملکیت یا تعهد با هم مبادله می‌شود و مالک هر کدام سعی دارد تا در برابر آنچه از دست می‌دهد مال و تعهد مبادل یا برتری به دست آورد.

اگر در روش‌های بخت‌آزمایی، متعاقبین را مشتمل از شخص حقوقی شرکت بخت‌آزمایی که بلیت می‌فروشد و خریدار بلیت بدانیم و از طرفی منکر هر نوع رابطه حقوقی میان خریداران بلیت بشویم، باید این قسم را نیز از عقود معاوضی بدانیم زیرا دو طرف قرارداد روبروی هم قرار می‌گیرند و هرکدام در اندیشه سود خویش است. در اینجا به تعداد شرکت‌کنندگان، میان شرکت بخت‌آزمایی و تهیه‌کنندگان بلیت، عقد ایجاد می‌شود که هر عقدی کاملاً مستقل از عقد دیگر می‌باشد.

اما اگر فرض کنیم در بخت‌آزمایی، شرکت‌کنندگان در تراضی، به جای روبرو شدن، در کنار هم قرار می‌گیرند و برای رسیدن به هدف مشترکی متحد شده و یک سرمایه جمعی را ایجاد می‌کنند تا طبق قواعد خاصی این سرمایه به بعضی از آنها انتقال پیدا کند، دیگر بخت‌آزمایی، عقد معاوضی نخواهد بود. زیرا شرکت‌کنندگان در مقابل هم قرار نگرفته‌اند، از طرفی این عقد مشارکتی نیز نیست چرا که اصلاً مشارکتی در سود و زیان احتمالی وجود ندارد. در چنین قمار عده‌ای به طور قطعی سود کلان خواهند کرد و عده‌ای به طور قطعی متضرر خواهند شد. لذا این

۱ هاشمی شاهرودی، قرائات فقهیه معاصره، ج ۲، ص ۲۰۲.

قسم را نه می‌توان قمار معاوضی به حساب آورد و نه قمار مشارکتی بلکه باید آن را نوع سومی از عقود دانست.

آن چه به نظر می‌رسد بخت آزمایی را باید به صورت عقود معاوضی دانست و کسانی که در بخت آزمایی‌ها شرکت می‌کنند کاری با یکدیگر ندارند و خریداران هر کدام به طور مستقل با شرکت کارگزار معامله می‌کنند و بلیت را دریافت می‌کنند. این معاوضه بلیت می‌تواند به صورت‌های مختلفی واقع شود که هر کدام آثار خاص خود را دارد که به شرح ذیل می‌باشد.

بیع: عقد معاوضی بیع به این شکل می‌باشد که خریدار خود آن کاغذ بلیت یا حق شرکت در قرعه کشی را به ازای مبلغی خریداری کنند. به این بیان عوضین در معامله صورت می‌گیرد.

صلح: معامله صلح، همان بیع به صورت صلح و مصالحه باشد مثل اینکه بگوید من این بلیت بخت آزمایی را با یک تومان یا با ده تومان مصالحه می‌کنم. ویژگی صلح این است که از حیث شرائط و ضوابط نسبت به بیع خیلی آسان تر است و در فقه این اصطلاح را در مورد صلح به کار می‌برند که «یغتفر بالصلح ما لا یغتفر فی البیع»^۱ مثل جهل به مقدار ثمن و مثنی البتة تا حدی که غرر پیش نیاید و یا اینکه در عوضین هم جنس ربا نشود.

هبه: عقد، به صورت هبه معوضه باشد. یعنی حق شرکت در قرعه کشی یا کاغذ بلیت را به ازای مبلغی هبه شود و از آنجایی که خود ورود در آن دایره قرعه یک اعتباری و ارزشی دارد این هبه معوض می‌شود.

پس به این نتیجه رسیدیم که بخت آزمایی به صورت عقد معاوضی است که این نقل و انتقال بلیت و پول تحت یکی از این عناوین عقد بیع، صلح، هبه می‌تواند باشد. اما آثار فقهی آن متفاوت است که در بخش سوم پایان نامه به آن اشاره خواهد شد.

۱ کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۵، ص ۴۴۴. مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۳۴۳.

گفتار سوم: نسبت بخت آزمایی با قرعه کشی

قاعده قرعه، یک قاعده عقلایی است که شارع آن را امضا کرده^۱ و کاربرد آن در مواردی است که حالی از احوالات موضوع، مجهول و مشتبه باشد و هیچ گونه راهی برای روشن کردن آن در دست نیست؛ یعنی حتی احتیاط هم در مورد آن ممکن نیست، اگر هم ممکن است، عسر و حرج دارد، مثل این که درباره مالکیت چیزی میان دو نفر اختلاف باشد و هیچ یک دلیل و یا اماره‌ای که مالکیت وی را اثبات نماید در اختیار نداشته باشند. در چنین مواردی با قرعه، مسئله حل می‌شود. قاعده قرعه به لحاظ اصولی در ردیف فرض قانونی یا اصول عملیه قرار می‌گیرد.^۲ به عبارت دیگر وقتی به قرعه مراجعه می‌کنیم که راه حل دیگری وجود ندارد. بنا به عموم قاعده «القرعه لکل امر مشکل» و با توجه به این که مبنای قاعده، مبنای عقلایی است، استعمال قرعه حصری و محدود به موارد مذکور در فقه و قانون نیست.^۳ بعضا پیش می‌آید که واقعی در میان بوده ولی مجهول شده و به طور فرضی با استقراع (قرعه اعلامی؛ مثال: ماده ۱۵۷ ق.م.) به واقع دست پیدا می‌کنیم اما گاه واقعی در میان نبوده و چیزی هم مجهول نشده بلکه واقع از راه قرعه (قرعه تأسیسی؛ مثال ماده ۵۹۸ ق.م.) بدست می‌آید.^۴

در بیان تفاوت بین قاعده قرعه و بخت‌آزمایی باید گفت هر چند که بخت‌آزمایی ممکن است به روش قرعه‌کشی انجام شود، اما این با قاعده قرعه مشهور در فقه متفاوت است و هیچ کدام از عناصر بخت‌آزمایی، نظیر مخاطره مال باختگی به دلیل وجود وثیقه اولیه در آن دیده نمی‌شود. در واقع هدف از قاعده قرعه خروج از تحیر در مواقعی است که برای تشخیص حق هیچ راهی نیست، حال آن که هدف از بخت‌آزمایی تفریح یا افزایش سرمایه است.^۵

۱ قمی، قواعد فقهی، ص ۳۰. بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۶۷.

۲ آخوند خراسانی، کفایه الاصول، ص ۴۳۳. عراقی، منهاج الاصول، ج ۵، ص ۳۹۸.

۳ فضل الله، القرعه و الاستخاره، ص ۱۸.

۴ قمی، قواعد فقهی، ص ۱۲.

۵ نظری علوم، اسفندیار پور، نسبت سنجی بخت‌آزمایی با قمار، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۲۰، ص ۱۵۳.

قرعه و بخت‌آزمایی فقط در عنصر (احتمالی بودن) تشابه داشتند و در فقه، فقیهی ماهیت این دو را با یکدیگر اشتباه نگرفته است هر چند بعضی میان این دو مفهوم خلط کرده و قرعه را همان بخت‌آزمایی و لاتاری معرفی نموده اند.^۱

گفتار چهارم: اصل اولی در بخت‌آزمایی

غرض از تأسیس اصل در هر مسئله ای آن است که اگر ادله برای اثبات حکم آن، کافی نبود و کار به شک و تردید کشیده شد برای تعیین تکلیف به این اصل رجوع گردد. در واقع اصل یک پناهگاهی است که قبل از ورود به مسائل یک موضوع، با توجه به عمومات و اطلاقات موجود در آن مسئله، ساخته می شود تا در هنگام عدم دسترسی به دلیل یا عدم کفایت آن، برای اثبات آن مسئله، به آن اصل رجوع شود.

در بحث ما برای پوشش دادن تمام ابعاد مسئله، تأسیس اصل را باید در دو صورت، مورد بررسی قرار داد:

صورت اول: صورتی که در بخت‌آزمایی، عوض وجود نداشته باشد.

صورت دوم: آنجا که در بخت‌آزمایی عوض وجود داشته باشد، پر واضح است که یک اصل نمی تواند این دو صورت را تحت پوشش قرار دهد.

اما مورد اول: در بخت‌آزمایی که عوضی در کار نیست، نظر فقها بر اصالة الجواز است. چون بخت‌آزمایی یکی از اقسام قمار می باشد لذا ذیل عنوان قمار که فقها اصل عملی را ذکر کرده اند بیان شده است اگر وسیله بازی، در عرف، وسیله قمار شمرده نشود و عوض در کار نباشد ظاهراً، مسابقه دادن حرام نیست. (به سه دلیل): ۱- اصل عدم حرمت است ۲- انصراف ادله حرمت از این مورد ۳- سیره قطعیه بین عوام و علما.

۱ البعلبکی، القاموس القرآنی الثلاثی، ص ۱۷۶۰.

۲ نجفی، جواهرالکلام، ج ۲۲، ص ۱۰۹.

با توجه به ادله ای که بر نفی حرمت مطرح شد، به نظر می رسد در صورت نبود عوض، اصل بر صحت بخت آزمایی است و دلیل اصلی آن اصالة الاباحه می باشد، مگر جایی که دلیل، برخلاف باشد. البته با توجه به مطالبی که در تبیین اصطلاح بخت آزمایی و ماهیت آن بیان شد می توان گفت به چنین امری حقیقتاً بخت آزمایی نمی گویند بلکه یک قرعه کشی صرف می باشد که تفاوتش با بخت آزمایی کاملاً مشخص است.

اما مورد دوم: اگر در بخت آزمایی، عوض در کار باشد اصل بر فساد است. چرا که مسئله‌ی مال و نقل و انتقال آن، از شخصی به شخص دیگر، از نظر اسلام از امور مهم است و شرع مقدس نسبت به آن حساسیت ویژه به خرج می دهد، از آن جهت که حرمت مال مسلمان ایجاب می کند که تا اسباب شرعی انتقال آن فراهم نشود بر ملک صاحبش باقی است. همین طور آیات شریفه ای همچون آیه «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض»^۱ (ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال همدیگر را به ناروا مخورید - مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما انجام گرفته باشد). دلالت دارد بر اینکه تا زمانی که دلیل بر صحت تبادل مالی نباشد، اصل بر فساد تصرف باشد.

فصل دوم:

حکم بخت آزمایی

بخش اول: ادله نقلی

در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام در خصوص بخت آزمایی با این اصطلاح خاص بحثی به میان نیامده است. اما از آن جا که اثبات شد ماهیت بخت آزمایی و قمار یک چیز هستند، لذا آیات و روایاتی را که مربوط به قمار است مورد بحث قرار می‌گیرد تا روشن شود که عمل بخت آزمایی حرام و باطل است یا خیر؟ همچنین بعضی از آیات شاید صراحتاً اسمی از بخت آزمایی در آن‌ها نباشد لکن ممکن است عمومیت آن‌ها شامل قمار و بخت آزمایی نیز بشود لذا این موارد نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

گفتار اول: کتاب

بی‌هیچ تردید قرآن در میان منابع اسلامی نقش نخست را دارد و مهمترین منبع استنباط احکام به شمار می‌رود چرا که الفاظ و معانی قرآن، وحی الهی است و مصون از تحریف، بجا مانده است. در قرآن کریم احکام موضوعات جدید با بهره‌گیری از عمومات و اطلاقات آیات قابل استنباط است و این یکی از ویژگی‌های این کتاب آسمانی است.

الف: عموم قرآنی

در آیه ۲۹ سوره نساء خداوند متعال می‌فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ». ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد.

این آیه از پیچیده‌ترین و مشهورترین آیات فقهی می‌باشد که مضمون آن در چند جای قرآن کریم آمده است:

۱. آیه ۱۸۸ سوره بقره که می‌فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»، عبارت «اکل مال بالباطل» و نهی از آن در این آیه

آمده است. با توجه به اینکه ادامه آیه رشوه را مصداقی که برای اکل مال به باطل ذکر می‌کند، فقهاء این آیه را در بحث رشوه تفسیر کرده اند.^۱

۲. آیه ۱۶۱ سوره نساء «وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ»، می‌فرماید یکی از کارهایی که این‌ها می‌کردند، این بود که اموال مردم را به باطل می‌خوردند. این آیه شریفه هم گرچه مشتمل بر نهی اکل مال به باطل نیست ولی چون در سیاقی است که گناهان را می‌شمارد و ظاهراً وعده عذاب هم در آیه داده، بعید نیست افاده نهی بکند.

۳. آیه ۳۴ سوره توبه که می‌فرماید: «إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» علمای یهود و نصارا، اموال مردم را به باطل می‌خوردند که آیه شریفه از آن مذمت می‌کند و آن مذمت هم احتمالاً مفید نهی به حرمت باشد.

سه آیه دیگر هم به جای کلمه «باطل» در آن عبارت «سحت» آمده است:

آیات ۶۲ و ۶۳ سوره مبارکه مائده: «وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»، «وَلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ». و آیه ۴۲ سوره مائده: «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّخْتِ».

این سه آیه هم که در آن سحت آمده در حقیقت همان مضمون اکل مال به باطل را افاده می‌کند. بنابراین در هفت جای قرآن کریم این مضمون آمده.

از میان این آیاتی که ذکر شد از همه آن‌ها رساتر و گویاتر، آیه ۲۹ سوره نساء هست که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ». این آیه شریفه از پر بحث ترین آیات فقهی است که در جهات مختلف آن بحث‌های پیچیده و متعددی مطرح است. در حدی که در تفصیل الشریعه آیت الله فاضل ایشان قائل به اجمال آیه شده اند.^۲

۱ یزدی، تکمله العروه الوثقی، ج ۲، ص ۲۲؛ ایروانی، حاشیه مکاسب، ج ۱، ص ۲۵؛ خویی، مبانی تکمله المنهاج، ج ۱، ص ۹.

۲ فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، مکاسب المحرمه، ص ۹۹.

چند نکته را به عنوان مقدمه ذکر می‌شود تا به نکات اساسی پرداخته شود:

۱. مقصود از «أكل»

به معنای تصرف مالکانه در چیزی می‌باشد. «أكل» در لغت به معنای بلعیدن و چیزی را وارد جوف کردن است^۱ که در دید عرف از تام ترین تصرفات مالکانه می‌باشد ولی این مفهوم را به هر نوع تصرف در شیء تعمیم داده‌اند که در ابتدا این استعمال به صورت مجاز بوده^۲ ولی الان استعمال حقیقی به حساب می‌آید.

۲. مقصود از «اموالکم» و «بینکم»

صاحب تفسیر المیزان ذیل آیه شریفه در رابطه با «اموالکم» و «بینکم» می‌فرماید: آیه مشعر به این است که چیزهایی که در جامعه است، مال همه است منتهی بر اساس قاعده‌ی درست و تنظیم شده‌ای، مالیت‌ها و ملکیت‌های خاصه برای نظام امور اجتماعی اعتبار شده. «سخر لکم ما فی الارض جمیعاً»^۳ این اموال همه برای همه شما است؛ منتهی یک نظام خاصه‌ای برای پرهیز از هرج و مرج و انتظام امور اعتبارشده و این مالکیت‌های اعتباری حاصل این نظامات می‌باشد.^۴

۳. نهی تحریمی یا ارشاد به بطلان

نهی در «لا تأکلوا» آیا نهی تحریمی است یا ارشاد به بطلان می‌باشد؟ به نظر می‌آید که اینجا دو احتمال وجود دارد:

یکی اینکه بگوییم نهی تحریمی است و می‌گوید شرعاً حرام است که به شکل باطل در این اموال تصرف بکنید.

۱ فراهیدی، العین؛ ج ۵، ص: ۴۰۸.

۲ طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۵۱.

۳ بقره، ۲۹.

۴ همان، ۵۲.

احتمال دوم که مرحوم تبریزی^۱ به آن اشاره کرده اند این است که این نهی، ارشاد به فساد است.

اصولاً نهی تحریمی در معاملات موجب فساد نیست ولی بسیاری از مواقع نهی در معاملات، نهی تحریمی نیست که مصداق آن بحث اصولی بشود بلکه از اول نهی ارشاد به بطلان می باشد. معنای آیه بنا بر احتمال دوم: در امواتان با عقود باطل و شیوه‌های باطل تصرف نکنید. در واقع می خواهد بفرماید، اگر با روش باطل جلو بروید، معامله باطل است. مثلاً معامله ای که مثنی یا ثمن آن مالیت ندارد و شروط متعاقدین در آن رعایت نشده است، اینها همه باطل هستند. لذا آنها را سبب نقل و انتقال قرار ندهید.

۴. باء در بالباطل

در این باء بالباطل دو قول متفاوت وجود دارد:

قول اول این است که این باء برای سببیت است که این نظر را فقهای از جمله محقق خوئی ایراد کرده اند.^۲ ایشان تأکید دارند که باء آیه به معنای سببیت است یعنی با اسباب و عقود صحیح نیست اکل مال نکنید زیرا هیچ فائده ای ندارد و بر آن اثری مترتب نمی شود. در این صورت آیه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» ارشاد به فساد معامله می کند.

مثلاً قرارداد بخت آزمایی و قمار از اسباب نقل و انتقال هستند ولی اثری بر آنها مترتب نمی شود. شارع می فرماید این عقود را سبب قرار ندهید.

در این صورت فراز «تِجَارَةٌ عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» استثناء می شود بر ما قبل یعنی اموال خود را با اسباب باطل انتقال ندهید مگر اینکه یک عقدی باشد که صحیح و درست است. نظر علامه طباطبایی در المیزان هم بیشتر به همین احتمال است.^۳

۱ تبریزی، ارشاد الطالب الی التعلیق علی المکاسب، ج ۲، ۵۹؛ همان، ج ۴، ص ۲۷.

۲ خویی، مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۳۵.

۳ طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۳۱۸.

قول دوم این است که باء در «الباطل» برای مقابله باشد. یکی از معانی با همین مقابله است بدین گونه که فعل قبل در مقابل و عوض از شیء ما بعد است.^۱

بنابراین همیشه این حرف داخل بر اشیایی می شود که عوض از چیز دیگری هستند، مثل: «اشتریتُ الكتابَ بعشرةِ دراهم»، کتاب را در عوض ده درهم خریدم.

مانند این آیه شریفه که سرنوشت نهایی منافقان را چنین بیان می کند: «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَهَ بِالْهُدَى فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ»^۲ یعنی منافقان در تجارت خانه این جهان، هدایت را با گمراهی معاوضه کرده اند. مانند «وَكُنْتُمْ عَلَیْهِمْ فِیْهَا أَنْ النَّفْسِ بِالنَّفْسِ وَالْعِینِ بِالْعِینِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ»^۳ حرف جر «باء» در تمام این جمله-ها «باء» مقابله است.

با توجه به قول دوم در «اکل مال الباطل» باید گفت که آیه از معامله ای که در برابر آن چیز بی ارزش می گیریم نهی می کند. در این صورت آیه ناظر به ثمن و مثنی است. مثلاً بیع العذرة در زمان سابق مصداق این آیه بوده است.

آنچه به نظر می رسد ظاهر آیه، معنای اول است که مرحوم خوئی فرمودند و شاهد آن این است که در ادامه آیه آمده است: «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» که یک عقد را به عنوان استثناء ذکر می کنند.

وجه استدلال به آیه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ»

«لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» یک معنای عامی دارد که شامل تمامی تصرفاتی که سببشان باطل است اعم از اینکه عمل حقوقی مثل عقد باشد یا واقعه حقوقی مثل غصب باشد.

۱ خمینی، کتاب البیع، ج ۱، ص ۱۷۷. ابن هشام، مغنی اللیب، ج ۱، ص ۱۴۱.

۲ بقره، ۱۶.

۳ مائده، ۴۵.

۵. «بِالْبَاطِلِ»

دو احتمالی که در رابطه با بالباطل وجود دارد. یک احتمال این است که «باطل» در اینجا به مفهوم حقیقت شرعیه است یعنی «ما ابطله شارع» یا «کل سبب مملک لا یعتبره الشارع صحیحاً بل یعتبره فاسداً و باطلاً».

در این صورت حکم آیه ارشادی می‌شود برای اینکه می‌گوید آنچه شارع در موارد دیگر باطل شمرده است، باطل است در حالی که این مفهوم را ما از ادله دیگر به دست آورده بودیم و حکم جدیدی نیست.

احتمال دوم این است که باطل را بنابر اصل عقلائی در الفاظ حمل بر مفهوم عرفی باطل بکنیم که در این صورت حکم در آیه تاسیسی می‌شود.

۶. استثنا در «إِلَّا أَنْ تَكُونَ...»

استثنا در آیه شریفه نمی‌تواند متصل باشد زیرا در متصل باید مسانخت تام بین مستثنی و مستثنی منه وجود داشته باشد باشد ولی وقتی استثنا منقطع شد دیگر مسانخت تام لازم نیست.

استثناء مفید حصر است ولی اگر استثناء منقطع باشد چنین افاده ای نمی‌کند. از همین نکته می‌توان استفاده کرد که استثناء در آیه متصل نیست، زیرا در این صورت حصر را می‌رساند که خیلی بعید است. اگر آیه افاده حصر بکند، یعنی شارع فقط تجارت را پذیرفته است. لذا در رابطه با این همه عقودی که شارع قبول کرده است باید بگوییم همه این‌ها با ادله دیگر تخصیص خورده اند و واقعاً چنین تخصیصی مستهجن است. خود همین امر قرینه ای است بر اینکه استثناء منقطع می‌باشد.

البته ما هم قبول داریم که استثناء منقطع خلاف اصل است لکن در اینجا با توجه به ادله ای که وجود دارد قائل به آن می شویم. وجوهی برای متصل بودن ذکر کردند که در المیزان ذیل تفسیر آیه شریفه آمده است.^۱

۷. انطباق عرفی و عقلایی یا تعبدی؟

بحث دیگری که ذیل آیه قابل طرح است این است که آیا انطباق آیه بر بحث بخت آزمایی و قمار انطباق عرفی و عقلایی است یا تعبدی می باشد؟ یعنی اگر فقط آیه بود و هیچ روایت و حدیثی نبود این آیه دلالت بر حرمت قمار می کرد یا نه؟ دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول: تطبیق قهری و عرفی با غمض نظر از روایات ممکن نیست و علت آن این است که علی رغم اینکه در بخت آزمایی، یک مضاری هست اما از نظر عقلایی و عرفی با قطع نظر از فضای شرع و مسائل شرعی قمار، عملی است که در تمام اعصار وجود داشته و در حال حاضر در خیلی از کشورها کاملاً رایج می باشد و اینطور نیست که عقلاً به طور کلی بگویند که قمار یک امر باطلی است. اگر ما بخواهیم بطلان را به بحث بخت آزمایی تسری بدهیم نیاز به دلیل تعبدی داریم.

احتمال دوم: اگر عقلاء من حیث إنهم عقلاء در مسئله دقتی بکنند به همین نتیجه می رسند که بخت آزمایی اکل مال به باطل است. زیرا در آن، شخص برنده بدون هیچ فعالیت اقتصادی، مال هنگفتی را به جیب می زند. این یک امر عقلایی نیست و تصرف بالباطل است.

آنچه به نظر می‌رسد این است که احتمال دوم صحیح باشد، و این نحوه کسب در آمد عقلایی نمی‌باشد. ذیل بحث تقریبات دلیل عقلی حرمت بخت آزمایی توضیح بیشتری خواهد آمد.

جمع بندی این آیه این است که اموال به دست آمده از بخت آزمایی، اکل مال به باطل محسوب می‌شود و نمی‌شود در آن مال تصرف کرد و نهی در آیه ارشاد به فساد و بطلان چنین معامله ای می‌باشد.

مرحوم شیخ حسین حلی ره می‌گوید درست است که آیه می‌فرماید «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» اما در ادامه آیه می‌گوید «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ»^۱ بنا بر این هر معامله ای که با رضایت دو طرف معامله واقع شود مشکل شرعی ندارد. بخت آزمایی هم تجارتنی است که اگر فرض شود دو طرف خریداران بلیت و شخصی که متعهد به قرعه کشی می‌شود راضی باشند، شامل نهی در ابتدای آیه نشوند.^۲

در پاسخ به ایشان باید گفت: هر چند که معنای تجارت، یعنی مطلق کسب و معاوضه است که شامل انواع کسبها و معاوضه نظیر اجاره، صلح و غیر آن می‌شود،^۳ اما به هر داد و ستدی که رضایت در آن باشد، عقلاً تجارت نمی‌گویند و صدق عرفی تجارت بر آن معلوم نیست. ثانیاً بر فرض صدق مفهوم تجارت بر آن، باید سببی از اسباب شرعی که شارع اجازه فرموده مثل بیع، صلح و... بر آن منطبق باشد و تمام شروط متعاقدين و عوضین رعایت شده باشد تا بتوان آن را تجارت نامید. زیرا عقود را شارع هر چند امضا کرده است ولی به آنان حدود و قیودی زده است و با رعایت آن هاست که معامله صحیح است. فلذا به صرف اینکه به یک داد و ستدی تجارت گویند نمی‌توان امضای شارع را از آن معامله پی برد.

۱ نساء، ۲۹.

۲ حلی، بحوث فقهیه، ص ۶۰-۵۹.

۳ نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴-۵.

ممکن است کسی بگوید بخت آزمایی از اسباب شرعی مسوغ اکل است و شارع آن را اجازه فرموده است. به این بیان که بخت آزمایی عقد است و خداوند نیز در قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»^۱ پس وفای به این عقد واجب است و از اکل به باطل، تخصصاً خارج است.

این نحوه استدلال تمسک به عام در شبهه مصداقیه خود عام می باشد که به اجماع علمای شیعه جایز نمی باشد. برای روشن شدن مساله مثالی بیان می شود. فرض کنید شارع بگوید اکرم العلما. آن گاه مکلف شک دارد که آیا زید عالم است تا آن را اکرام کند؟ یا این که عالم نیست و وجوب اکرام ندارد؟ در این جا برای وجوب اکرام زید نمی تواند به خود عموم اکرم العلما تمسک کند و بگوید چون شارع فرموده همه علما را اکرام کن پس زید را هم باید اکرام کرد. ابتدا باید عالم بودن زید به دلیل خارجی اثبات شود و بعد از محرز شدن صفت عالم در زید، وجوب اکرام زید به مکلف تعلق می گیرد. در ما نحن فیه، نیز ابتدا باید عقد بودن آن احراز شود به طوری که دارای ویژگی هایی باشد که شارع آن را امضا کرده باشد و بگوید این عقدی است که ملکیت و حق می آورد که از دلایلی غیر از آیه باید متوجه شد.^۲ سپس می توان به این آیه تمسک کرد.

ب: آیات اختصاصی

همان طور که ذکر شد مبنی بر این که بخت آزمایی یکی از مصادیق قمار می باشد، لذا آیات مربوط به قمار بحث می شود.

۱. آیه ۲۱۹ سوره بقره

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ» در باره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: «در آنها گناه و

۱ مائده، ۱.

۲ حائری، فقه العقود، ج ۱، ص ۶۵.

زیان بزرگی است؛ و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است. و از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از ما زاد نیازمندی خود.» اینچنین خداوند آیات را برای شما روشن می‌سازد، شاید اندیشه کنید!

در جامعه جاهلی قمار و خمر بسیار شایع و متداول بوده است و تحریم هر دو به صورت تدریجی انجام شده است. دو قضیه قمار و خمر از قضایای شایع و متداول عصر جاهلیت بود که تحریم آنها در صدر اسلام به تدریج انجام شد.^۱ در عصر جاهلی برد و باخت‌های قمار بسیار زیاد بود تا جایی که علاوه بر مسائل مالی همسران و یا حتی حریت خود را در معرض قمار قرار می‌دادند.

در خصوص «فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» می‌توان گفت آیه شریفه می‌فرماید: خمر و میسر تبعات منفی دارد و منافی هم دارد ولی تبعات منفی از منفعت آن بیشتر است. آیه می‌خواهد بیان کند که خمر حتماً یک منافی دارد و دلیلش هم این است که همین خمر را وسیله شفا و درمان قرار می‌دهند و گاهی درمان در آن متعین می‌شود. این معنا مطابق اصل است زیرا ظاهر در جمله خبریه «فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ» این است که داعی متکلم اخبار می‌باشد. اصالت الاخبار و اصالت الجذّ از اصول لفظی متقن اصول شیعه است.

میسر و قمار هم حتماً یک فوایدی دارد، به طور مثال آنچه در تاریخ عرب جاهلیت مشاهده می‌شود زمانی که مردم در تنگدستی شدیدی قرار می‌گرفتند عده‌ای شتری را ذبح می‌کردند آن گاه در بین خود قرعه‌کشی می‌کردند و هزینه شتر را یک نفر و یا این که چند نفر و هر یک قسمتی از هزینه گوشت شتر را حساب می‌کرد. خود گوشت هم بین فقرا تقسیم می‌شد. اگر کسی در این گونه کارها شرکت نمی‌کرد او را مذمت می‌کردند و بخیل می‌دانستند و برای این رفتار به ظاهر خوب نیز شعرها سروده اند.^۲

۱ راوندی، فقه القرآن، ج ۲، ص ۲۸۲. کلینی، الکافی (فروع)، ج ۱۲، ص ۷۰۳. مبدی، بازپژوهی آیات فقهی قرآن، ص ۴۴

۲ قیزور، المیسر و القمار، ص ۲۴. الملحم، القمار حقیقه و احکامه ص ۳۰-۲۳.

معنای میسر در این آیه شریفه، مطلق بازی کردن است نه اینکه بازی مخصوصی مورد نظر باشد. در اینجا چه میسر را به معنای آلات قمار بگیریم و چه به معنای خود قمار کردن، قدر متقین این است که آیه در صدد تحریم «قمار کردن» است. زیرا متعلق حرمت باید افعال اختیاری مکلفین باشد نه اعیان. آن چه به نظر می رسد، بیان حکم تکلیفی عمل قمار را می گوید. دلیل آن قرینه سیاق است زیرا حرمت خمر و میسر را به صورت یک پارچه بیان نموده و ظهور آیه «وَأْتُمَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» فقط در حرمت تکلیفی است و استفاده حکم وضعی از این فراز متوقف بر این است که قائل شویم نهی تکلیفی در معاملات موجب فساد است و الا آیه شریفه دلالت بر حرمت نمی کند.

به نظر می رسد آیه شریفه فقط دلالت بر حرمت قمار می کند که همراه با رهان صورت بگیرد اعم از اینکه با آلات مُعَدّه باشد یا بدون آلات معده. چرا که میسر ظهور در «عمل قمار» دارد و با توجه به اینکه در مفهوم قمار قید رهان اخذ شده است لذا میسر به معنای لعب مع الرهان می باشد. البته اگر کسی نتوانست به ظهور میسر در «عمل قمار» اطمینان کند باید به قدر متیقن مفهوم میسر که قمار با آلات معده باشد اعتماد کند.

۲- آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مبارکه مائده

آیاتی که برای میسر استشهاد شده است آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مبارکه مائده است. البته فراز اصل همان آیه ۹۰ است ولی آیه بعد هم در ادامه بیان احکام آیه اول می باشند.

«إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱

ای کسانی که ایمان آورده اید، شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطانند. پس، از آنها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید.

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنتُمْ مُنْتَهُونَ»^۱ همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. پس آیا شما دست برمی‌دارید؟

از بعضی از تفاسیر و روایات استفاده می‌شود که نزول این آیات متأخر از آیه ۲۱۹ سوره بقره بوده است^۲ البته نزول سوره بقره چندین سال طول کشیده است ولی با این حال ظاهراً نزول کل سوره مائده بعد از سوره بقره است.^۳

در مورد میسر در آیه ۹۱، بر می‌آید که معنای آلات قمار را داشته باشد و مساوی با آنچه در سوره بقره معنا کردیم، نمی‌شود. شاهد آن هم سیاق آیه است چرا که در این آیه شریفه، چهار کلمه به عنوان ابتدای جمله آمده است، خمر، میسر، انصاب و ازلام، غیر از میسر همه آن‌ها اشیاء خارجی هستند نه اعمال.

خمر مایع مسکر است، انصاب چوب و سنگی است که می‌تراشند، ازلام همان قدام و آن شیئی است که در نوعی از قمار به کار می‌رفته و در عصر جاهلی در میان عرب متداول بوده است. میسر هم در عداد این اشیاء ذکر شده است. به خصوص اینکه در آخر عبارت نیامده است که بگوییم تا اینجا اعیان بود و از این به بعد فعل است. پس سیاق آیه به ویژه با توجه به اینکه میسر در میان خمر و دو امر دیگری قرار گرفته است و آن دو امر دیگر هم دال بر اعیان هستند موجب می‌شود تا بگوییم سیاق خودش دلیل بر این است که میسر هم مثل بقیه از اعیان و اشیاء خارجی است. البته شاهد روایی هم دال بر این معنا هست که در جای خودش به آن اشاره خواهیم کرد.

اگر میسر در اعیان و اشیاء خارجی به کار نرفته بود سیاق نمی‌توانست کاری بکند ولی مکرراً به معنای آلات قمار به کار رفته است (یا به صورت حقیقت یا مجاز) و میسر در آلات و

۱ همان، ۹۱.

۲ طباطبائی، المیزان، ج ۶، ص ۱۱۸؛ مکارم شیرازی، نمونه، ج ۵، ص ۷۱.

۳ طباطبائی، المیزان، ج ۱۳، ص ۲۳۳.

ادوات مستعمل است، پس سیاق می‌گوید که مقصود از میسر در اینجا اعیان است یعنی آنچه با آن قمار انجام می‌شود. در صورت حقیقی بودن دو معنا، سیاق در اینجا قرینه معینه می‌شود. یعنی لفظ میسر دو معنای حقیقی دارد ولی به کمک قرینه معینه این ابهام رفع می‌گردد.

در مورد کلمه انصاب نیز در روایات آمده است که مقصود از «انصاب» بت است^۱ و احتمالاً وجه تسمیه بت‌ها به انصاب از این جهت است که چون بت‌ها را می‌تراشیدند و در جایی نصب می‌کردند، به این مناسبت به اوئان (بت‌ها)، انصاب اطلاق می‌شده است. و لذا در قرآن برای بت هم اوئان داریم که مکرر آمده است^۲ و هم انصاب داریم که استعمال آن در قرآن کریم کم نیست.^۳ واژه رجس در آیه، به معنای پلیدی است^۴ که اعم من وجه از نجاست است. ممکن است چیزی از لحاظ فقهی نجس نباشد ولی به آن پلید گفته شود. یعنی چیزی که طبع از آن تنفر دارد و مورد تنفر طباع عقلاء و مردم است ولی نجس نیست.

این نکته لازم است گفته شود که در بعضی از اشیاء تنفیری است که خود عقلاء در نگاه اول درک نمی‌کنند ولی دین می‌گوید که در واقع اگر شما به همه جهات توجه بکنید، آن وقت تنفر را درک می‌کنید. یعنی تعبداً موضوع پلیدی را توسعه می‌دهد. در رابطه با معروف هم همینطور است چه بسا مواردی که عرف مصلحتشان را درک نمی‌کند ولی شارع آنها را واجب دانسته است. رجس بودن اوئان هم از همین باب است، یعنی عقلاء بما هو عقلاء ممکن است در آن پلیدی نبینند ولی شارع می‌گوید اگر آنچه من می‌بینم تو هم می‌دیدی، قطعاً حکم به رجسیت اوئان می‌کردی.

در آخر، آن چه به نظر می‌رسد آیه ۹۰ سوره مبارکه مائده، قمار و بخت آزمایی را حرام و باطل می‌داند. زیرا ظهور صیغه «فاجتنبوه» چه امر باشد یا نهی در هر صورت مفید حکم الزامی

۱ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۲۱، باب ۱۰۲ حدیث ۱۲.

۲ حج، ۳۰؛ عنکبوت، ۱۷؛ همان، ۲۵.

۳ مائده، ۹۰.

۴ انصاری، مکاسب، ج ۱، ص ۸۳. خوبی، موسوعه الامام خوبی، ج ۳، ص ۸۳.

است و زمانی که شارع می گوید به این آلات نزدیک نشوید یعنی هیچ گونه منفعتی از آن ها نبرید و جمیع انتفاعات آن حرام شده است، حال اگر این انتفاع، خوردن باشد، مثل شرب خمر، حرمت تکلیفی پیدا می کند و اگر خرید و فروش و اجاره و... باشد حرمت وضعی می شود. در اینجا استعمال لفظ در اکثر از معنی رخ نداده است. حرمت یک معنای واحدی است لکن زمانی که به امور مختلف تعلق می گیرد از حیث آثار متفاوت می شود.^۱

علاوه بر ظهور صیغه امر در حکم الزامی، قرائن دیگری در آیه هست که مفید آن باشد. نظیر «رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» و «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ»^۱

جمع بندی آیات:

نتایجی که از بحث آیات گرفته می شود به این ترتیب است:

۱. از آیات فهمیدیم که فعل قمار درجایی که با آلات و با رهان باشد حرمت تکلیفی دارد و مستوجب عقاب هست.
۲. از آیات، حرمت آنجایی که لعب به غیر آلات باشد یا لعب با آلات ولی بدون رهان باشد استفاده نمی شود. البته ممکن است حرمت این دو قسم را از ادله بعدی به دست بیاوریم.
۳. می توان گفت که از آیات، حرمت ساخت، خرید و فروش آلات قمار نیز استفاده می گردد زیرا «اجتنبوا» «رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» اطلاق داشت و جمیع انتفاعات، مثل ساخت، خرید، فروش، نگهداری و غیره را در بر می گیرد.
۴. از بعضی از آیات یک قاعده کلی بدست آوردیم و آن وجوب اجتناب از هر چیزی است که عرف آن را پلید (رجس) بخواند اعم از اینکه فعل باشد یا عین.

۱ خمینی، کتاب البیع (تقریرات، للخرم آبادی)، ص ۴۴۴.

گفتار دوم: روایات

سنت یکی از منابع مهم فقه شیعه محسوب می شود. روایاتی که از لحاظ سند و دلالت صحیح باشند حجت شرعی برای استنباط احکام قرار می گیرند. از آن جا که در روایات به طور مستقیم به بخت آزمایی اشاره نشده است و همچنین بخت آزمایی یکی از مصادیق قمار شناخته شده است لذا روایات قمار مورد بررسی قرار می گیرد.

روایات مربوط به قمار در جلد ۱۷ وسائل الشیعه، ابواب ما یکتسب به، ذکر شده است و آن هایی را که محتمل است دلالت بر حرمت لعب مع الرهان کند، تقدیم می شود.

۱. صحیحہ زیاد بن عیسی:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ زِيَادِ بْنِ عَيْسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ (وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ) فَقَالَ: كَانَتْ قُرَيْشٌ تُقَامِرُ الرَّجُلَ بِأَهْلِهِ وَمَالِهِ فَهَاهُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ ذَلِكَ.^۱

۱ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجارة، ابواب ما یکتسب به، باب ۳۵، ح ۱، ص ۱۶۴؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲۲.

این روایت از لحاظ سند متصل است و تمام راویان، ثقه و امامی هستند. زیاد بن عیسی نیز به تصریح کلینی در کافی^۱، ابو عبیده الحذاء^۲ می‌باشد. البته این روایت به صورت مرسله نیز از محمد بن علی نیز ذکر شده است.^۳

زیاد بن عیسی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی شریفه‌ی (وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ) سؤال کردم، حضرت فرمودند: قریش با مرد در مقابل اهل و مالش قمار می‌کردند، پس خداوند آن‌ها را از این کار منع کرد.

امام خمینی ره می‌گوید: ظاهرش این است که خدا از خود قمار بازی نهی کرده است نه از مصرف کردن مالی بعد از برد و باخت حاصل می‌شود. (نهایم الله عن ذلك) یعنی از این فعل نهی کرد.^۴

این فرمایش، خلاف ظاهر است زیرا ظاهر آیه ارشاد به عدم تملک مال به سبب باطل عرفی است: زیرا مراد از اکل تملک و استیلاء است که تعبیر به زمین خواری می‌کنند و می‌گویند

۱ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲۲: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ زِيَادِ بْنِ عَيْسَى وَ هُوَ أَبُو عَبِيدَةَ الْحَذَاءِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ) فَقَالَ كَانَتْ قُرَيْشٌ تُقَامِرُ الرَّجُلَ بِأَهْلِهِ وَ مَالِهِ فَتَنَاهَاهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ ذَلِكَ.

۲ النجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۷۰: زیاد بن عیسی ابو عبیده الحذاء کوفی ثقه روی عن ابی جعفر و ابی عبد الله علیه السلام و أخته حماده بنت رجاء و قیل: بنت الحسن روت عن ابی عبد الله علیه السلام قاله ابن نوح عن ابن سعید. و قال الحسن بن علی بن فضال: و من أصحاب ابی جعفر أبو عبیده الحذاء و اسمه زیاد مات فی حیاة ابی عبد الله علیه السلام و قال سعد بن عبد الله الأشعری: و من أصحاب ابی جعفر أبو عبیده و هو زیاد بن ابی رجاء کوفی ثقه صحیح و اسم ابی رجاء منذر و قیل: زیاد بن أخزم و لم یصح. و قال العقیقی العلوی: أبو عبیده زیاد الحذاء [و] كان حسن المنزلة عند آل محمد و كان زامل أباً جعفر علیه السلام إلى مكة. له كتاب يرويه علي بن رئاب.

خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۳۱۳: بقی الکلام فی أمور ... الرابع: أنه وقع الخلاف فی اسم أبیه، فقیل إنه عیسی، اختاره النجاشی و الشیخ فی رجاله عند عده فی أصحاب الباقر علیه السلام و قیل: منذر قاله سعد بن عبد الله، علی ما ذکره النجاشی، و قیل: رجاء و قیل: أخزم. و المستفاد من کلام النجاشی: أن أخته حماده بنت رجاء، أو بنت الحسن فلو كانت حماده أخته من الأب كما هو ظاهر الکلام فهو ابن رجاء أو ابن الحسن. و کیف كان فالأقوال فی اسم أبیه متعارضة و علیه یترتب أنه لو كان فی سند روایة زیاد بن عیسی، أو زیاد بن رجاء أو زیاد بن منذر و لم تقم قرینة علی أن المراد به أبو عبیده الحذاء لم یمكن الحكم بصحته، لعدم ثبوت المراد به بعد عدم وضوح اسم أبیه.

۳ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجارة، أبواب ما یکتسب به، باب ۳۵، ح ۹؛ عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۳۶.

۴ خمینی، مکاسب محرمة، ج ۲، ص ۴۳.

مال مردم، خوردن ندارد و ممکن است فرش یتیم را برداشته و اصلاً خوردنی نیست. لذا اکل به معنای استیلاء بر مال دیگران است. نهی از استیلاء ارشاد به حکم وضعی است که مالک نمی شوی. اگر نهی تکلیفی باشد، نهی تکلیفی از استیلاء است که مصداق غصب است و اگر رضایت طرف مقابل را احراز کنیم دیگر مصداق غصب نخواهد بود. «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» ظهور ندارد در این که تحصیل مال و بازی با برد و باخت حرام است و گرنه لازمه آن این است که هر سبب باطلی مثل معامله غرری حرام تکلیفی باشد و این عرفی نیست.

پس آن چه به نظر می رسد این روایت دال بر حرمت وضعی قمار می کند و این را می رساند که در قمار رهن وجود داشته است.

۲. صحیح محمد بن مسلم:

و [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَصْلِحُ الْمُقَامَرَةَ وَلَا النَّهْبَةَ.^۱

این روایت از لحاظ سند تمام است.

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: قمار و نهبه درست نیست.

مراد از «النهبه»^۲ چیزی است که در عروسی روی سر عروس می ریزند و یا چیزی که به جهت دیگری پنخش می کردند. حدس زده می شود نهبه دو نوع بوده؛ گاهی آن را می ریختند تا هر کسی می خواهد بردارد، این قسم مانعی ندارد. گاهی هم به قصد برداشتن افراد خاصی می ریختند ولی عده‌ی دیگری می آمدند و آن را نهب و غارت می کردند که این قسم حرام است.

۱ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجاره، أبواب ما یکتسب به، باب ۳۵، ح ۵، ص ۱۶۵؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲۳.

۲ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۷۷۳.

مرحوم آیت الله خوئی در ابتدای موسوعه می فرمود که لاتصلح ظهور در حرمت ندارد.^۱ ولی در اواخر عمرشان نظرشان عوض شد و می گفت لاتصلح ظهور در حرمت دارد. چون لاتصلح یعنی این کار قابلیت ندارد انجام بشود، این عمل شرعاً قابل انجام شدن نیست. گاهی یک چیزی تکویناً قابل انجام شدن نیست و گاهی تشریباً، و لایصلح آن تفعل کذا یعنی شرعاً این کار قابل انجام دادن نیست. لذا در این جلد‌های اخیر نظرشان این شد که لایصلح ظهور در حرمت دارد.^۲

آن چه به نظر می رسد نظر اول صحیح است و لاتصلح اعم از حرمت و کراهت است و معنای آن این است که شایسته نیست این کار انجام شود نه این که قابل انجام شدن نیست. لذا دلالت این صحیح بر حرمت به خاطر لفظ «لَا تَصْلَحُ» جای تأمل است.

این که در روایت در کنار مقامره، النهبه آورده شده است که حرام باشد، مشکل ندارد که در مورد حکم الزامی تعبیری کنند اعم از الزامی و غیر الزامی باشد و لازم نیست مخاطب همه جا متوجه الزامی بودن بشود. مثل این که بگویند لایصلح للرجل این یلبس الحریر که اشکالی ندارد. این که یک فعل حرامی را در کنار یک فعل دیگری قرار دهند دلیل بر حرمت آن نمی شود.

البته شاید در این جا به مناسبت حکم و موضوع و ارتکاز متشرعه بر این که قمار نمی تواند حلال باشد، ظهور در حرمت تقویت می شود.

نتیجه این که به صراحت، روایت ظهور در حرمت قمار ندارد.

۳. صحیحہ معمر بن خلّاد:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: النَّرْدُ وَالشُّطْرَنْجُ وَالْأَرْبَعَةُ عَشَرَ بِمَنْزِلَةِ وَاحِدَةٍ وَكُلُّ مَا قُومِرَ عَلَيْهِ فَهُوَ مَيْسِرٌ.^۳

۱خوئی، موسوعه الامام خوئی، ج ۳، ص ۴۴۰. همان، ج ۱۳، ۱۲۷.

۲ همان، ج ۲۷، ص ۴۴۹. همان، ج ۳۲، ص ۱۴۵.

۳ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجاره، أبواب ما یکتسب به، باب ۱۰۴، ح ۱، ص ۳۲۴؛ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۳۵. این روایت که در باب ۱۰۴ قرار دارد به خاطر این که ذیل آن با ذیل روایت قبل مشابه است، در این جا ذکر شد.

این روایت از لحاظ سند تمام است. البته به صورت مرسله نیز از عیاشی نقل شده است.^۱
 معمر بن خلاد نقل می‌کند که امام کاظم علیه السلام فرمودند: نرد و شطرنج^۲ و اربعه عشر به منزله‌ی واحد هستند و هر چیزی که بر آن قمار شود، میسر است.

باید به این نکته توجه داشت که گاهی آلت قمار با آنچه که بر آن قمار می‌شود یکی است؛ مانند قمار با گردو و تخم‌مرغ، ولی گاهی آلت قمار با آنچه که بر آن قمار می‌شود فرق دارد؛ مانند این که در قمار با شطرنج برای برنده پولی کنار بگذارند که «مَا قَوْمِرَ بِهِ» شطرنج است و «مَا قَوْمِرَ عَلَيْهِ» آن پول است. در روایت لفظ «قومر به» نیامده، بلکه «قومر علیه» آمده که مراد از آن همان رهن است، بنابراین حضرت در این جا یک قاعده‌ی کلی بیان می‌کنند که هر چیزی که بر آن قمار می‌شود، میسر است. این قاعده‌ی کلی در موارد دیگر هم کاربرد دارد و می‌توان با استفاده از آن حکم را استنباط کرد.

آن چه به نظر می‌رسد این روایت هم مال را میسر دانسته است و نگفته است که کل لعب قومر علیه بلکه ما قومر علیه میسر دانسته شده است. دلیل نمی‌شود که اگر پول را نگیرد نفس بازی با قرارداد برد و باخت مالی حرام باشد. پس ظاهر روایت دلالت دارد که صرف لعب و بدون رهان قمار نیست.

۴. موثقه عبد الحمید بن سعید:

وَ عَنْهُمْ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا] عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: بَعَثَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ غُلَامًا يَشْتَرِي لَهُ بَيْضًا

۱ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجاره، أبواب ما یکتسب به، باب ۳۵، ج ۸، ص ۱۶۶؛ عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۳۹.

۲ فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۱۲؛ زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۳، ص ۴۱۵؛ تلفظ صحیح این کلمه بعد از تعریب، شطرنج است؛ زیرا در عربی وزن شطرنج نداریم، هر چند بعضی شطرنج و عده‌ای هم شطرنج گفته‌اند.

فَأَخَذَ الْغُلَامُ بَيْضَةً أَوْ بَيْضَتَيْنِ فَقَامَرَ بِهَا فَلَمَّا أَتَى بِهِ أَكَلَهُ فَقَالَ لَهُ مُوَلَّى لَهُ إِنَّ فِيهِ مِنَ الْقِمَارِ قَالَ: فَدَعَا بِطَشْتٍ فَتَقَيَّأَ فَقَاءَهُ.^۱

این روایت بر مبنای پذیرش قاعده مشایخ ثقات، عبدالحمید بن سعید ثقه محسوب می شود. زیرا صفوان بن یحیی از آن به طور مستقیم روایت نقل کرده است.^۲

عبدالحمید بن سعید نقل می کند که امام کاظم علیه السلام غلامی را فرستاد تا تخم مرغ بخرد، غلام یک یا دو تا از تخم مرغها را برداشت و با آن قمار کرد. وقتی تخم مرغها را آورد حضرت آنها را خورد، عبد دیگری به حضرت گفت در میان این تخم مرغها بعضی از راه قمار به دست آمده است. حضرت [وقتی این حرف را شنیدند] طشتی طلب کردند و حالت قی برای خود ایجاد کردند و آن را قی کردند.^۳

این روایت دلالت بر حرمت وضعی قمار دارد و نیز از آن برداشت می شود که قمار بدون رهن نبوده است؛ چون یک چیزی در قمار برده که حضرت علیه السلام آن را قی کردند.

۵. موثقه سکونی:

وَ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ يَنْهَى عَنِ الْجَوْزِ يَجِيءُ بِهِ الصَّبِيَّانُ مِنَ الْقِمَارِ أَنْ يُؤْكَلَ وَقَالَ: هُوَ سُحْتٌ. وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ السَّكُونِيِّ مِثْلَهُ.^۴

این روایت از لحاظ سند، در مورد سکونی هر چند در مورد ثقه بودنش صحبتی به میان نیامده است. لکن چون شیخ طوسی ره می فرماید اصحاب ما عمل می کنند به روایات جماعتی

۱ وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجاره، أبواب ما یکتسب به، باب ۳۵، ح ۲، ص ۱۶۵؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲۳.

۲ همان، ج ۳، ص ۱۷۸. کتاب الجنائز، باب من یصلی علی الجنائز و هو علی غیر وضو.

۳ البته این سؤال که چرا حضرت تخم مرغها را خوردند و چگونه با علم امامت سازگار است، و هم چنین وقتی که خوردند چرا قی کردند در حالی که تخم مرغها تلف شده بود و دیگر قیمتی نداشت، مرحوم شیخ و حواشی مکاسب متعرض آن شده اند ولی با توجه به اینکه روایت سند ندارد به آن نمی پردازیم.

۴ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجاره، أبواب ما یکتسب به، باب ۳۵، ح ۶، ص ۱۶۶؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲۳.

که شیعه نیستند و از جمله سکونی را مثال می‌زند.^۱ و محقق حلی از این عبارت وثاقت را متوجه می‌شود و از شیخ طوسی ره نقل می‌کند.^۲ نوفلی نیز به دلیل کثرت روایت اجلاء از ایشان^۳ و عدم ورود قدح در مورد نوفلی قائل به وثاقتش می‌شویم. هر چند که برخی از قمیین می‌گویند غالی است ولی نجاشی این نسبت را قبول ندارد و از آنان نمی‌پذیرد.^۴ همچنین به این نکته باید توجه داشت که غالی از سنی نقل نمی‌کند و اکثر روایات سکونی از نوفلی به دست ما رسیده است.

سکونی نقل می‌کند که امام صادق علیه‌السلام از خوردن گردویی که بچه‌ها از قمار می‌آورند، نهی می‌کردند و فرمودند که آن سحت است.

آن چه به نظر می‌رسد روایت دلالت بر حرمت وضعی قمار می‌کند و این نشان می‌دهد که باید رهان باشد تا قمار بر آن صدق کند.

۶. موثقه اسحاق بن عمار:

و [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ التَّهْدِيَّ عَنِ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّبِيَّانُ يَلْعَبُونَ بِالْجَوْزِ وَالْبَيْضِ وَيُقَامِرُونَ فَقَالَ: لَا تَأْكُلْ مِنْهُ فَإِنَّهُ حَرَامٌ.

و رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ.

۱ طوسی، العده فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲ محقق حلی، الرسائل التسع، ص ۶۵-۶۴.

۳ به طور مثال ابراهیم بن هاشم، ۱۵۳۰، موسی بن عمران ۲۱۱ و احمد بن خالد برقی ۱۱۶ روایت از او نقل کرده‌اند.

۴ نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۸.

۵ مراد از الحسین بن محمد که در ابتدای سند مرحوم کلینی می‌آید، حسین بن محمد بن عامر است که اشعری قمی و ثقه است.

۶ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجاره، أبواب ما یکتسب به، باب ۳۵، ح ۷، ص ۱۶۶؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲۴.

در سند، محمد بن احمد النهدی آمده است. ایشان از حیثی توثیق ۱ و از حیثی تضعیف ۲ شده است ولی به نظر می رسد روایت موثقه باشد. زیرا نجاشی خود شخص را تضعیف نمی کند بلکه می گوید از افراد ضعیف هم نقل می کند. لذا توثیق کشی معارض پیدا نمی کند و ثقه می شود.

اسحاق بن عمار می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم بچه‌ها با گردو و تخم مرغ بازی و قمار می کنند، حضرت فرمودند: از آن نخور که حرام است.

آن چه به نظر می رسد این روایت نیز مثل روایت قبل، دلالت بر حرمت وضعی قمار می کند

۷. موثقه زید شحّام:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً
عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ دُرُسْتِ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَلَيْهِ السَّلَامِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (فَاجْتَنِبُوا
الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ) قَالَ: (الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرَنْجُ وَ (قَوْلُ الزُّورِ) الْغِنَاءُ.
وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ مُرْسَلًا.^۳

در این روایت، درست بن ابی منصور آمده است. هر چند که واقفی است،^۴ لکن چون مشایخ ثقات همچون ابن ابی عمیر^۵ و بزنی^۶ از او نقل روایت مستقیم کرده اند و در کتب رجالی هم قدحی از او به ما نرسیده است لذا ثقه می شود.

۱ کشی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۱۲: و اما محمد بن احمد النهدی هو حمدان القلانسی کوفی فقیه ثقه خیر.

۲ نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۴۱: محمد بن احمد بن خاقان النهدی أبو جعفر القلانسی المعروف بحمدان، کوفی، مضطرب. له کتب، منها: کتاب المواقیف فی الصلاة، کتاب فضل الکوفه، کتاب النوادر. أخبرنا أبو عبد الله بن شاذان قال: حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى، عن أبيه، عن حمدان.

۳ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجارة، أبواب ما یکتسب به، باب ۱۰۲، ح ۱، ص ۳۱۸؛ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۳۵.

۴ خویی، معجم الرجال الحدیث، ج ۷، ص ۱۳۹.

۵ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۱۵. کتاب الايمان و الکفر، باب حب الدنيا والحرص علیها.

۶ همان، ج ۲، ص ۱۱۴. کتاب الجنائز، باب ثواب المرض.

زید الشَّحَام می‌گوید از امام صادق علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی شریفه‌ی (فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ) سؤال کردم، حضرت فرمودند: (الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ) شطرنج و (قَوْلُ الزُّورِ) غناء است.

آن چه به نظر می‌رسد، حضرت یکی از مصادیق رجس را در این روایت مشخص می‌کند و بیش از آن بر چیزی دلالت ندارد.

۸. روایت حسن بن علی الوشاء:

و عَنْهُمْ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا] عَنْ سَهْلِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: الْمَيْسِرُ هُوَ الْقِمَارُ.^۱

این روایت از لحاظ سند به خاطر سهل بن زیاد ناتمام است. به صورت مرسله نیز از عیاشی در تفسیرش نیز نقل شده است.^۲

حسن بن علی الوشاء می‌گوید: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که فرمودند: میسر همان قمار است.

آن چه به نظر می‌رسد این روایت می‌فرماید که میسر، خود لعب است نه آلات قمار. لذا این روایت به ضمیمه آیه قرآن که از میسر نهی می‌کند دلیل بر حرمت قمار می‌شود. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)^۳ است؛ یعنی مراد از میسری که خداوند آن را رجس دانسته و از عمل شیطان است و باید از آن اجتناب شود، همان قمار است، پس از هر قماری باید اجتناب کرد. البته این روایت دلالت ندارد که حتماً باید در قمار رهن وجود داشته باشد، ولی قدر متیقن که لعب به آلات قمار همراه با رهن باشد را شامل می‌شود.

۱ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجارة، أبواب ما یکتسب به، باب ۳۵، ح ۳، ص ۱۶۵؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲۴.

۲ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجارة، أبواب ما یکتسب به، باب ۳۵، ح ۱۰، ص ۱۶۷؛ عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۳۹.

۳ مانده، ۹۰.

۹. روایت جابر:

و [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ) قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْمَيْسِرُ؟ فَقَالَ: كُلُّ مَا تُقَوْمِرَ بِهِ حَتَّى الْكِعَابُ وَالْجَوْزُ قِيلَ: فَمَا الْأَنْصَابُ؟ قَالَ: مَا ذَبَحُوا لِآلِهَتِهِمْ قِيلَ: فَمَا الْأَزْلَامُ؟ قَالَ: قِدَاحُهُمُ الَّتِي يَسْتَقْسِمُونَ بِهَا.

و رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ مِثْلَهُ.^۱

این روایت از لحاظ سند به خاطر عمرو بن شمر^۲ که تضعیف شده، ناتمام است.

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: وقتی خداوند متعال آیه‌ی شریفه‌ی (إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ) را بر پیامبر اسلام صلوات الله علیه و آله نازل کرد، از حضرت سؤال شد: میسر چیست؟ حضرت فرمودند: هر چیزی که با آن قمار شود [میسر است] حتی کعب و گردو^۳. گفته شد: پس انصاب چیست؟ حضرت فرمودند: آنچه که برای خدایان [بت‌های] خود ذبح می‌کردند. گفته شد ازلام چیست؟ حضرت فرمودند: چوب تیرهایی که با آن تقسیم می‌کردند.

کعب یعنی شی چهار گوش و مکعبی که با آن قمار می‌کردند.^۴

میسر به معنای آلت قمار است و آلت قمار حرام است به مناسبت حکم و موضوع در آلات قمار، به معنای حرمت بازی با آن‌ها است نه این که نگاه به آلات قمار حرام باشد

آن چه به نظر می‌رسد روایت بیان می‌دارد که هر چیزی که با آن قمار کنند، میسر است؛ هر چند که مرحوم شیخ انصاری فرموده است که این أدله اطلاق ندارد و امر به اجتناب از آلات

۱ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجارة، أبواب ما یکتسب به، باب ۳۵، ح ۴، ص ۱۶۵؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲۲.

۲ نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۸۷: عمرو بن شمر أبو عبد الله الجعفی عربی، روی عن أبي عبد الله عليه السلام ضعيف جدا، زيد أحاديث في كتب جابر الجعفی ينسب بعضها إليه، و الأمر ملبس.

۳ زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۸، ص ۳۷، جوز ظاهراً معرباً گوز در فارسی است که همان گردو است.

۴ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۷۱۸.

قمار و نیز نهی از لعب به آلات قمار به غالب انصراف دارد که لعب به آلات قمار مع الرهان است.^۱

۱۰. روایت اسباط بن سالم:

الْعِيَّاشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أُسْبَاطِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَاءَ رَجُلٌ فَقَالَ: أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ) قَالَ: يَعْنِي بِذَلِكَ الْقِمَارَ الْحَدِيثَ.^۲

این روایت مرسله است. از محمد بن عیسی نیز به صورت مرسله ذکر شده است.^۳

اسباط بن سالم می‌گوید: در نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی آمد و از حضرت درباره‌ی آیه‌ی شریفه‌ی (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ) سؤال کرد، حضرت فرمودند: مراد از این آیه، قمار است.

آن چه به نظر می‌رسد روایت یکی از مصداق این آیه را فرموده و تطبیق داده است و البته منظور این نیست که تنها مصداقش قمار می‌باشد، هم چنان که در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که معصومین علیهم السلام، مصداقی از آیات قرآن را فرمودند ولی معنای آیه فقط منحصر در آن نیست.

۱۱. روایت یاسر خادم:

و [الْعِيَّاشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ] عَنْ يَاسِرِ الْخَادِمِ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَيْسِرِ قَالَ: التَّفْلُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَالَ: الْخُبْزُ وَ التَّفْلُ مَا يُخْرَجُ بَيْنَ الْمُتْرَاهِنِينَ مِنَ الدَّرَاهِمِ وَ غَيْرِهِ.^۴

این روایت مرسله است.

۱ انصاری، مکاسب، ج ۱، ص ۳۷۷.

۲ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجارة، أبواب ما یکتسب به، باب ۳۵، ح ۸، ص ۱۶۶؛ عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۳۵.

۳ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجارة، أبواب ما یکتسب به، باب ۳۵، ح ۱۴، ص ۱۶۷؛ اشعری، کتاب النوادر، ص ۱۶۲.

۴ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجارة، أبواب ما یکتسب به، باب ۳۵، ح ۱۲، ص ۱۶۷؛ عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۳۴۱.

یاسر خادم می‌گوید از امام رضا علیه السلام درباره میسر سؤال کردم، حضرت در جواب فرمودند: تفل [یا الثقل] از هر چیزی. حضرت فرمودند: خبز و تفل آن چیزی است که از بین مترهین از درهم و غیر درهم خارج می‌شود.

آن چه به نظر می‌رسد، حضرت در این روایت میسر را به آن چیزی که از بین مترهین خارج می‌شود (رهن) تفسیر کرده‌اند، نه به آلات قمار. پس ظاهرش این است که مال، میسر است در نتیجه باید از آن مال اجتناب کرد و دلالت بر حرمت وضعی می‌کند.

۱۲. روایت مرسله عیاشی:

و[الْعِيَّاشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ] عَنْ هِشَامٍ عَنِ الثَّقَفِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قِيلَ لَهُ: رُويَ عَنْكُمْ أَنَّ الْخَمْرَ وَالْمَيْسِرَ وَالْأَنْصَابَ وَالْأَزْلَامَ رِجَالٌ فَقَالَ: مَا كَانَ اللَّهُ لِيُخَاطَبَ خَلْقَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُونَ.^۱

این روایت علاوه بر این که مرسله است، مرفوعه نیز می‌باشد.

خدمت امام صادق علیه السلام عرض شد: از شما (ائمه): روایت شده که خمر، میسر، انصاب و ازلام، رجال هستند. حضرت فرمودند: این گونه نیست که خداوند متعال بندگان را به آن چه که نمی‌فهمند خطاب کند.

آن چه به نظر حضرت علیه السلام می‌خواهند به او بفهمانند که معنایی که شنیده ای کاملاً اشتباه است. چرا که اگر معنای آن رجال بود خارج از فهم عقلا می‌شد و عرف اصلاً چنین ظاهری از آیه متوجه نمی‌شد. لذا امام علیه السلام این قاعده را به او یاد می‌دهد که خداوند سبحان بندگان را به آن چه می‌فهمند مورد خطاب قرار می‌دهد. البته بعضی خواسته اند از این روایت برای اثبات اصل عملی برائت شرعی استفاده کنند،^۲ که چون از بحث ما خارج است وارد نقد آن نمی‌شویم.

۱ همان، ح ۱۳؛ عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲ شیرازی، بیان الاصول، ج ۲، ص ۳۴۳.

۱۳. روایت اُبی جَارُود:

عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) قَالَ: أَمَا الْخَمْرُ فَكُلُّ مُسْكِرٍ مِنَ الشَّرَابِ إِلَى أَنْ قَالَ: وَأَمَا الْمَيْسِرُ فَالْتَرْدُ وَالشُّطْرَنْجُ وَكُلُّ قِمَارٍ مَيْسِرٌ وَأَمَا الْأَنْصَابُ فَالْأَوْثَانُ الَّتِي كَانَتْ تَعْبُدُهَا الْمُشْرِكُونَ وَأَمَا الْأَزْلَامُ فَالْأَقْدَاحُ الَّتِي كَانَتْ تَسْتَقْسِمُ بِهَا الْمُشْرِكُونَ مِنَ الْعَرَبِ فِي الْجَاهِلِيَّةِ كُلُّ هَذَا بَيْعُهُ وَشِرَاؤُهُ وَالْإِنْتِفَاعُ بِشَيْءٍ مِنْ هَذَا حَرَامٌ مِنَ اللَّهِ مُحَرَّمٌ وَهُوَ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ وَقَرَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَالْمَيْسِرَ مَعَ الْأَوْثَانِ^۱.

این روایت مرسله است.

أُبی جَارُود نقل می‌کند: امام باقر علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی شریفه‌ی (إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) فرمودند: مراد از (الْخَمْرُ) هر مسکری از شراب است، تا آن‌جا که فرمودند: مراد از (الْمَيْسِرُ) نرد و شطرنج است و هر قماری میسر است. (الْأَنْصَابُ) بت‌هایی است که مشرکین آن‌ها را می‌پرستیدند. (الْأَزْلَامُ) چوب تیرهایی است که مشرکین عرب در زمان جاهلیت با آن تقسیم می‌کردند. تمام این موارد بیع، شراء و انتفاعش حرام است و آن پلیدی است که از عمل شیطان است. خداوند متعال خمر و میسر را در کنار اوثان قرار داده است.

آن چه به نظر می‌رسد شاید بعضی بگویند روایت، میسر را به آلات قمار تفسیر کرده است و آیه هم می‌گوید اجتنبوا المیسر یعنی نزدیک آلات قمار نشوید یعنی با آلات قمار بازی نکنید.

می‌گوییم: این روایات قابل استدلال نیست زیرا شاید نرد و شطرنج خصوصیتی داشته باشد که از آن نهی شده است کما این که مرحوم خوئی فرموده اند بازی با نرد و شطرنج حرام است هر چند دیگر آلت قمار نباشند و با آن برد و باخت مالی نشود.^۲ یعنی بگوییم شطرنج حرمت ذاتی دارد و

۱ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجارة، أبواب ما یکتسب به، باب ۱۰۲، ح ۱۲، ص ۳۲۱؛ قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۸۱.

۲ خوئی، مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۳۷۳.

صرف بازی کردن با آن حرام است فقهای دیگری نظیر مرحوم گلپایگانی همین مبنا را داشته اند.^۱ طبق این بیان مبنا اگر کسی بتواند بگوید بخت آزمایی همان ازالام در قرآن است و ازالام هم آلت قمار است، آن گاه بخت آزمایی آلت قمار محسوب می شود و اگر رهان هم در آن نباشد باز هم بخت آزمایی حرام است.

۱۴. روایت فضیل:

و عَنْهُمْ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا] عَنْ سَهْلِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْمِثَمِيِّ عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ الَّتِي يَلْعَبُ بِهَا النَّاسُ النَّرْدَ وَالشُّطْرَنْجَ حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى السُّدْرِ فَقَالَ: إِذَا مَيَّزَ اللَّهُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ مَعَ أَيِّهِمَا يَكُونُ قُلْتُ: مَعَ الْبَاطِلِ قَالَ: فَمَا لَكَ وَالْبَاطِلِ.^۲

در این روایت از لحاظ سند به خاطر سهل بن زیاد توقف می شود ولی عبدالله بن عاصم ثقة است. زیرا علاوه بر تصریح مرحوم خویی بر وثاقتش،^۳ بزرگانی همچون محمد بن عیسی اشعری قمی، ابان بن عثمان احمر و جعفر بن بشیر از او نقل روایت مستقیم دارند و چون قدحی هم نرسیده پس ثقة می شود.^۴

فضیل بن یسار می گوید: از امام باقر علیه السلام درباره‌ی این اشیائی که مردم با آن بازی می کنند، مانند نرد و شطرنج که تا سُدْر شمردم، سؤال کردم. حضرت فرمودند: هنگامی که خداوند حق را از باطل جدا کند، این‌ها با کدام دسته‌اند؟ گفتم با دسته‌ی باطل. حضرت فرمودند: تو را چه و باطل!

آن چه به نظر می رسد استعمال باطل در این جا دلالت بر حرمت تکلیفی می کند به قرینه سیاق که در کنار واژه حق آمده است.

۱ گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۲، ص ۱۱ و ج ۵ ص ۳۰۶.

۲ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجارة، أبواب ما یکتسب به، باب ۱۰۴، ح ۳، ص ۳۲۴؛ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۳۶.

۳ خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۲۴۴.

۴ مظاهری، الثقات الاخیار من رواه الاخبار، ص ۲۳۱.

جمع بندی اخبار

اخباری که ذکر شد دالّ بر حرمت لعب به آلات قمار با رهن است، اما در حدّی نیست که بتوانیم بگوییم تواتر دارد. بله در خصوص بعضی آلات مانند شطرنج، اخبار متواتر است. ولی به عنوان یک قاعده‌ی کلی تواتری در روایات وجود ندارد مگر این که کسی بتواند از روایات نرد و شطرنج الغاء خصوصیت بکند و ذکر این موارد را در روایات از باب مثال بداند. در این صورت می‌توان ادعای تواتر اخبار بر حرمت لعب به آلات قمار همراه با رهن کرد. البته نیازی به اثبات تواتر نیست؛ چون با همین روایات حرمت آن تکلیفاً و وضعاً ثابت می‌شود و جای مناقشه نیست. علاوه آن که آیه‌ی شریفه‌ی «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ»^۱ هم دالّ بر حرمت وضعی اکثر آنها است.

۱ نساء، آیه ۲۹.

بخش دوم: تقریبات دلیل عقلی

منبعی که عملاً هیچ فقیهی نمی تواند با آن مخالفت کند، عقل است. منبع بودن عقل دست کم برای استنباط برخی احکام را شیعه و سنی، اخباری و اصولی، پذیرفته اند.^۱ البته در مورد محدوده کارایی آن و ملازمه آن با حکم شرع تفاوت هایی وجود دارد.

شیعه معتقد است حسن و قبح به معنای «برخورداری افعال از جهتی که سبب ستایش و ثواب یا نکوهش و کیفر فاعل آن می شود» واقعیت دارد و به وسیله عقل درک می شود. اما سخن بر این است که صرف درک کننده ی حسن و قبح است یا علاوه بر آن باید و نباید «حکم» هم دارد؟

در برابر این پرسش دو پاسخ ارائه شده است:

الف: عقل شانی جز درک ندارد،^۲ و گاه به سبب تسامحی که عرف می پذیرد درکش را حکم عقل می خوانند.

طرفداران این نظریه چنان استدلال می کنند که حکومت، شان ولایت داران است و عقل بر صاحبانش ولایت ندارد.^۳ افزون بر این، اگر عقل را از شانیت امر و نهی برخوردار بدانیم، تشریح را شأن آن دانسته و شاری در برابر شارع قرار داده ایم، و این با توحید در تشریح سازگار نیست.^۴ برخی از طرفداران این نظریه می افزایند: آنچه را می توان کار عقل به شمار آورد، درک مناط احکام «حسن و قبح» است. بنابراین، کار عقل عملی چون نظری درک و کشف است نه حکم و فرمان.^۵

۱ محقق حلی، المعتمد، ص ۵. غزالی، المستصفی، ج ۱، ص ۱۰۰. استرآبادی، الفوائد المدنیه، ص ۲۰۱ (بحث وجوب یادگیری احکام).

۲ خویی، اجود التقريرات (تقریرات درس خارج مرحوم نائینی)، ج ۴، ص ۱۱۶. بهسودی، مصباح الاصول (تقریرات درس خارج مرحوم خویی)، ج ۲، ص ۲۶. حکیم، متقی الاصول، ج ۴، ص ۴۳۸.

۳ بهسودی، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۶.

۴ خویی، اجود التقريرات، ج ۴، ص ۱۱۶.

۵ حکیم، الاصول العامه للفقہ المقارن، ص ۲۸۱.

ب: عقل حاکم است و حکم می راند.

طبق این مبنا حکم عقل، حکم قوه عاقله به معنای فلسفی اش نیست بلکه منظور حکمی است که عقل به طور جزم و یقین، بدون استناد به قرآن و سنت صادر می کند.^۱ هرگاه در انجام دادن کاری مصلحت قطعی حتمی دید، می توان با استفاده از این دید عقلی، آن کار را واجب شرعی دانست. همچنین اگر عقل، انجام دادن فعلی را دارای مفسده دید و درک آن قطع وجود داشت، می توان با استناد به آن حرمت شرعی آن فعل را نتیجه گرفت.

این نوشتار در صدد نقد و بررسی این دو دیدگاه نیست،^۲ لکن تقریبات دلیل عقل که در اینجا آمده بر اساس مبنای دوم صحیح می باشد. همچنین باید قاعده ملازمه «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» را مفروض دانست.^۳

قاعده ملازمه ثابت می کند هرگاه عقل وجود مصلحتی حتمی و تام در پدید آوردن عملی را کشف کند، لزوم انجام دادن آن را دریابد و فاعلش را مستحق ستایش و ثواب ببیند، شرع مقدس نیز به وجوب آن عمل حکم می دهد. مراد از حکم، در (حکم به العقل) هنگامی که در مستقلات عقلیه به کار می رود، حکم عقل بدون لحاظ حکم شرع است نه حکمی که در طول حکم شرعی است و پس از ملاحظه آن از عقل صادر می شود. به عبارت دیگر، وقتی عقل انجام دادن یا ترک عملی را لازم دید، به مقتضای قاعده ملازمه کشف می شود شرع نیز این عمل را واجب یا حرام ساخته است. در این جا درک و حکم عقل، در طول حکم شرعی نیست و بدون ملاحظه حکم شرع، مناط را درک و بر اساس آن حکم می کند.

اما گاه درک و حکم عقل پس از حکم شرع است، برای مثال شارع مقدس می فرماید: «نماز را به پا دارید». عقل نیز به اطاعت از شارع حکم می کند. در این جا حکم عقل در طول حکم شرع و با لحاظ آن تحقق یافته است. منظور از حکم عقل در قاعده ملازمه، حکم اول عقل است

۱ هاشمی شاهرودی، بحوث فی علم الاصول (تقریرات درس خارج شهید صدر)، ج ۴، ص ۱۱۹.

۲ برای مطالعه بیشتر می توان به کتاب فقه و عقل اثر ابوالقاسم علیدوست مراجعه کرد.

۳ سبزواری، تهذیب الاصول، ج ۲، ص ۴۱.

نه دوم. حکم دوم عقل هرگز حکم شرعی با خود ندارد. این عبارت از مرحوم نایینی و برخی شاگردان ایشان معروف است که قانون ملازمه در سلسله علل احکام جاری است نه در سلسله معالیل.^۱ یعنی اگر عقل علت حکم (مصلحت و مفسده) را درک کرد، قانون ملازمه جاری می شود و چنان چه عقل بعد از بیان حکم شرعی - که سلسله معالیل احکام است - حکمی کرد، مانند وجوب اطاعت و حرمت معصیت، قانون مذکور جاری نیست.

منظور از حکم در (حکم به الشرع) حکم به وجوب یا حرمت مولوی است نه ارشادی.^۲

استفاده از حکم عقل به صورت مستقل در بحث حرمت احتکار توسط مرحوم صاحب جواهر و امام خمینی ره تا به حال استفاده شده است.^۳ این شاهدی است که در موارد دیگر فقه نیز می توان استفاده نمود البته در صورتی که مبانی ذکر شده قبلی لحاظ گردد.

این نکته ضروری به نظر می رسد که گاهی فقیهی وجهی را موافق درک و حکم عقل می یابد، آن را حجت می داند و طبق آن به مقلدینش می گوید عمل کنند، در حالی که فقیه دیگر چنین نظری ندارد. این مشکل به دلیل عقل اختصاص ندارد و در سایر ادله چون قرآن و سنت نیز مشاهده می شود. بنابراین ممکن است آنچه را فقیهی وجه ظنی و موهوم می شمارد، فقیه دیگر مقتضای حکم عقل بداند و طبق آن فتوا دهد، برای مثال مرحوم سید مرتضی جهت اثبات تطهیر توسط مایعاتی جز آب می فرماید: عمل به دلیل عقل، از اصول پذیرفته شده ما است؛ البته تا وقتی از نقل دلیلی بر خلاف آن نرسیده باشد. چون در ادله نقلی دلیلی که به منع یا عدم استعمال مایعات در ازاله نجاست پرداخته باشد، نداریم. لذا در ازاله نجاست، میان آب و سرکه فرقی نیست و حتی سرکه اثر بیشتر دارد. پس طبق عقل حکم می کنیم و ازاله نجاست را در آب منحصر نمی بینیم.^۴

۱ بهسودی، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۶. هاشمی شاهرودی، بحوث فی علم الاصول، ج ۴، ص ۱۲۰.

۲ عراقی، نهاییه الافکار، ج ۱، ص ۳۵۱. خراسانی، کفایه الاصول، ج ۱، ص ۲۰۰.

۳ نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۸۱. خمینی، کتاب البیع، ج ۳، ص ۴۱۴.

۴ به نقل از بحرانی، الحدائق الناظره، ج ۱، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.

واضح است این وجه که نزد سید مرتضی وجه عقلی شمرده می شود، نزد دیگران چیزی جز استحسان غیر قابل اعتماد نیست. جالب این که گاه فقیهی، در مساله ای خاص، وجهی را استحسان محض می داند و از آن در استنباط حکم بهره نمی برد؛ اما در مساله ای دیگر به همان وجه-هر چند با تغییر نام- اعتماد می کند و بر اساس آن فتوا می دهد؛ برای مثال مرحوم خوئی در موارد متعدد به اعتماد بر قضیه (الفرع لا یزید علی اصله، هیچ فرعی زاید بر اصل خویش نیست.) خرده می گیرد و آن را قابل استدلال برای استنباط حکم نمی بیند،^۱ ولی گاه به همین قضیه - البته با تعبیر اولویت قطعیه^۲ - تمسک می جوید و بر اساس آن فتوا می دهد.^۳ لذا ممکن است مطالبی که در این نوشتار به عنوان تقریب دلیل عقل تقدیم می شود نزد شخصی استحسان و توهم فرض شود لکن ادله نزد نگارنده اطمینان آور است.

علاوه بر آیات و روایات و اجماع که دلالت بر حرمت بخت آزمایی و قمار می کنند، دلیل عقل به طور انفراد دلالت بر حرمت بخت آزمایی و قمار می کند. بخت آزمایی و قمار به طور کلی مخالف با نظام اجتماعی است زیرا برای بازی کننده آن درآمدی را نشان می دهد که گرچه محتمل است ولی بدون زحمت و مشقت می باشد و احتمال درآمد بدون زحمت، انسان را از کار باز داشته و به طرف بخت آزمایی و قمار سوق می دهد و چون اساس اجتماع در کار کردن مردم است لذا اگر بخت آزمایی و قمار تجویز می شد از نظر عقل مخل نظام اجتماعی می بود. به همین جهت است که تقریباً تمام ادیان آن را نهی کرده اند. باید گفت عقل سلیم هر انسانی با در نظر گرفتن آثار و مفساد و تبعات هر امری آن را تحریم کرده و از آن اجتناب می کند مواردی که عقل انسان با در نظر گرفتن جوانب و مضرات آنها، حکم به اجتناب آنها می کند بسیار است که شراب و قمار و غیره از این موارد می باشد.

مرحوم سید عبدالاعلی موسوی سبزواری، در مورد دلیل و حکم عقل می گوید:

۱ غروی تبریزی، التنقیح، ج ۲، ص ۴۳۰ و ۴۵۳.

۲ نجفی، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۲۱۱.

۳ غروی تبریزی، التنقیح، ج ۳، ص ۴۱ و ۴۷.

«يَحْرَمُ الْقِمَارَ لِلدَّلَالَةِ الثَّلَاثَةِ بِلِ الْأَرْبَعَةِ فَمِنْ الْكِتَابِ ... وَ مِنَ الْعَقْلِ أَنَّهُ مَنشَأُ لِلْفَسَادِ وَ الْإِفْسَادِ وَ تَضْيِيعِ الْمَالِ وَ الْعَمْرِ» قمار به جهت ادله سه گانه بلکه چهارگانه حرام است ... از دلیل عقلی، این است که قمار زیر بنای فساد و فاسد کردن و از بین بردن مال و عمر آدمی است.^۱

در رابطه با مفاسد بی‌شمار رواج قمار^۲، دانشمندان سخنان بسیاری گفته‌اند که به گوشه‌ای از آنها اشاره می‌شود تا حکمت یا شاید هم علت نامشروع به شمار آمدن آن در قوانین اسلام تا حدی روشن گردد. با دقت در آن آثار، و عواقب شوم آن، هر عاقلی حکم به نامشروع و غیر قانونی بودن آن خواهد کرد. زیانهای ناشی از قمار در حدی است که بسیاری از کشورهای غیر اسلامی نیز آن را قانوناً ممنوع اعلام کرده‌اند (اگر چه عملاً به طور وسیع آن را انجام می‌دهند).

مثلاً انگلستان در سال ۱۸۵۳ و آمریکا در سال ۱۸۵۵ و شوروی در سال ۱۸۵۴ و آلمان در سال ۱۸۷۳ قمار را ممنوع اعلام کردند.

جرج واشنگتن در مورد قمار یک بررسی تحلیلی انجام داد و به نتایج بسیار دقیقی دست یافت: قمار، مایه ویرانی بسیاری از خانواده‌های آبرومند و محترم و سبب از دست دادن شرف و حیثیت، و علت خودکشی است. قمار باز برنده همچنان به بُرد ادامه می‌دهد تا گرفتار شکست شود.^۳

۱ سبزواری، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، ج ۱۶، ص ۱۳۹.

۲ آثاری که بر می‌شماریم، آثار قانونی کردن و حلّیت قمار است که منجر به رواج آن در جامعه می‌شود. شاید اگر یک نفر فقط یک بار در طول عمرش با دوستش قمار کند این آثار بار نشود ولی در هنگام وضع قانون این موارد هم مشمول حکم می‌شوند. در رابطه با خمر ادله‌ی حرمت می‌گویند: لانه مسکر یعنی علت حرمت را مسکریت قرار داده‌اند ولی اگر کسی حتی یک قطره شراب بنوشد فعلش حرام مولوی است درحالی که یک قطره مسکریت نمی‌آورد. در اینجا می‌گویند شارع برای اینکه خمر را از جامعه ریشه کن کند به طوری که حتی مکلفین نزدیک آن هم نشوند، شرب یک قطره را نیز حرام کرده است. در رابطه با قمار هم قضیه از همین قرار است. شاید یک بار قمار با دوست خود این آثار را نداشته باشد ولی در مقام تقنین حتی این موارد هم ممنوع می‌شوند.

۳ Gambling had role in religious history, By Rich Barlow , p441

گفتار اول: رابطه بخت آزمایی با جنایات

یکی از بزرگترین مؤسسات آمارگیری جهانی ثابت کرده است که: «سی در صد جنایات با بخت آزمایی رابطه مستقیم دارد و از عوامل به وجود آمدن هفتاد در صد جنایات دیگر نیز به شمار می‌رود».^۱

بیش از ۶۰ درصد از قماربازان برای برآوردن نیازهای خود مرتکب جرم می‌شوند. این می‌تواند شامل جعل چک، دزدیدن کارت های اعتباری، تقلب در بیمه، دزدی، اختلاس، ایجاد حریق عمدی و یا حتی سرقت مسلحانه باشد.^۲ بعضی از محققان، آماری را تهیه کرده‌اند که ذکر آن بی‌فایده نیست و آن اینکه: جیب بری نود درصد، فساد اخلاق ده درصد، ضرب و جرح چهل درصد، جرائم جنسی پانزده درصد، طلاق سی درصد و خودکشی پنج درصد معلول قمار است.^۳ تا آن جا که قمار را با آثار شوم آن، تعریف کرده‌اند و آن اینکه: قمار یعنی قربانی کردن مال و شرف، برای به دست آوردن مال غیر به عنوان تفریح.^۴

باید گفت که در هر قماری حتماً بذر کینه و دشمنی نهاده خواهد شد؛ زیرا در این مبارزه لغو و بیهوده حتماً یک طرف بازنده خواهد شد و شکی نیست که کینه و بغض حریف را به دل خواهد گرفت؛ چون می‌بیند مالی را که به زحمت اندوخته و سخت مورد علاقه‌اش بوده به راحتی از دست داده است و اگر هم در آن مجلس نتواند تلافی کند تا آخر عمر کینه‌اش را به دل می‌گیرد و همیشه در مقام تلافی کردن است. اگر ببازد، هیجان عصبی بر او مستولی شده و حس انتقام‌جوئی و درنده‌خوئی او به حرکت آمده، برای به دست آوردن مال رفته، باز خود را به مجلس قمار می‌رساند. گاه اتفاق افتاده که در چند مجلس تمام هستی خود را از دست داده و چون از تلافی کردن عاجز شده، یا حریف را کشته یا خود را از بین برده است. شهید دستغیب در این زمینه

^۱ Legal Regulation of Gambling since 1950m By G. Robert Blakey, v1, p474

^۲ Criminal Law By John M Scheb, p298.2011

^۳ Criminal Law By John M Scheb, p 310

^۴ William J. Miller and Martin D. Schwartz, Casino Gambling and Street Crime, 556 Annals supra note 6 at 133-4.1998

می‌گوید: در یکی از شهرستان‌ها مرد قماربازی که پهلوی حریف خود را با سه ضربه چاقو، چاک نموده و وی را بقتل رسانده بود، ضمن باز پرسى گفته بود: مقتول در قمار خیلی پول از من برد و حاضر به بازی مجدد نشد و هرچه به او گفتم، بازی را ادامه نداد و فرار کرد، من هم او را تعقیب کردم و سپس کشتم.^۱

گفتار دوم: ضرر اقتصادی در فرد و نظام اقتصادی جامعه

در طول سال، میلیون‌ها بلکه میلیاردها از ثروت مردم جهان در این راه از بین می‌رود، گذشته از ساعات زیادی که از نیروی انسانی در این راه تلف می‌شود و حتی نشاط کار مداوم را در ساعات دیگر سلب می‌کند؛ به عنوان مثال در گزارشها آمده است: در شهر «مونت کارلو» که یکی از مراکز معروف قمار در دنیا است، یک نفر در مدت نوزده ساعت قمار بازی، چند هزار دلار ثروت خود را از دست داد، وقتی درهای قمار خانه بسته شد، یک‌راست به جنگل رفته و با یک گلوله مغز خویش را متلاشی کرد. جنگلهای «مونت کارلو» بارها شاهد خودکشی قماربازها بوده است. با اینکه وضعیت مالی قماربازها بالا و پایین می‌رود اما باید انتظار این خسارت های مالی را داشته باشند:

بالا رفتن بدهی ها،^۲ قرض گرفتن مداوم از دوستان و خانواده، فروختن لوازم باارزش خود و خانواده، چک های برگشتی، فروش خانه و ورشکستگی^۳ از طبیعی ترین آثاری است که یک قمار باز دیر یا زود به آن مبتلا می‌شود.^۴

۱ دستغیب، گناهان کبیره، ج ۱، ص ۲۴۹.

۲ National Research Council, "Pathological Gambling: A Critical Review," at 5-18.1999

Criminal Law By John M Scheb, p481

۳ Roll the Bones: The history of Gambling By David G. Schwartz, p 192.2013

۴ Criminal Law By John M Scheb, p218

خسارات شغلی

افرادی که به قمار اعتیاد دارند نمی‌توانند کارشان را به خوبی انجام دهند. این افراد معمولاً به طور متوسط ۵ ساعت در ماه دیر سرکار حاضر می‌شوند. ۱۴ درصد از این افراد برای قمار کردن از یک روز کاری شانه خالی می‌کنند. کارایی این افراد در محل کار معمولاً پایین تر است چون معمولاً مشغول خیال پردازی درمورد قمار هستند و یا از اینترنت برای اینکار استفاده می‌کنند. معمولاً بیشتر از کارفرما طلب مساعده می‌کنند، از همکاران پول قرض می‌کنند، از کار دزدی می‌کنند و دست به اختلاس می‌زنند. تقریباً ۳۶ درصد از این افراد به خاطر اعتیاد خود کارشان را از دست می‌دهند.^۱

جدول آماری ذیل که توسط دانشگاه شیکاگو منتشر شده است به بررسی تاثیرات اقتصادی قماربازان پرداخته است. این جدول به مقایسه بین افرادی که اصلاً قمار نمی‌کنند و افرادی که در مراتب مختلف قمار می‌کنند از حیث پرداخت مالی دولت به آنها در زمان بی‌کاری، دریافت کمک های رفاهی از دولت، درآمد خانواده، بدهی خانواده و ورشکستگی پرداخته است.^۲

جدول شماره ۲:

رفتار های یک قمار باز در طول زندگی					ویژگی ها
معتاد به قمار	قمار باز حرفه ای	قمار باز معمولی	قمار باز تازه کار	غیر قمار باز	
۱۵,۰	۱۰,۹	۱۰,۹	۴,۰	۴,۶	دریافت بیمه بیکاری در ۱۲ ماه گذشته

^۱ National Research Council, "Pathological Gambling: A Critical Review," (April 1, 1999).

^۲ Source: National Opinion Research Center at the University of Chicago, Gemini Research, and The Lewin Group. Gambling Impact and Behavior Study. Report to the National Gambling Impact Study Commission.

۴,۶	۷,۳	۲,۷	۱,۳	۱,۹	دریافت بیمه اجتماعی در ۱۲ ماه گذشته
\$ ۴۰,۰۰۰	\$ ۴۵,۰۰۰	\$ ۴۸,۰۰۰	\$ ۴۷,۰۰۰	\$ ۳۶,۰۰۰	درآمد خانواده در ۱۲ ماه گذشته
\$ ۴۸,۰۰۰	\$ ۱۴,۰۰۰	\$ ۳۷,۰۰۰	\$ ۳۸,۰۰۰	\$ ۲۲,۰۰۰	قروض خانواده
۱۹,۲	۱۰,۳	۴,۷	۵,۵	۴,۲	ورشکستگی مالی

گفتار سوم: ضررهای اجتماعی بخت آزمایی

بسیاری از افراد به علت اینکه گاهی برنده می‌شوند و هزارها تومان سرمایه دیگران را به جیب خود می‌ریزند، حاضر نمی‌شوند تن به کارهای تولیدی و اقتصادی بدهند، در نتیجه به همان نسبت چرخهای تولیدی و اقتصادی لنگ می‌شود. اگر درست دقت کنیم می‌بینیم که تمام قماربازها و عائله آنها سر بار اجتماع بوده و بدون اینکه سودی به جامعه برسانند، از دسترنج آنها استفاده می‌کنند. فردی که به قمار اعتیاد دارد زمان بیشتری را صرف قمار کردن یا فکر کردن در مورد آن می‌کند و حفظ یک زندگی خانوادگی عادی برای او دشوار می‌شود. خانواده مدام در مورد مسائل مالی بحث و مشاجره می‌کنند.^۱

این افراد از فعالیت های خانوادگی مثل غذاخوردن در کنار خانواده، شرکت در جشن تولدها و سایر مناسبات مهم دور می‌مانند. خیلی وقت‌ها بچه های این افراد زمانی که والدینشان به قمار می‌گذرانند را تنها می‌مانند.

احتمال سوءاستفاده این افراد از همسر و فرزندانشان بسیار بیشتر است: چه سوءاستفاده کلامی، فکری و چه فیزیکی.^۲ افرادی که به قمار اعتیاد دارند معمولاً رفتارهایی خشونت آمیز با همسران خود دارند. فرزندان این افراد نمره های کمتری در مدرسه می‌گیرند، بیشتر به سمت موادمخدر گرایش پیدا می‌کنند و احتمال اقدام آنها به خودکشی نیز بالاتر است. بیش از نیمی از

^۱Gambling had role in religious history, By Rich Barlow , p441

^۲By John M Scheb, p298 Criminal Law

فرزندان این افراد هم در آینده به سمت قمار کشیده می‌شوند. احتمال طلاق گرفتن این افراد شش برابر بیشتر از افراد عادی است.^۱

گفتار چهارم: بخت آزمایی بزرگترین عامل هیجان

کلیه روانشناسان و دانشمندان پیسکولوژی^۲، معتقدند که هیجانات روانی عامل اصلی پیدایش بسیاری از بیماریهاست؛ مثلاً: کم شدن ویتامینها، زخم معده، جنون و دیوانگی، بیماریهای عصبی و روانی به صورت حاد و خفیف و مانند اینها، در بسیاری از موارد ناشی از هیجان می‌باشند.^۳ و «قمار و بخت آزمایی» بزرگترین عامل پیدایش هیجان است تا آنجا که یکی از دانشمندان آمریکا می‌گوید:

«در هر سال در ایالات متحده دو هزار نفر فقط در اثر هیجان آن می‌میرند و به طور متوسط قلب یک «پوکر باز» (یک نوع بازی قمار) متجاوز از صد بار در دقیقه می‌زند. گاهی سکتة قلبی و مغزی نیز ایجاد می‌کند و قطعاً عامل پیری زودرس خواهد بود».^۴

^۱Legal Regulation of Gambling since 1950m By G. Robert Blakey, v1, p474

^۲ روانشناسی بررسی کیفیات روحی و کارکرد ذهن.

^۳ E.M. Christiansen, "An Overview of Gambling in the United States," testimony before the National Gambling Impact Study.p7.1999

^۴ همان.

به علاوه، به گفته دانشمندان، شخصی که در کازینو^۱ مشغول بازی قمار و بخت آزمایی است، نه تنها روح وی دستخوش تشنج است، بلکه تمام جهازات بدن او نیز در یک حالت فوق العاده بسر می‌برند؛ یعنی ضربان قلب بیشتر می‌شود، مواد قندی در خون او می‌ریزد، در ترشحات غدد داخلی اختلال حاصل می‌شود، رنگ صورت می‌پرد و دچار بی‌اشتهایی می‌شود و پس از پایان قمار، به دنبال یک جنگ اعصاب و حالت بحرانی به خواب می‌رود و غالباً برای تسکین اعصاب و ایجاد آرامش در بدن، به الکل و سایر مواد مخدر متوسل می‌شود.

و دانشمند دیگری می‌گوید: «قمار باز، انسانی مریض است که دائماً احتیاج به مراقبت روانی دارد، تنها باید سعی کرد به او فهماند که یک خلأ روانی، وی را به سوی این عمل ناهنجار سوق می‌دهد، تا در صدد معالجه خویش برآید».

اینها گوشه‌ای از زیانهای از زیانهای است که از ناحیه قمار مستقیماً بر جسم و جان انسان وارد می‌شود و ما نیز، افراد قمار بازی که همه هستی خود را در بازی قمار از دست داده‌اند در چنین حالت دیده‌ایم.

۱ قمارخانه یا کازینو محلی برای انجام انواع بازی‌ها و قمار کردن بر سر آنهاست. کازینوها ابتدا در آمریکا به سالن شهرت داشتند و توسعه و شکل‌گیری انواع این سالنها به چهار شهر مهم مربوط می‌شده است: نیو اورلئان، سنت لوئیس، شیکاگو و سانفرانسیسکو. در این سالن‌ها مردم می‌توانستند اشخاصی را ببینند که با آنها قمار کنند. راه اندازی کازینو برای اولین بار در سال ۱۹۳۱ در ایالت نوادا - لاس وگاس قانونی اعلام شد. بعد از آن در سال ۱۹۷۸ ایالت نیوجرسی، شهر آتلانتیک نیز به صنعت قمار آمریکا اضافه شد. در اغلب کازینوها بازی‌هایی با دستگاهی به نام اسلات ماشین یا بازی‌های بر اساس شانس دیگری مثل: رولت ترفند با کارت وجود دارد. بازی‌های دیگری که بر اساس ترفندها و توانایی‌های ذهنی انجام می‌شوند نیز موجود هستند: پوکر و ۲۱. اما تمام این بازی‌ها مبتنی بر قواعد و اساس قوانین احتمالات ساختاری هستند که موجب می‌شود صاحب کازینو در تمام زمان برنده کلی باشد. با استفاده از اینگونه قوانین معمولاً قمارخانه‌ها فرمولی برای محاسبه امتیاز بازیکنان در قمارخانه دارند. هر چه زمان بیشتری و پول بیشتری در قمارخانه صرف کنند، در اصطلاح امتیاز بیشتری کسب می‌کنند و می‌توانند از این امتیازات برای دریافت نوشیدنی و یا اقامت رایگان در هتل قمارخانه و ... بهره ببرند. در سال ۲۰۱۲ میلادی، درآمد قمارخانه‌های ماکائو مبلغی بالغ بر ۳۸ میلیارد دلار در مقایسه با قمارخانه‌های لاس وگاس با تنها ۶ میلیارد دلار بود.

انجمن روانپزشکی امریکا اعتیاد به قمار را اختلال روانی مربوط به کنترل انگیزش تشخیص می‌دهد. معتادانی که تحت درمان قرار نگرفته‌اند، معمولاً نمی‌توانند درمقابل انجام برخی اعمال، حتی اگر آن اعمال برایشان مضر باشد، مقاومت کنند.

این بیماری پیش رونده است. قمار معمولاً اول به شکل یک فعالیت تفریحی شروع می‌شود اما با گذشت زمان افراد کنترل خود را در برابر انگیزش‌های خود از دست می‌دهند و زمان بسیار بیشتری را صرف این عادت می‌کنند، حتی وقتی باخت‌هایشان بیشتر و بیشتر شود. سرانجام، قمار همه زندگی آنها را از بین می‌برد و دیگر قادر نخواهند بود بدون آن زندگی کنند.^۱

تقریباً ۸۰ درصد از افرادی که به قمار اعتیاد دارند به طرز جدی به خودکشی فکر می‌کنند و ۱۵ درصد آنها به آن اقدام می‌ورزند.^۲

جدول آماری صفحه مقابل که توسط دانشگاه شیکاگو^۳ منتشر شده است به مقایسه بین شهروندانی که اصلاً قمار نمی‌کنند و آنها که در مراتب مختلف قمار می‌کنند پرداخته است. این مقایسه از حیث سلامت جسمی و روحی، مقدار مصرف مواد مخدر، دستگیری توسط پلیس، استحکام بنیان خانواده، ورشکستگی مالی و... می‌باشد.^۴

^۱ Legal Regulation of Gambling since 1950m By G. Robert Blakey, v1, p474

^۲ همان

^۳ www.uchicago.edu

^۴ Source: National Opinion Research Center at the University of Chicago, Gemini Research, and The Lewin Group. Gambling Impact and Behavior Study. Report to the National Gambling Impact Study Commission. April 1, 1999. Table 9, p. 29

جدول شماره ۳:

معتاد به قمار		قمار باز حرفه ای		قمار باز معمولی		قمار باز تازه کار		غیر قمارباز		مشکل
سال گذشته	در طول زندگی	سال گذشته	در طول زندگی	سال گذشته	در طول زندگی	سال گذشته	در طول زندگی	سال گذشته	در طول زندگی	
۲۹,۶	۳۱,۱	۲۲,۶	۱۶,۳	۱۳,۲	۱۵,۷	۱۲,۳	۱۴,۰	۲۱,۰	۲۲,۸	سلامت جسمی
۶۶,۵	۴۱,۹	۲۴,۲	۴۲,۳	۲۸,۵	۲۶,۵	۱۷,۱	۱۵,۹	۱۴,۶	۱۰,۷	اختلالات روانی
۱۲,۹	۱۳,۳	۵,۴	۱۲,۸	۱۰,۱	۶,۴	۶,۳	۶,۸	۶,۹	۵,۱	سلامت روحی
۶۵,۶	۵۳,۱	۱۰,۵	۱۵,۸	۶,۸	۰,۸	۰,۳	۰,۱	۰,۵	منفی	مشاخره خانوادگی بر سر قمار
۲۰,۰	۲۹,۱	۵,۲	۱۶,۹	۱۷,۴	۸,۶	۱,۰	منفی	۰,۱	منفی	افسردگی
۴۰,۱	۳۲,۵	۱۳,۴	۱۶,۸	۱۷,۶	۱۱,۳	۱,۶	منفی	۰,۷	منفی	علائم اضطراب
۲۰,۰	۹,۹	۱۳,۹	۱۲,۴	۱۳,۳	۵,۶	۱,۸	۱,۳	۰,۹	۱,۱	اعتیاد به الکل یا مواد مخدر
۱۳,۹	۸,۱	۱۶,۱	۱۶,۸	۱۳,۵	۹,۲	۵,۱	۴,۲	۲,۴	۲,۰	مصرف دارو+۵ در هفته
۲۵,۰	۱۳,۸	۰,۰	۱۰,۸	۲,۱	۵,۵	۳,۶	۳,۹	۴,۸	۲,۶	از دست دادن شغل
۱۰,۷	۱۹,۲	۱۳,۸	۱۰,۳	۱۰,۹	۴,۶	۶,۴	۵,۵	۳,۳	۳,۹	ورشکستگی مالی
۲۶,۴	۳۲,۳	۲۵,۰	۳۶,۳	۲۵,۷	۲۱,۱	۱۱,۹	۱۰,۰	۷,۰	۴,۰	دستگیری توسط پلیس
—	۲۱,۴	—	۱۰,۴	—	۷,۸	—	۳,۷	—	۰,۴	محکومیت کیفری

آن چه به نظر می‌رسد، یکی از اصلی‌ترین ادله حرمت قمار و بخت‌آزمایی که کمتر مورد توجه فقهاء قرار گرفته است حکم عقل می‌باشد. زمانیکه عقل آثار و تبعات منفی قمار را در نظر می‌گیرد، مستقلاً و بدون لحاظ منابع دیگر حکم به قبیح بودن عمل قمار می‌کند. با توجه به لبی بودن دلیل عقل، اهمیت آن در مواردی که عرفاً تعریف قمار صدق نمی‌کند اما همچنان آثار منفی قمار در آن وجود دارد، بیشتر روشن می‌شود. برای مثال ممکن است دو نفر به صورت شرط ضمن عقد اقدام به عملی کاملاً مشابه با قمار بکنند. چنین فعلی مشمول ادله شرعی حرمت نمی‌شود لذا نمی‌توان حکم به حرمت و ممنوعیت آن داد ولی اگر مفاسدی که گذشت کماکان در آن موجود باشد، عقل حکم به حرمت خواهد کرد. عواقب منفی این پدیده اجتماعی که توسط اندیشمندان و مراکز علمی معتبر جهانی صورت گرفته اند به طور کلی در سه حوزه روانشناختی، اقتصادی و جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. پس از در نظر گرفتن آثار مذکور برای هر اهل دقتی اطمینان بلکه قطع حاصل می‌شود که چنین پدیده قبیح می‌باشد. البته ادله مذکور دلالت بر ممنوعیت و حرمت رواج و شیوع قمار می‌کنند و الا اگر دو نفر به صورت کاملاً دوستانه بر سر مال کم ارزشی قمار و بخت‌آزمایی کنند ادله‌ی مذکور دلالت بر حرمت چنین عملی نمی‌کنند هرچند که از لحاظ فقهی این هم از مصادیق قمار حرام می‌باشد.

فصل سوم:
مصادیق جدید بخت آزمایی و
حیل شرعی آن

بخش اول: مصادیق جدید بخت آزمایی

امروز جامعه اسلامی در برنامه هایی شرکت می کند که احتمال می رود از مصادیق بخت آزمایی باشد لذا با توجه به ملاکی که در بخش های قبل به دست آمده است می توان پدیده های نوظهور را تحلیل فقهی نمود و به حکم آن پی برد.

گفتار اول: بخت آزمایی های اینترنتی

همان طور که امروزه بسیاری از مشاغل به صورت اینترنتی و فضای مجازی در آمده است. کازینوها (قمارخانه ها) و فروش بلیت بخت آزمایی هم به این شکل در آمده است. سایت های بزرگی هستند که در سراسر جهان و برای هر شخص در هر ملیتی بلیت می فروشند و یک کد اینترنتی به او می دهند. امروزه بعضی از کشورها مثل آمریکا از فرصت استفاده کرده و به بهانه دادن گرین کارت به مهاجرین از این روش برای جذب سرمایه از سرتاسر جهان استفاده می کند. دولت آمریکا هر ساله از طریق قرعه کشی به ۵۵,۰۰۰ نفر از سرتاسر جهان گرین کارت اعطا میکند. هر ساله لیستی از کشورهایی که اتباعشان مجاز به شرکت در لاتاری هستند از سوی اداره مهاجرت آمریکا اعلام میشوند. کشور ما ایران نیز تا به امسال جزو کشورهای مجاز بوده است. معیار اینکه اتباع چه کشورهایی میتوانند در لاتاری شرکت کنند و چه کشورهایی نمیتوانند، بستگی به تعداد مهاجران آن کشور در ایالات متحده دارد. برای مثال اتباع کشورهای چین، کانادا، هندوستان، فیلیپین، برزیل و چند کشور دیگر اجازه شرکت در این قرعه کشی را ندارند، چرا که با توجه به اینکه آمریکا یک کشور مهاجر پذیر است، تعداد بسیار زیادی از اتباع این کشورها هر ساله از طرق دیگر به آمریکا مهاجرت میکنند. به واقع این لاتاری فرصتی برای کشورهایی است که هر ساله مهاجر کمتری به این کشور گسیل میدارند، تا از این طریق بتوانند موازنه ای بین نژاد و جمعیت مهاجران بوجود آورند. به همین دلیل این برنامه قرعه کشی ویزای گونه ای^۱ نام گرفته است. زمان ثبت نام برای لاتاری آمریکا معمولاً از اواسط یا اوایل ماه مهر تا اوایل یا اواسط ماه

^۱Diversity Visa Lottery

آبان در سایت رسمی کنتاکی کونسولار امریکا^۱ انجام می‌گردد.^۲ ذکر پیش بینی مسابقات فوتبال هم که متاسفانه بسیار بر روی گوشی های موبایل تبلیغ می‌شود و حتی سایت های مستقلی نسبت به پیش بینی مسابقات ورزشی وجود دارد نیز به همین شکل است. همان گونه که در قبل، ماهیت بخت آزمایی بررسی شد و دو عنصر لعب و رهان نقش اصلی را در آن داشتند لذا در اقسامی که ذکر شد به دلیل لعب و رهان حرمت تکلیفی و وضعی ثابت است. این نکته باید ذکر شود که اگر هزینه ای از شرکت کننده گرفته نشود و به تعبیری رهان نباشد و شخص حقیقی یا حقوقی (مثل شرکت های تولیدی و ...) برای اهدافی نظیر تبلیغ و مشهور شدن هزینه جوایز را بر عهده بگیرند هیچ اشکال شرعی را در بر نخواهد داشت.

گفتار دوم: سیستم های خدمات ارزش افزوده

خدمات ارزش افزوده تلفن همراه^۳ که به اختصار به آن VAS گفته می‌شود، از جدیدترین پارامترهای نوین صنعت مخابرات می‌باشد. در واقع سرویس ارزش افزوده نوعی خدمات پیامکی است که با ایجاد بستری مناسب سعی در افزایش ارتباط و تعامل میان اپراتور و مشترک را دارد. از جمله اهداف مهم این سرویس که می‌توان به آن اشاره کرد، افزایش اطلاعات عمومی جامعه و ایجاد یک نوع سرگرمی سالم برای افراد جامعه می‌باشد. اصول طراحی این نوع خدمات به گونه‌ای

^۱ www.dvlottery.state.gov

^۲ اسم بعضی از سایت های معروف بخت آزمایی به شرح ذیل می باشد:

^۱ <https://www.thelotter.com>

^۲ <https://www.agentlotto.com/en>

^۳ <https://www.wintrillions.com>

^۴ <https://www.lottoday.com>

^۵ <https://www.lottoanalyst.com/lottery-site-reviews/>

^۶ <https://www.trustpilot.com>

^۷ <https://www.comparakeet.com/best-online-lottery-sites>

است که مخاطب در ازای اطلاعاتی که دریافت می‌کند هزینه‌ای پرداخت خواهد کرد. برای درک بهتر معنی و مفهوم سرویس ارزش افزوده به مثال‌های زیر توجه کنید:

۱- با شرکت در مسابقه و پاسخ صحیح به ۱۰ سوال شما هم برنده خوش شانس ما باشید. هر سوال ۵۰ تومان، برای شروع عدد ۱ را ارسال نمایید.

۲- دانستنی‌های پزشکی به صورت روزانه هر پیام ۵۰ تومان - برای شروع عدد ۲ را ارسال کنید.

یکی از تفاوت‌های مهم میان سرویس ارزش افزوده و سرویس‌های پیامکی در پرداخت هزینه می‌باشد. در سرویس‌های VAS هزینه پیامک‌های ارسال شده از مخاطب گرفته می‌شود. یعنی مشترک از طریق قبض تلفن یا کسر از اعتبار هزینه سرویس را می‌پردازد. در واقع در سرویس‌های ارزش افزوده نه تنها هیچ هزینه‌ای از ارگان یا شرکت خاصی گرفته نمی‌شود بلکه این سرویس می‌تواند برایشان درآمدزا نیز باشد. اما در سایر سرویس‌های پیامکی ارگان یا شرکت موردنظر باید هزینه ارسال پیامک‌ها را بپردازد.

آن چه به نظر می‌رسد باید بین این نوع سرگرمی‌ها که از طریق این سیستم، بین عموم مردم تبلیغ می‌شود، تفصیل داد.

گاهی اوقات، شخص پیامکی دریافت می‌کند مبنی بر اینکه با ارسال پیامک بدون متن در قرعه کشی خودرو یا سایر جوایز شرکت کنید ظاهراً همزمان با ارسال پیامک به آنها مبلغ ۷۵ تومان از طریق قبض یا کارت شارژ از حساب شخص کسر می‌شود و به حساب آن شرکت یا موسسه واریز می‌شود و جوایز نیز از همین پول تهیه می‌شود. برخی اوقات نیز پیامک‌هایی مبنی بر مسابقات پیامکی دریافت می‌شود که اگر در مسابقه شرکت کنید و به تمام سوال‌ها پاسخ دهید وارد مرحله قرعه کشی فلان جایزه بزرگ خواهید شد مراحل آن به این صورت است که هر سوال در غالب یک پیامک برای شخص شرکت کننده می‌آید و هزینه پاسخ پیامک بیش از هزینه معمولی ارسال پیامک می‌باشد

در این دو نمونه، لعب و رهان کاملاً مشهود است و کاملاً مصداق بخت آزمایی است. هم حرمت تکلیفی دارد و هم وضعی. به دلیل این که قمار و اکل مال به باطل می باشد. در مثال دوم فقط یک مسابقه در بین آن طراحی شده، لکن ماهیت بخت آزمایی همچنان بر آن صادق است. زیرا لعب و سرگرمی به وضوح در آن دیده می شود و پولی که گرفته می شود در حقیقت همان رهان است یعنی پول به ازای شرکت در قرعه کشی پرداخت می شود.

اما اگر به این شکل باشد که خدماتی را که ارئه دهند و در سیره عقلا، این خدمات ارزش مالی قابل اعتنایی داشته باشد و پولی هم که پرداخت می شود به ازای همین خدمات باشد آن گاه مشکل شرعی ندارد و لو از بین مشتریان قرعه کشی هم بشود و جایزه ای به بعضی افراد تعلق بگیرد. مثل همان مثال دانستی های پزشکی و یا معرفی و نصب یک اپلیکیشن بر روی تلفن همراه.

گفتار سوم: جوایز حساب های قرض الحسنه

قرض الحسنه، حسابی است که کارگزار آن را افتتاح می کند و براساس آن به بانک اجازه می دهد مبلغی را که نزد آن به امانت گذاشته بدون گرفتن سود به دیگران وام دهد. بعضی احتمال می دهند که جوایز قرض الحسنه که بانک ها به سپرده گذاران می دهند مثل بخت آزمایی و لاتاری بزرگ می باشد و فرقی با همان بلیط های اعانه ملی و ارمغان بهزیستی ندارد.^۱ زیرا مردم با این وضع تورم و روز به روز کاهش ارزش پول برای رضای خدا پولشان را که به بانک قرض نمی دهند و در قبال آن هم هیچ سودی دریافت نمی کنند بلکه تمام هدفشان این است که در قرعه کشی برنده شوند و آن جایزه های بزرگ و کلان را به دست بیاورند.

۱ کرمی، جوایز بانکی یا لاتاری بخت آزمایی در یک قمار بزرگ، نشریه فردوسی، فروردین و اردیبهشت ۸۴، شماره ۲۸ و ۲۹ ص ۵.

به نظر می‌رسد بین بخت آزمایی با حساب‌های قرض الحسنه فرق باشد. چون بعد از قرعه‌کشی، حساب و پول مشتری بر جای خود باقی است و از بین نمی‌رود. به طور کلی به دو صورت می‌توان پول به بانک قرض داد:

ا) گاهی شخصی در بانک پول می‌گذارد به شرط اینکه در قرعه‌کشی شرکت کند تا شاید قرعه به اسم او دربیاید و برنده جایزه هنگفتی بشود. یعنی رسماً با بانک قرارداد می‌بندد که من این پول را به تو قرض می‌دهم به شرط اینکه تو من را در قرعه‌کشی جایزه یک میلیارد تومانی شرکت بدهی. هرچه سرمایه سپرده، بیشتر باشد احتمال برنده شدنش نیز بیشتر است. این نوع قرعه‌کشی ربای قرضی بوده و قطعاً حرام و باطل است.^۱

ب) گاهی شخصی اندک پس اندازی دارد که می‌خواهد آنها را در جایی نگهداری کند. مثلاً زید صد میلیون تومان پس انداز دارد و بیم دارد که آن را در خانه خود نگهداری کند که مبادا مورد دستبرد یا تلف قرار گیرد لذا پس اندازش را به بانک می‌سپارد - قرض می‌دهد - تا هم پولش از خطرات احتمالی محفوظ بماند و هم بانک این پول را در امور خیر مانند وام ازدواج و امثال ذلک صرف کند. یعنی هدف او فقط نگهداری از پولش و یا کمک به نیازمندان است و بازاء این قرض هیچ چیزی هم از بانک نمی‌خواهد.

اما با توجه به اینکه سودی به وجوه قرض الحسنه تعلق نمی‌گیرد این سپرده‌ها از منابع ارزشمند بانک‌ها بشمار می‌آیند در نتیجه همیشه بین بانک‌ها نوعی رقابت برای جذب حداکثری سپرده‌های قرض الحسنه وجود دارد. یک بانک می‌گوید که به هزار نفر از سپردگزاران جایزه صد میلیون تومانی می‌دهیم و دیگری می‌گوید ده هزار دستگاه خودرو مدل سال و... بانک‌ها این قرعه‌کشی و جوایز را می‌گذارند تا سپرده‌های مردم را به سوی بانک خود بکشانند. مردم هم بنابر انگیزه‌هایی که دارند این پول‌ها را به بانک قرض می‌دهند ولی این قرض دادن مانند صورت اول بازاء شرکت در قرعه‌کشی نمی‌باشد. بلکه صرف قرض دادن است و جوایز بانکی

۱ جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص ۷۰.

تنها در داعی یا انتخاب بانک تاثیر دارد نه اینکه پول را بازاء آن بدهند. بانک هم بدون اینکه هیچ تعهدی در برابر سپرده گذاران داشته باشد جوائزی را طی قرعه کشی به آنها اعطاء می کند.

فرق صورت اول و دوم این است که در صورت اول اگر بانک گفت من نمی خواهم به کسی جایزه بدهم، سپرده گذاران حق دارند از بانک شکایت کرده و او را مجبور به قرعه کشی کنند (بالفرض که ربای قرضی باطل نباشد) ولی در صورت دوم سپرده گذاران چنین حقی ندارند زیرا بانک در قبال آنها به هیچ امری متعهد نشده است.

از توضیح سپرده های قرض الحسنه فرق آن با مسابقات بخت آزمایی این نکته معلوم می شود که اینها دو قضیه کاملاً متفاوت هستند چرا که در بخت آزمایی بر خلاف جوائز قرض الحسنه خریدار پول بازاء شرکت در قرعه کشی و بردن در مسابقه پرداخت می کند. لذا امام خمینی ره می گوید: در صورتی که سپرده گذاران، سپرده گذاری را مشروط به قرعه کشی نکرده باشند و بانک ها صرفاً برای تشویق آنان و افزایش سپرده گذاری و تشویق دیگران به گشودن حساب، چنین کرده باشند، این کار جایز است و گرفتن جوایز نیز از سوی برندگان جایز است. اما بنا بر احوط اگر آن بانکها دولتی یا مشترک باشند، باید به عنوان مال مجهول المالک برای قبض و تصرف در آنها از حاکم شرع اجازه گرفت؛ و در صورتی که بانک خصوصی باشد، گرفتن جایزه و تصرف در آن جایز است و نیازی به رجوع به حاکم شرع نیست. لیکن اگر سپرده گذاران، سپرده گذاری خود را در ضمن عقد یا مانند آن مشروط به قرعه کشی کرده باشند و بانک در پی اجرای این شرط دست به قرعه کشی بزند، این کار جایز نیست. همچنین گرفتن جایزه از سوی کسی که قرعه به نامش درآمده در صورتی که به عنوان وفای به شرط باشد جایز نیست و بدون آن جایز است.^۱ آن چه که امروز در بانک ها اتفاق می افتد این است که هیچ شرطی در بین بانک و سپرده گذار نیست و به صورت کتبی هیچ تعهدی بانک نمی دهد. و از سود آن سرمایه عظیمی که بدست می آورد هدایایی را به آن ها بر اساس قرعه کشی پرداخت می کند.

۱ خمینی، توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۸۸۷

عین همین مساله در جوایز فروشگاه ها برای محصولات تولیدی (نظیر مواد غذایی و...) و حتی خرید از یک فروشگاه خاص نیز تکرار می شود. گاهی موسسات و شرکت ها برای ترغیب مشتریان و افزایش فروش خود در کنار فروش محصولاتشان نوعی قرعه کشی برگزار می کنند که شباهت زیادی به بخت آزمایی دارد. مثلاً شرکتی که کارش فروش مواد غذایی است هر ماه میان مشتریان خود یک قرعه کشی برگزار کرده و به سه نفر اول خانه یا ماشین جاززه می دهد. نحوه برگزاری قرعه کشی به این شکل است که در داخل هر محصول یک بلیت شبیه بلیت های بخت آزمایی وجود دارد و شرکت میان مشتریان به همان کیفیتی که در بخت آزمایی گفتیم قرعه کشی می کند.

این نوع قرعه کشی از لحاظ فقهی اشکالی ندارد هر چند قیمت محصولی که در آن کارت قرعه کشی وجود دارد از محصول عادی بیشتر باشد زیرا یک فرق اساسی میان «بخت آزمایی» و «قرعه کشی بین خریداران محصولات غذایی» وجود دارد و آن این است که در اولی پولی که مشتریان پرداخت می کنند بازاء شرکت در قرعه کشی یا خرید آن بلیط است ولی در مورد دوم، مشتری پول را بازاء آن کالا یعنی برنج یا چایی پرداخت می کند نه بازاء قرعه کشی. شاهدش هم این است در خیلی از موارد ممکن است خریدار از قرعه کشی اصلاً اطلاعی نداشته باشند یا اصلاً قصد شرکت در قرعه کشی را نداشته باشد ولی با این حال محصولات را خریداری می کند. بله ممکن است برنده شدن در قرعه کشی داعی طرف باشد ولی پول را بازاء آن داعی نمی دهد.

گفتار چهارم: مسابقه تلویزیونی برنده باش

تمامی افرادی که تمایل دارند در مسابقه «برنده باش» شرکت کنند به صورت رایگان نام خود را به شماره ۱۰۰۰۸۸۰ ارسال می کنند. در پاسخ به این پیامک، یک پیامک حاوی لینک دانلود برای متقاضی ارسال می شود که مخاطب می تواند بدون پرداخت وجه، اپلیکیشن مربوطه را دانلود و روی گوشی خود نصب کند. هشت نفر اول رده بندی این اپلیکیشن که بیشترین تعداد پرسش ها را در هر هفته پاسخ داده باشند، به این برنامه دعوت می شوند و برای شرکت در مسابقه با هم

رقابت می‌کنند. در عین حال، ۳۰۰ تن از آنهایی که حداقل یک کد قرعه‌کشی به دست آورده‌اند، تصادفی و با قرعه به این برنامه به عنوان تماشاگر دعوت می‌شوند.

کسب حداقل یک کد قرعه‌کشی برابر با داشتن ۱۰۰۰ امتیاز شرط حضور در قرعه‌کشی مسابقه برنده باش است و در پایان هر هفته و پس از انتخاب افراد برتر، کدهای قرعه‌کشی تا پایان فصل در حساب شما مانده و امتیازات شما صفر می‌شود تا در هفته بعدی شانس برای تمامی کاربران برابر باشد. در پایان هر فصل، یک قرعه‌کشی بین کاربران انجام خواهد شد که جوایز آن از شبکه سوم سیما اعلام عمومی می‌شود. تا اینجا ظاهراً همه چیز عادی است و با یک مسابقه سالم روبه‌رو هستیم اما ماجرا از آنجا رنگ دیگری به خود می‌گیرد که برای پیشرفت در این مسابقه و شانس راه یافتن به جمع هشت نفر، باید دست به جیب شد و هزینه کرد.

در آغاز مسابقه برنده باش بعد از نصب اپلیکیشن، پنج پرسش رایگان در اختیار شما قرار داده می‌شود و اگر به آنها، پاسخ درستی بدهید، تعداد سوالات مجاز شما کم نخواهد شد؛ اما اگر جواب سؤال را اشتباه بدهید یا جواب نداده و آن را رد کنید، یکی از سهمیه پنج سؤال شما کم خواهد شد. در مقابل هر پاسخ صحیح ۱۰۰ امتیاز برای شما خواهد داشت و برای هر جواب غلط ۵ امتیاز و برای هر سؤال بی‌جواب رد شده ۲۰ امتیاز به شما تخصیص داده می‌شود! اکنون تصور کنید پنج سؤال را پیاپی اشتباه جواب دادید و دیگر فرصتی ندارید؛ باید چه کنید؟!

در این مسابقه می‌توان سوال خرید و به سرعت در رده بندی بالا رفت. سازندگان این مسابقه بسته‌های ۲۵۰۰ تومانی تا ۲۰ هزار تومانی را عرضه کرده‌اند که متناسب با قیمت، ۳۰ تا ۱۴۴۰ سؤال را به راحتی بتوان به دست می‌آورد. اگر همه ۱۴۴۰ سؤال را بی‌پاسخ بماند نیز ۲۸۸۰۰ امتیاز به دست آورده می‌شود و با خرید بسته‌های بیشتر، شانس بیشتری نسبت به دیگران خواهد داشت. برگزارکنندگان روی همین بخش حساب کرده‌اند که از این طریق رقمی بسیار نجومی به دست آورند. بنابراین صرفاً یک مدل بازی بخت آزمایی است که پیش از این نیز به شیوه‌های آبرومندانه‌ترین توسط برخی اپلیکیشن‌ها در برنامه‌های مختلف پیاده سازی شده

است. بر فرض این که به پاسخ های غلط و یا سوالات بدون پاسخ هم امتیازی داده نشود باز هم این مدل برگزاری مسابقه مشکل دارد.

هم لعب و رهان در این مسابقه تلویزیونی کاملاً مشهود است و از مصادیق بخت آزمایی می باشد. افراد پول می دهند تا بیشترین امتیاز را کسب کنند و به ازای آن بتوانند اگر جز ۸ نفر اول باشند در مسابقه شرکت کنند و یا قرعه کشی یود و جز تماشاچی های این مسابقه قرار گیرند. در آخر کار نیز، جایزه ها از همین پول های پرداختی مشتریان به برندگان مسابقه پرداخت می شود. بالاخره در اسفند ماه ۹۷ از دفتر مراجع تقلید در رابطه با این مسابقه استفتا شد که به شرح ذیل می باشد.^۱

آیت الله خامنه‌ای: اگر شبیه بخت آزمایی باشد بنا بر احتیاط جایز نیست.

آیت الله مکارم شیرازی: در این گونه موارد باید مطابق قوانین و مقررات مربوطه عمل شود و در صورتی که جوایز از آن پول ها داده می شود و یا لااقل پول ها پشتوانه‌ای برای آن جوایز است، شبیه بخت آزمایی می باشد و اشکال دارد.

آیت الله نوری همدانی: اشکال دارد.

آیت الله وحید خراسانی: اگر مسابقه‌ای به این صورت باشد که از شرکت کنندگان در آن پولی دریافت شود تا از همان پول به برنده یا برندگان جایزه داده شود این امر جایز نیست؛ مگر آن که برگزارکننده مسابقه از این پول ها، امکاناتی هم در اختیار شرکت کنندگان قرار دهد مثلاً در یک مسابقه ورزشی، بخشی از پول جمع شده نیز برای توزیع توپ و وسائل ورزشی و مانند آن در بین شرکت کنندگان هزینه شود. به هر حال در فرض مطرح شده باید بیان داشت که این شیوه یعنی هزینه کردن بسیاری از افراد و سپس اعطای جایزه به تعدادی محدود از همین پول، بسیار نزدیک به قمار است و اشکال دارد.

۱ خبرگزاری فارس، تسنیم، ایکنلا خبرگزاری بین المللی قرآن کریم)، در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۸.

آيت الله شبيرى زنجانى: اين گونه جايزه دادن ها داراى اشكال است.

آيت الله صافى گلپايگانى: اگر مسابقه به گونه اى باشد كه برگزاركننده از جيب خودش پولى براى جايزه در نظر بگيرد اشكال ندارد؛ اما اين كه جوايز مسابقه از همه يا بخشى از پول شركت كنندگان در مسابقه تايمين شود اشكال دارد.

بخش دوم: حيله هاى شرعى مصاديق بخت آزمائى

در اين بخش به دنبال اين هستيم كه آيا راه كار شرعى براى حليت تكليفى و وضعى بخت آزمائى وجود دارد يا خير؟ و به بررسى بعضى از احتمالات مى پردازيم.

گفتار اول: قصد متعاملين به نيت خير خواهى

گاهى خريدار به قصد برنده شدن در قرعه كشى بليت مى خرد و پول را هم بازا بليت مى دهد ولى با اين نيت خريد را انجام مى دهد كه خريد او باعث كمك كردن به فقراء و ايتام مى شود. يعنى داعى او عمل خيرخواهانه است.

از ديد فقهى و حقوقى اين صورت هيچ فرقى با صورتى كه خريدار ابدآ قصد كار خير نداشته باشد، ندارد. زيرا عمل خيرخواهانه در ما نحن فيه به عنوان داعى بر بيع است و اختلاف دواعى نمى تواند ماهيت معاملات را عوض كند. يعنى همانطور كه اگر داعى شخصى بر بيع ربوى عمل خيرخواهانه باشد اين نيت خير نمى تواند سبب مشروعيت بيع ربوى شود در بخت آزمائى حرام نيز نيت خير نمى تواند سبب صحت و مشروعيت قمار شود. در هر دو صورت خريدار پول را بازا بليت بخت آزمائى داده است با اين فرق كه در صورت دوم داعى و نيتش كار خير بوده ولى در صورت اول يك داعى دنيوى مثل برنده شدن ماشين يا خانه داشته است. اما اختلاف دواعى نمى تواند ماهيت معامله را تغيير دهد يعنى اگر بخت آزمائى از لحاظ شرعى مشكل داشته باشد ديگر فرقى بين آنجاى كه داعى خريدار يك عمل انسان دوستانه باشد است با جاى كه فقط براى منافع شخصى خودش در مسابقه شركت مى كند نيست.

بله اگر این قصد خیر به حدی برسد که اصلاً بیع انجام ندهند بلکه حالت هبه و صدقه پیدا کند فرض دیگری است که صورت بعد بررسی می شود.

گفتار دوم: قصد متعاملین به نیت صدقه یا هبه غیر معوض

گاهی کسی بلیت را نمی خرد بلکه همه در یک کار خیری سهیم می شوند یعنی حالت هبه غیر معوضه یا صدقه دارد به این شکل همه برای کار خیری مثل بهزیستی یا کمک به زلزله زدگان سهیم می شوند اما این طور نیست که بلیت یا چیزی را بخرند. یعنی واقعاً برای امر خیری، بدون عوض کمک می کنند و بعد بدون اینکه هیچ شرط یا قراری در بین باشد به آنها قبضی می دهند و بعد برحسب قرعه به خیرین جوایزی اعطاء می کنند.

در این صورت فقهاء می فرمایند اشکالی نخواهد داشت و حتی اگر در این فرض قرعه به نام کسی اصابت کرد دریافت جایزه اشکالی ندارد.^۱

امام خمینی (ره) می گوید: « اگر فرضاً یک شرکت یا مؤسسه پیدا شود و برای اعانت به مؤسسات خیریه از قبیل بیمارستان یا مدارس اسلامی بلیت هایی منتشر کند و مردم هم برای اعانت این مؤسسات مبلغی بدهند و آن شرکت از مال خودش یا جوهری که از انتشار بلیت به دست می آید، با اجازه تمام پول دهندگان مبلغی به اشخاصی که قرعه به نام آنها بیرون می آید بدهد مانع ندارد.»^۲

نظراتی که نقل شد در بیان حکم بلیت بخت آزمایی بود ولی در مورد برگه های ارمغان بهزیستی که در دهه ۷۰ شمسی در سطح وسیعی از کشور جمهوری اسلامی ایران برگه ها پخش می شد و به گفته مسئولین این مؤسسه، به صورت قسم دوم که گفتیم انجام می گرفت، لازم است استفتائات علمای معاصر که در این مورد بیان شده است ذکر شود:

۱ خمینی ره، توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۷۱.

۲ بی آزار شیرازی - عبدالکریم، رساله نوین، مسائل اقتصادی، ج ۲، ص ۲۶۷.

در استفتائی که ریاست سازمان بهزیستی دکتر غلامرضا انصاری از ۷ نفر از علماء عظام در این مورد کرده و در روزنامه درج شده، در این جا بطور خلاصه ذکر می کنیم:

در استفتائات آمده است: «... با توجه به گستردگی وظایف، مشکلات مالی و اعتباری از یک سو و کثرت جمعیت نیازمندان از سوی دیگر این سازمان بر آن است تا تشکیلات خیریه ای با همیاری و مساعدت جمعی از شخصیتها، مؤمنین، خیرین کشور تأسیس کند که از جمله وظایف تحصیل درآمد با دریافت اعانه در قالب اوراقی یا مبلغ مشخص است که اعانات دریافتی با هر نیتی -خیرات، مبرات، صدقات و ... که پرداخت کننده داشته باشد به مصارف خیریه سازمان در کمک به محرومان معلولان و مستمندان اختصاص دهد. ضمناً، از محل درآمد تبلیغات انجام شده در روی اوراق برای مؤسسات داوطلب مبلغی را به عنوان جایزه به هدیه کنندگان اعانات اختصاصی و پرداخت کند و جوه دریافتی با نظارت نماینده وزارت اقتصاد و دارائی، نماینده سازمان بهزیستی و نماینده مؤسسه مذکور، صرف امور محرومان و معلولان خواهد شد. در پایان استفتاء آمده: با عنایت به مراتب فوق الذکر مستدعی است، نظر مبارک آن حضرت را پیرامون این مسأله که «آیا خرید اوراق و قبوض مذکور به منظور مشارکت در امور خیریه که سازمان بهزیستی متولی آن است شرعاً جایز است» را ابراز و مرقوم فرمائید .

حضرت آیه الله خامنه ای اعلام کردند: «توزیع و نشر اوراق جمع آوری تبرعات از مردم برای صرف آن در امور خیریه و تشویق و ترغیب متبرعین با قید قرعه، منع شرعی ندارد و همچنین دریافت آن اوراق و پرداخت وجه به قصد شرکت در امور خیریه مانع ندارد»

حضرت آیه الله فاضل لنکرانی: «چون اوراق نامبرده، مالکیت ندارد خرید و فروش آن منعی ندارد، بلی، گرفتن پول از افراد به عنوان کمک به آن ارگان یا مصالحه و ... با کسب رضایت آنها مانعی ندارد.»

حضرت آیه الله بهجت: «اگر اطمینان داشته باشند که به مصارف مورد نظر خواهد رسید تا آخر، پرداخت اعانه به این صورت مانعی ندارد.»

حضرت آيه الله شيبيرى زنجانى: «خريد اوراق به منظور مذکور شرعا جايز است»

حضرت آيه الله سيستانى: «پرداخت پول به قصد مشارکت در امور خيريّه جايز است و اگر جايزه هاى هم از سوى سازمان داده شود، دريافت آن جايزه است ولى نبايد پول به قصد مشارکت در قرعه کشى پرداخت شود.»

حضرت آيه الله شيخ جواد تبريزى: «چنانچه به قصد اعانه بدهند و شرط قرعه براى گرفتن جايزه نکنند، مانعى ندارد»

حضرت آيه الله مكارم شيرازى: «مشارکت در امور خيريّه به نحوى كه در بالا نوشته ايد مشروع و صحيح است به شرط اينكه كمكهاى آنها به نيت بلا عوض و قريه الهى الله باشد و آنچه را بهزيستى به عنوان جايزه مى پردازد به عنوان شرط قرارداد براى اعانه هاى مردم نيست و چه بهتر كه اين معنا در اوراق اعانه نوشته شود.»^۱

با توجه به استفتائات علماء معلوم مى شود كه خريد برگه هاى ارمغان بهزيستى در صورتى جايز است كه فرد نيت خير و مشارکت در كارهاى عام المنفعه و كمك رساندن به نيازمندان را مد نظر خود قرار داده است و از طرفى صورت عرفى عمل، يك عقد معوض و شرط قرعه كشى و دريافت جايزه در بين نيست. در صورتى هم كه قرعه كشى صورت بگيرد و جايزه اى به كسى داده شود، اين قرعه كشى ارتباطى به اصل قرارداد مربوطه نداشته و متوليان امر مربوطه، خودشان جهت تشويق اشخاص كمك كننده به اين امور، قرعه كشى انجام مى دهند هرچند اين مطلب كه جايزه در نظر گرفته شده از محل كمك به امور مربوطه باشد يا از محل ديگرى مى تواند مورد بحث قرار بگيرد اما در صورتى هم كه جايزه از محل كمكها در نظر گرفته شده باشد، اولاً اصل عمل صحيح است و قرعه كشى نيز به آن خدشه اى وارد نمى كند. زيرا مردم مسلط بر اموال خویش هستند و به هر فردى كه دوست داشته باشند مى توانند هديه دهند. ثانياً اگر مبلغ جايزه متعلق به

كمك‌كنندگان باشد، نياز به اذن آن‌ها براى تصرف وجود دارد. لذا فتواى امام خمينى ره و آيت الله مكارم به صراحت بر مساله اذن، تاكيد كرده اند.

لكن حقيقت امر و در عالم خارج چيزى كه در اغلب مردم براى خريد برگه هاى ارمغان بهزيستى مشاهده مى شد اين بود كه يا به طور كامل به قصد شركت در قرعه كشى آن را مى خريدند و يا اين كه فقط داعى و نيت خير خواهانه داشتند لكن همچنان قصد اصلى شان براى پرداخت هزينه شركت در قرعه كشى بود و وعده بهزيستى را به صورت يك شرط تلقى مى كردند. شاهد آن هم اين مى باشد كه اگر بهزيستى اعلام مى كرد كه قرعه كشى انجام نمى دهد و جايزه اى به كسى پرداخت نمى كند، مردم ناراحت مى شدند و حق اعتراض براى خود قايل مى شدند و به دنبال شكايت مى رفتند. اين نشان مى دهد كه قرعه كشى، شرط چنين معامله اى بوده است و عمل به صورت صدقه انجام نشده است.

گفتار سوم: پرداخت جايزه از طرف شخص ثالث

گاهى هدف خريدار بردن در مسابقه اى است كه جايزه آن مسابقه را قرار است شخص ثالثى پرداخت كند. منبع جايزه در اين صورت از فروش بليت ها نيست بلكه آن را از منبع ديگرى تهيه كنند و پول شركت كنندگان مى رود و در جاى ديگرى مصرف مى شود. اين قسم شباهت زيادى به قسم جوائز مسابقات و جشنواره ها دارد.

احتمال مى رود اين صورت اشكال شرعى داشته باشد زيرا عرفاً بخت آزمائى بر اين نوع مسابقات صادق است هر چند جايزه از جيب شخص ثالث باشد به عبارت ديگر جنس و فصل مفهوم بخت آزمائى در چنين فعلى وجود دارد چرا كه چنين مسابقه اى عرفاً از مصاديق لعب شناخته مى شود (جنس) و ثانياً فصل آن هم كه برد و باخت همراه با مراهنه باشد نيز در اين فعل وجود دارد.

حضرت آية الله مكارم شيرازى در جلسه درس خارج فقه مورخه ۱۳۷۸/۸/۲۲ شمسى در اين رابطه فرمودند: اگر پول را نفر سوم براى جايزه بگذارد و شما بليت و برگه بخريد تا آن جايزه

را برنده شويد اين درست نيست همانطور كه در مسابقه اسب سواري اگر خود اسب سواران پول جهت مسابقه بدهند اشكال ندارد و اگر تماشاگران آنرا بدهند اكل مال بالباطل خواهد بود لذا اين شبیه به قمار است.

اما اگر مساله را به اين شكل مطرح كنيم كه يك شخصى مى خواهد براى محبوب و مشهور شدنش به ديگران هبه دهد لکن چون تعداد افراد زياد هستند در بين آن ها قرعه كشى مى كند و اين از نظر شرعى مشكلى ندارد. جوایز مسابقات و محصولات فروشگاه ها نيز به همين شكل مى باشد و قيد مرآه در آن ديده نمى شود.

گفتار چهارم: مدلى بر اساس تغيير ماهيت بخت آزمائى

در اين جا در صدد ارائه مدلى به عنوان جايزين بخت آزمائى هستيم كه مورد قبول عقلاء بوده و مشمول هيچ يك از ادله حرمت نمى باشد. اين روش بر اساس تغيير ماهيت بخت آزمائى است به تعبيرى موضوع حكم را عوض مى كنيم و آن را به صورت جعاله پى ريزى مى كنيم. مسابقه اى را تصور كنيد كه همانند بخت آزمائى هاى رايج حالت لعب و سرگرمى ندارد ولى با اين حال منبع جائزه از آورده شركت كنندگان تامين مى شود. مثلاً در سال ۲۰۱۷ دانشگاه جان هاپكينز جائزه سنگينى را براى كسى كه بتواند درمان بيمارى خاصى را پيدا كند تعيين كرد منتهى منبع مالى جائزه از پولى كه تيم هاى شركت كننده بازاء حق ورود به مسابقه مى دهند پرداخت مى كردند تامين شد. فرض كنيد كه ۱۰ هزار تيم پزشكى حق شركت در اين مسابقه را داشته باشند و از هر تيم شركت كننده مبلغ ۱۰۰۰ دلار به عنوان حق الورود دريافت شود كه مجموعاً ده ميليون دلار خواهد شد. اين جائزه ده ميليون دلارى به تيمى كه بتواند زود تر از بقيه درمان بيمارى را پيدا كند اعطاء مى شود.

اين بخت آزمائى كه ممكن است به صورت عقد صلح يا بيع منعقد شود از لحاظ فقهى و حقوقى شرائط صحت معامله را دارا بوده و تحت عموم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» قرار مى گيرد.

اطلاق بخت آزمایى بر چنین مسابقاتى شاید خيلى درست نباشد زیرا بخت و شانس تنها جزئى از علت برنده شدن در مسابقه مى باشد^۱ و علت اصلى همان تلاش و كوشش تيم هاى پزشكى است.

تفاوت اين مدل با بخت آزمایى هاى رایج

اولاً در اینجا پولی که شرکت کنندگان پرداخت می کنند بازا حق شرکت در مسابقه می باشد که نزد عقلاء این حق ارزش اقتصادی دارد. از طرفی حق ورود كاملاً معلوم است لذا اشكال غرری بودن مضمن پیش نمی آید.

ثانیاً بردن در اینجا بر اساس قرعه یا شانس نیست بلکه بر اساس توانایی و مهارتی یا دانشی است که از خود نشان می دهند لذا عرفاً عنوان «بخت آزمایى» بر این نوع مسابقات صدق نمی کند چرا که عرف مسابقات این چنینی را که غرض جدی عقلائى پشتوانه ی آنهاست را لعب نمی خوانند.

ثالثاً عنوان «ازلام» نیز بر این مسابقات صدق نمی کند چرا که ازلام بالفرض تعمیم نوعی سرگرمی بود که نتیجه اش بر اساس قرعه معلوم می شد و ما نحن فیه نه سرگرمی است و نه نتیجه اش با قرعه معلوم می شود لذا ازلام بر آن صدق نمی کند.

رابعاً با هیچ یک از مبانی در تطبیق مفاهیم، این قبیل بخت آزمایى ها و مسابقات «أكل بالباطل» نخواهند بود زیرا علی جمیع مبانی کسی جائزه ای را که در اثر تلاش و كوشش بدست آمده را اكل به باطل نمی داند.

این مدلی است که برای مسابقات ارائه می شود و ظاهراً مشمول ادله حرمت نمی شود متتبعی دو امر باید در این طرح پیشنهادی رعایت شود: اول اینکه باید فعلی که در آن با هم مسابقه می دهند یک امر جدی و عقلائى باشد تا عنوان لعب و سرگرمی بر آن صدق نکند و دوم اینکه

۱ در چنین مسابقاتی هم نوعی بخت و شانس دخیل است زیرا ممکن است تيم دیگری بتواند زود تر پروژه اش را به پایان برساند و یک روز قبل از تيم دیگری آن را تحویل دهد. در این صورت زحمات چندین ساله ی تيم دوم بی فائده خواهد بود.

میان ارزش اقتصادی حق ورود و ثمنی که بازاء آن پرداخت می شود باید یک تعادل اقتصادی وجود داشته باشد و الا معامله باطل است.

به نظر می رسد این تنها راه کاری می باشد که می توان از آن استفاده نمود و نهادهایی نظیر بهزیستی و کمیته امداد هم اگر قرار است که برنامه ای را جهت جذب کمک های مردمی ترتیب دهند برگزاری مسابقاتی با این سیستم باشد.

خلاصه و نتیجه گیری

آنچه در این نوشتار تقدیم شد مفهوم بخت آزمایی در لغت به معنای سود و بهره ای از هر چیزی، یا به معنای قدر و قسمت است. در اصطلاح، بلیت‌هایی به شکل های مختلف کاغذی و یا مجازی با شماره و کدهای مشخص و به قیمتی معین فروخته می‌شوند به طوری که برنده اصلی بخت آزمایی کسی است که آن شماره و یا کد روی بلیط را دارا باشد و در نتیجه صاحب جایزه بزرگ می‌شود. بخت آزمایی در حکم قمار نیست بلکه موضوعاً قمار می باشد. زیرا آنچه در مفهوم قمار اخذ شده است، لعب و رهان است. هر عملی که این دو قید را داشته باشد مفهوم قمار بر آن صادق است. در تحلیل بخت آزمایی مشخص شد که لعب و رهان در آن موضوعیت دارد. در نتیجه یکی از مصادیق قمار محسوب می شود. تاریخچه آن به قبل از اسلام بر می گردد. در قرآن هم به استقسام به ازالام اشاره شده است. تا قبل از جمهوری اسلامی ایران به طور رسمی بلیط اعانه ملی فروخته می شد. بخت آزمایی را باید به صورت عقود معاوضی دانست که این معاوضه در قالب بیع، صلح، هبه و قرض می تواند صورت بگیرد. اصل اولی در آن اگر عوض در کار باشد، اصاله الفساد است. طبق عموم قرآنی « لا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ » بخت آزمایی باطل است. زیرا آیه می فرماید در امواتان با عقود باطل تصرف نکنید در حالی که این از عقودی است که شارع آن را امضا نکرده است لذا حرمت وضعی دارد. همچنین روایاتی نظیر صحیحیه زیاد بن عیسی، روایت عبد الحمید بن سعید، سکونی، اسحاق بن عمار، دلالت بر این مطلب دارد. از آیات ۲۱۹ سوره بقره، ۹۰ و ۹۱ سوره مائده، حرمت تکلیفی عمل بخت آزمایی بدست می آید. روایاتی نظیر روایت فضیل هم حرام بودنش را بیان می دارند.

به دلیل رابطه بخت آزمایی با جنایات، ضرر اقتصادی در فرد و جامعه، ضررهای اجتماعی و عامل هیجان منفی، عقل زمانی که این آثار و تبعات را در نظر می گیرد حکم به قبیح بودن بخت آزمایی می کند. از مصادیق جدید آن می توان به بخت آزمایی های اینترنتی اشاره نمود که ماهیت آن با بخت آزمایی های سابق مثل بلیت اعانه ملی تفاوتی ندارد لکن خرید و فروش آن در فضای مجازی رخ می دهد. همچنین سیستم های خدمات ارزش افزوده در صورتی که دو عنصر لعب و رهان در آن مشهود باشد بخت آزمایی می باشد. مسابقه تلویزیونی برنده باش نیز به همین شکل است. اما جوایز قرعه کشی بانک ها بخت آزمایی نیست. راه کار ادعایی مشروعیت مصادیق بخت آزمایی به این صورت است که اگر قصد خریدار صرف نیت خیر خواهی باشد، فایده ای ندارد زیرا داعی، ماهیت معامله را تغییر نمی دهد. و اگر پول به صورت هبه غیر معوض به موسسه فروش بلیت بخت آزمایی پرداخت شود، مشکلی ندارد لکن آنچه در جامعه رخ می دهد مردم چنین قصدی ندارند و معمولاً نمی توانند این قصد را داشته باشند. شاهد آن هم این است که اگر موسسه فروش بلیت، مراسم قرعه کشی را انجام ندهد مردم نباید هیچ حق و شکایتی را برای خود در نظر بگیرند. اگر صرف بخت آزمایی انجام شود ولو این که جایزه را شخص ثالث بدهد معامله باطل و حرام است. ولی اگر پول بازاء کالایی که ارزش عقلایی دارد پرداخت شود، حال شخص سومی برای محبوب شدن یا کار تبلیغی و... قرعه کشی کند و به بعضی خریداران جایزه دهد نظیر جوایز فروشگاه های زنجیره ای، مشکلی ندارد. راه کار صحیح این است که ماهیت بخت آزمایی تغییر یابد به این صورت که معامله صورت لعب و رهان در آن موجود نیست. هزینه ای که از اشخاص گرفته می شود بازاء حق الورود است که پشتوانه آن سیره عقلاست. از این راه کار نهادهایی نظیر بهزیستی و کمیته امداد برای جذب کمک های مردمی می توانند استفاده کنند.

منابع و مأخذ

قرآن مجید.

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، حاشیه بر مکاسب، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ ه.ق.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر - قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چهارم، ۱۳۶۷ ه.ش.
۳. ابن ادريس حلی، محمد بن احمد، سرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، تهران، چاپ سنگی، ۱۲۷۰ ه.ق.
۴. ابن حبيب، محمد بن حبيب، المحبر، قاهره، دار الغد العربی، اول، ۱۴۲۱ ه.ق.
۵. ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغه، بیروت، دار العلم للملایین، اول، ۱۹۸۸ م.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، اول، ۱۴۰۴ ه.ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار التراث العربی، ۱۴۰۸ ه.ق.
۸. ابراهیم قیزور، احمد، المیسر و القمار حقیقته، دوحه، وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیه بدوله القطر، اول، ۲۰۱۶ م.
۹. ابی محمد، عبد الله بن مسلم، المیسر و القداح، قاهره، مکتبه السلفیه، اول، ۱۳۴۲ ه.ق.
۱۰. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدۀ و البرهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۰۳ ه.ق.
۱۱. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ه.ق.
۱۲. استرآبادی، محمد امین، الفوائد المدنیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۲۶ ه.ق.
۱۳. انصاری، ابن هشام، مغنی اللیب، قم، مرکز حوزه علمیه قم، ۱۳۶۷ ه.ش.
۱۴. انصاری، مرتضی بن محمد امین، مکاسب (دوره ۶ جلدی)، قم، کنگره شیخ انصاری، ۱۳۷۴ ه.ق.
۱۵. البعلبکی، روحی، القاموس القرآنی الثلاثی، بیروت، ۲۰۰۲ م.
۱۶. بحرانی، محمد سند، فقه المصارف و النقود، قم، مکتبه فذک، اول، ۱۴۲۸ ه.ق.
۱۷. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۰۵ ه.ق.
۱۸. بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیه، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۹. بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، الرسائل الفقهيّة، قم، مؤسسه علامه وحید بهبهانی، اول، ۱۴۱۹ هـ ق.
۲۰. بهسودی، محمد سرور، مصباح الفقاهه (درس خارج فقه مرحوم خویی)، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، اول، ۱۴۲۲ هـ ق.
۲۱. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رساله نوین مسائل اقتصادی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ هـ ش.
۲۲. تبریزی، جواد بن علی، إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب، قم، مؤسسه اسماعیلیان، سوم، ۱۴۱۶ هـ ق.
۲۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین، اول، ۱۳۷۶ هـ ق.
۲۴. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، موسوعه الفقه الإسلامی، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، اول، ۱۴۲۳ هـ ق.
۲۵. حائری، سید کاظم حسینی، فقه العقود، قم، مجمع اندیشه اسلامی، دوم، ۱۴۲۳ هـ ق.
۲۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۷. حسینی شیرازی، صادق، بیان الاصول، قم، دار الانصار، دوم، ۱۴۲۷ هـ ق.
۲۸. حکیم، عبدالصاحب، منتقى الأصول (تقریرات درس خارج مرحوم سید محمد روحانی)، دفتر آیت الله سید محمد حسینی روحانی، قم، اول، ۱۴۱۳ هـ ق.
۲۹. حکیم، محمد تقی بن محمد سعید، الأصول العامه فی الفقه المقارن، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، دوم، ۱۴۱۸ هـ ق.
۳۰. حلّی، حسین، بحوث فقهیة (للحلی)، قم، مؤسسه المنار، چهارم، ۱۴۱۵ هـ ق.
۳۱. حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم، دمشق، دار الفکر، اول، ۱۴۲۰ هـ ق.
۳۲. خمینی، روح الله، کتاب البیع، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول، ۱۴۲۱ هـ ق.
۳۳. ----، المكاسب المحرمه، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول، ۱۴۱۵ هـ ق.
۳۴. ----، توضیح المسائل (محشی امام خمینی)، دفتر انتشارات اسلامی، هشتم، ۱۴۲۴ هـ ق.

۳۵. خوانساری، احمد، جامع المدارک، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۴ هـ ق.
۳۶. خویی، ابو القاسم، اجود التقريرات (تقريرات درس ميرزاى نايينى)، قم، نشر مصطفوى.
۳۷. ----، موسوعه الامام الخوئى، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئى ره، اول، ۱۴۱۸ هـ ق.
۳۸. ----، معجم رجال الحديث، قم، مركز النشر الثقافه الاسلاميه، اول، ۱۳۷۲ هـ ش.
۳۹. دستغيب، عبد الحسين، گناهان كبيره، قم، دفتر انتشارات اسلامى، بيستم، ۱۳۸۸ هـ ش.
۴۰. دهخدا، على اكبر، لغت نامه دهخدا، تهران، اول، ۱۳۴۱ ش.
۴۱. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بيروت، دار القلم، اول، ۱۴۱۲ هـ ق.
۴۲. راوندى، قطب الدين، سعيد بن عبدالله، فقه القرآن، قم، انتشارات كتابخانه آيه الله مرعشى نجفى ره، دوم، ۱۴۰۵ هـ ق.
۴۳. زبيدى، محمد بن مرتضى، تاج العروس، دار مکتبه الحيات، بيروت، بى تا.
۴۴. زمخشرى، محمود بن عمر، أساس البلاغه، بيروت، دار صادر، ۱۹۷۹ م.
۴۵. ----، الفائق فى غريب الحديث، بيروت، دار الكتب العلميه، اول، ۱۴۱۷ هـ ق.
۴۶. ----، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، دار الكتاب العربى، ۱۴۰۷ هـ ق.
۴۷. سبزوارى، عبدالاعلى، تهذيب الأصول، قم، مؤسسه المنار، دوم، ۱۴۱۷ هـ ق.
۴۸. ----، مهذب الأحكام، قم، مؤسسه المنار، چهارم، ۱۴۱۳ هـ ق.
۴۹. سبزوارى، محمد باقر بن محمد مؤمن، كفايه الاحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامى، اول، ۱۴۲۳ هـ ق.
۵۰. سيستانى، سيد على حسينى، المسائل المنتخبه، قم، دفتر حضرت آيه الله سيستانى، نهم، ۱۴۲۲ هـ ق.
۵۱. شاهرودى، سيد محمود هاشمى، بحوث فى علم الأصول (تقريرات درس خارج شهيد صدر)، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامى، اول، ۱۴۰۰ هـ ق.
۵۲. ----، محاضرات فى الفقه الجعفرى (تقرير درس خارج مرحوم خويى)، قم، مؤسسه دائره معارف الفقه الاسلامى، اول، ۱۴۲۹ هـ ق.
۵۳. ----، قراءات فقيهه معاصره، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامى، اول، ۱۴۲۳ هـ ق.
۵۴. شهيد ثانى، زين الدين بن على، مسالك الافهام فى شرح شرايع الاسلام، قم، دار الهدى، بى تا.
۵۵. صاحب، اسماعيل بن عباد، المحيط فى اللغة، بيروت، عالم الكتب، ۱۴۱۴ هـ ق.

۵۶. صدر، محمد باقر، بحوث فی شرح عروه الوثقی، قم، ۱۴۰۸ هـ ق.
۵۷. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ هـ ق.
۵۸. طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی (طاهری)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۱۸ هـ ق.
۵۹. طباطبایی، علی بن محمد علی، ریاض المسائل، قم، ۱۲۹۲ هـ ق.
۶۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ هـ ق.
۶۱. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
۶۲. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۵۱ هـ ق.
۶۳. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۱۹ هـ ق.
۶۴. عراقی، آقا ضیاء الدین، نهایه الافکار، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
۶۵. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، هشتم، ۱۳۷۱ هـ ش.
۶۶. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعه العلمیه، اول، ۱۳۸۰ هـ ق.
۶۷. غزالی، محمد بن محمد، المستصفی من علم الاصول، بیروت، دار الارقم، ۱۳۲۲ هـ ق.
۶۸. غروی، میرزا علی، التنقیح فی شرح العروه الوثقی (تقریر درس خارج مرحوم خوئی)، قم، لطفی، اول، ۱۴۱۸ هـ ق.
۶۹. فاضل مقداد، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، ۱۳۸۴ هـ ق.
۷۰. فتح الله، احمد، معجم الفاظ الفقه الجعفری، بغداد، موسسه الرحمن الاسلامیه، اول، ۱۴۱۵ هـ ق.
۷۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، اول، ۱۴۰۹ هـ ق.
۷۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ هـ ق.
۷۳. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، موسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ هـ ق.
۷۴. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ششم، ۱۳۷۱ هـ ش.
۷۵. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، اول، ۱۳۶۴ هـ ش.

۷۶. قمی، حسینی کریمی، قواعد فقهی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، اول، ۱۴۲۰ ه ق.
۷۷. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قرار دادها، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۴
۷۸. کاشف الغطاء، محمد بن حسن، تحریر المجله، نجف، مکتبه المرتضویه، ۱۳۵۹ ه ق.
۷۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، بیروت، دار الصعب و دار التعارف، ۱۴۰۱ ه ق.
۸۰. لنکرانی، محمد فاضل موحدی، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۰۳ ه ق.
۸۱. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، نجف، مطبعه الآداب، ۱۹۱۶ م.
۸۲. محقق داماد، سید مصطفی، تحصیل نا مشروع مال در حقوق اسلامی، قم، مرکز نشر اسلامی، اول، ۱۳۹۳ ه ش.
۸۳. محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۱ ه ق.
۸۴. مدرسی طباطبایی یزدی، سید محمدرضا، بررسی گسترده ی فقهی: قمار، قیادت، قیافه، کهنات و ... / تقریرات دروس خارج فقه، قم، دار التفسیر، اول، ۱۳۹۲ ه ش.
۸۵. مسعود، جبران، الرائد، مترجم: رضا انزابی نژاد، مشهد، انتشارات به نشر، ۱۳۸۴ ش.
۸۶. مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، قم، نشر الهادی، اول، ۱۴۱۹ ه ق.
۸۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۸۸. ملحم، سلیمان بن احمد، القمار حقیقته و احکامه، ریاض، مکتبه الملك فهد، اول، ۱۴۲۸ ه ق.
۸۹. موسی، حسین یوسف، الإفصاح فی فقه اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۰ ه ق.
۹۰. میدی، محمد فاکر، بازپژوهی آیات فقهی قرآن، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول، ۱۳۸۷ ه ش.
۹۱. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشیعه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۰۷ ه ق.
۹۲. نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.

٩٣. نراقي، احمد بن محمد مهدي، مستند الشيعة في احكام الشريعة، تهران، چاپ سنگي، ١٢٧٣ هـ ق.
٩٤. وجدى، محمد فريد، دائرة المعارف القرن الرابع عشر، بيروت، دار المعرفه للطباعة و النشر، سوم، ١٩٧١ م.
٩٥. يعقوبى (ابن يعقوب)، احمد بن اسحاق، تاريخ يعقوبى، بيروت، دار صادر، اول، ١٣٥٨ هـ ق.

References:

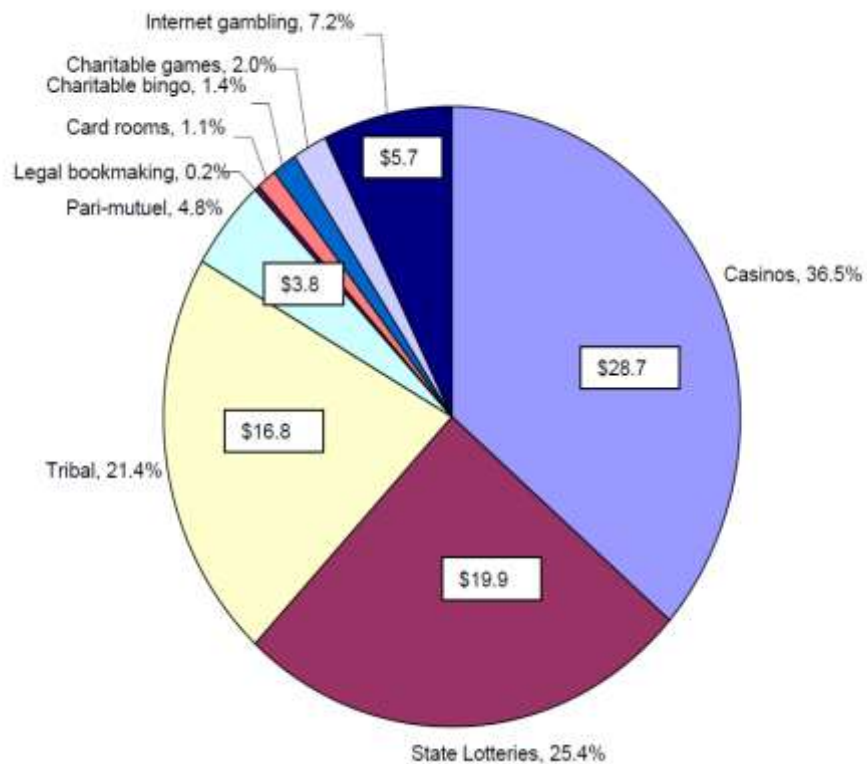
1. Paul Lagasse, Lora Goldman, The Columbia Encyclopedia, Visible Ink (June 2001).
 2. E.M. Christiansen, "An Overview of Gambling in the United States," testimony before the National Gambling Impact Study Commission, p. 2, Virginia Beach, VA (February 8, 1999).
 3. Minton, Sherman. Lewis Supreme Court of the United States. United States, 1955.
 4. Melissa schetini, The economic winners and losers of legalized gambling Kearney 2005.
 5. John M Scheb, Criminal Law Wadsworth Publishing (March 28, 2011).
 6. David G. Schwartz. Winchester, Roll the Bones: The history of Gambling (January 7, 2013).
 7. Blakey, G. Robert (1984), Legal Regulation of Gambling since 1950, The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science (AAPSS),
 8. Model Anti-Gambling Act Model 1952
 9. National Opinion Research Center at the University of Chicago, Gemini Research, and The Lewin Group. Gambling Impact and Behavior Study. Report to the National Gambling Impact Study Commission.
 10. William J. Miller and Martin D. Schwartz, Casino Gambling and Street Crime.
 11. National Research Council, "Pathological Gambling: A Critical Review," (April 1, 1999).
- Potenza, Steinberg, Wu, Rounsaville and O'Malley (1996).

نمودارها و جداول در پایان نامه

صفحه خرید سوال و امتیاز در مسابقه برنده باش:



جدول شماره ۱:



جدول شماره ۲:

Characteristic	Lifetime Gambling Behavior				
	Non-gambler	Low-Risk	At-Risk	Problem Gambler	Path. Gambler
Any unemployment benefits, 12 mos.	4.6	4.0	10.9	10.9*	15.0**
Received welfare benefits, 12 mos.	1.9	1.3	2.7	7.3*	4.6
Household income, 12 mos. (RDD)	\$36,000	\$47,000	\$48,000	\$45,000	\$40,000
Household debt, current (RDD)	\$22,000	\$38,000	\$37,000	\$14,000	\$48,000
Filed bankruptcy, ever	4.2	5.5	4.7	10.3 ϕ	19.2*

جدول شماره ۳:

Problem	Non-Gamblers		Low-Risk Gamblers		At-Risk Gamblers		Problem Gamblers		Path. Gamblers	
	Lifetime	Past Year	Lifetime	Past Year	Lifetime	Past Year	Lifetime	Past Year	Lifetime	Past Year
Health poor/fair, past year	22.8	21.0	14.0	12.3	15.7	13.2	16.3	22.6	31.1	29.6
Mentally troubled (currently) (RDD only)	10.7	14.6	15.9	17.1	26.5	28.5	42.3	24.2	41.9	66.5
Mental health tx, past year	5.1	6.9	6.8	6.3	6.4	10.1	12.8	5.4	13.3	12.9
Emotionally harmful family argument about gambling	NA	0.5	0.1	0.3	0.8	6.8	15.8	10.5	53.1	65.6
Manic symptoms, ever	NA	0.7	NA	1.6	11.3	17.6	16.8	13.4	32.5	40.1
Depressive episode, ever (RDD only)	NA	0.1	NA	1.0	8.6	17.4	16.9	5.2	29.1	20.0
Alcohol/drug dependent, ever (RDD only)	1.1	0.9	1.3	1.8	5.6	13.3	12.4	13.9	9.9	20.0
Drug use 5+ days, past year	2.0	2.4	4.2	5.1	9.2	13.5	16.8	16.1	8.1	13.9
Any job loss, past year	2.6	4.8	3.9	3.6	5.5	2.1	10.8	0.0	13.8	25.0
Bankruptcy, ever	3.9	3.3	5.5	6.4	4.6	10.9	10.3	13.8	19.2	10.7
Arrested, ever	4.0	7.0	10.0	11.9	21.1	25.7	36.3	25.0	32.3	26.4
Incarcerated, ever (RDD only)	0.4	—	3.7	—	7.8	—	10.4	—	21.4	—

جواب استفتا از آیت الله مکارم شیرازی:

باسمه تعالی

محضر مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دام ظلّه الواری)

سلام علیکم

مسابقه‌ای حضوری با عنوان "مسابقه بزرگ برنده باش" از طریق شبکه سه سیما جمهوری اسلامی ایران در حال اجرا و پخش است که به شرکت‌کنندگان در این مسابقه به ازای پاسخ صحیح به هر سؤال، مبلغ قابل توجهی به صورت پلکاتی (تا سقف ۱۰۰ میلیون تومان) اعطا می‌کند که با کمک مجری برنامه و فرصت‌هایی که در اختیار هر شرکت‌کننده قرار می‌گیرد، مبلغ جایزه غالباً از ۵ میلیون تومان کمتر است

شرط حضور در این برنامه خرید سؤال و پاسخ درست به آنها از طریق اپلیکیشن مخصوص است و در صورت درست بودن جوابها، در یک رقابت فشرده، با نقره به مسابقه حضوری دعوت خواهند شد

بسمه تعالی

آیا برگزاری این نوع مسابقات جایز است؟ این کار قمار است و کسانی که شرکت می‌کنند مالک آن جوایز نمی‌شوند. آیا شرکت در این نوع مسابقات جایز است؟

هدیه رونق
۹۷۱۲۷



آیا شرکت کننده، مالک شرمی جایزه خواهد شد؟

با تشکر



قیمت ارز و طلا | لیگ ایران و جهان

پربیننده‌ترین اخبار رسانه‌ها

بزرگترین زمان برای مصرف ویتامین‌ها، چه زمانی است؟

اگر فرزندی زیبا میخواهید این مواد غذایی را بخورید!

18 اسفند ۱۳۹۲ - ۲۲:۵۱ | رسانه‌ها | خوانندگی | نظارت

فیسبوک | توییتر | تلگرام

استفتاء و نظر مراجع در مورد مسابقه «برنده باش»

«برنده باش» با همه حواشی پیش‌آمده و پیش‌بینی حواشی آینده، متن مشخص غیر قابل توجیهی دارد که البته به حاشیه رفته است.

در این باره پاسخگوی سؤالات شرعی دفتر **حضرت آیت الله خامنه‌ای** در قم به خبرنگار فارس گفت: آقا فرموده‌اند اگر شبیه بخت‌آزمایی باشد بنا بر احتیاط جایز نیست.

همچنین بخش استفتاءات دفتر **آیت الله مکارم شیرازی**، از دیگر مراجع عظام تقلید نیز در پاسخ به این پرسش نوشت:

«در این گونه موارد باید مطابق قوانین و مقررات مربوطه عمل شود و در صورتی که جوایز از آن پول‌ها داده می‌شود و یا لااقل پول‌ها پشتوانه‌ای برای آن جوایز است، شبیه بخت‌آزمایی می‌باشد و اشکال دارد».

در عین حال دفتر **آیت الله نوری همدانی** هم با عبارت «اشکال دارد» به این پرسش شرعی و استفتاء پاسخ داد.

و اما یکی از اعضای دفتر **آیت الله وحید خراسانی** در قم نیز در پاسخ به این پرسش چنین عنوان کرد:

اگر مسابقه‌ای به این صورت باشد که از شرکت کنندگان در آن پولی دریافت شود تا از همان پول به برنده یا برندگان جایزه داده شود این امر جایز نیست؛ مگر آن‌که برگزارکننده مسابقه از این پول‌ها، امکاناتی هم در اختیار

به هر حال در فرض مطرح‌شده باید بیان داشت که این شیوه یعنی هزینه کردن بسیاری از افراد و سپس اعطای جایزه به تعدادی محدود از همین پول، بسیار نزدیک به قمار است و اشکال دارد.

در این باره دفتر **آیت الله شبیری زنجانی** این گونه جایزه دادن‌ها را دارای اشکال دانست و دفتر **آیت الله صافی گلپایگانی** نیز تصریح کرد: اگر مسابقه به گونه‌ای باشد که برگزارکننده از جیب خودش پولی برای جایزه در نظر بگیرد اشکال ندارد؛ اما این‌که جوایز مسابقه از همه یا بخشی از پول شرکت کنندگان در مسابقه تأمین شود اشکال دارد.